

از دور

او را دیدند

مقدمه‌ای بر کتاب برگهای زرین

سطح متوسط

از دور

او را دیدند

مقدمه‌ای بر کتاب برگ‌های زرین

www.irancatholic.com

فهرست

مقدمه:

- ۳ چرا عهد عتیق را بخوانیم و چگونه آن را بفهمیم؟
۴ تجربیات تاریخی قوم برگزیده جایگاه اعلام راز خدا
۶ برشیت = در آغاز: کدام آغاز؟

فصل اول: صحنه های تاریخی وقایع عهدعتیق

- ۸ پیشگفتار
مهمترین اتفاقات قوم برگزیده:
۹ بین النهرین باستان
۱۲ مصر
۱۴ فلسطین
۱۶ انبیای بنی اسرائیل
۱۸ خروج
۱۹ حتی ها
۲۰ بعد از خروج
۲۳ آشور
۲۴ احیای بابل
۲۴ تبعید
امپراتوری پارس:
۲۶ بازگشت یهودیان به سرزمین خود
۲۸ تسلط فرهنگ یونان
۳۰ تعقیب و شکنجه آنتیوخوس چهارم
۳۳ سوالات مخصوص بحث

فصل دوم: کتاب مقدس چیست؟

- ۳۴ ۱- کتاب مقدس خود یک کتابخانه است
۳۷ ۲- داستان محبت

۳۸	۳- کتاب مقدس الهام بخش مفهوم تجربیات انسانی
۴۰	تورات: مقدمه
۴۰	الف) اهمیت تورات برای قوم برگزیده
۴۰	تورات، کتابی غیرمتجانس
۴۱	تورات، حاوی آموزه های دینی عهد عتیق
۴۲	تورات، کتابی بنیادی
۴۲	تورات، درخت زندگانی
۴۲	ب) تار و پودی چهارگانه از بافتی واحد
۴۳	مراحل تاریخی نگارش سنتهای مختلف
۴۴	۱- تفسیر یهوئست
۴۴	۲- تفسیر الوهئست
۴۵	۳- تفسیر خطابت یا تثنیه ای
۴۵	۴- تفسیر کهناتی
۴۶	ج) در باب نگارش سفر پیدایش
	نقشه ها :
۴۸	۱- شهرها ، معابد، قلعه ها
۴۹	۲- آزمایش در بیابان (۱۲۵۰-۱۲۳۰ ق.م)
۵۰	۳- سرزمین اسرائیل در زمان سلیمان (۹۵۰ ق.م)
۵۱	۴- پیروزی های آشوریان در قرون ۸،۹ ق.م
۵۲	۵- امپراتوری بابل
۵۳	۶- یهودیه و ایالت های اطراف آن در زمان امپراتوری پارس
۵۴	۷- قلمرو الکساندر جانه (از ۱۰۳ تا ۷۶ ق.م)
۵۵	۸- موقعیت سیاسی فلسطین در زمان عیسی
۵۶	فصل سوم: سوالات

مقدمه

چرا عهد عتیق را بخوانیم و چگونه آن را بفهمیم؟

خوشحالیم که اکنون با جدیت، تصمیم به خواندن عهد قدیم گرفته اید، تبریكات صمیمانه ما را بپذیرید. اتفاقاً بعضی از مسیحیان این سؤال را مطرح می کنند: چرا باید عهد قدیم را بخوانیم، حال که عیسی، پسر خدا، تمام راز و حقایقی که باید به آن ایمان بیاوریم تا نجات یابیم را الهام کرده و روح القدس را به ما منتقل ساخته؟ با این سؤال این افراد نشان می دهند که شناختشان از انجیل سطحی است و کامل نمی باشد. در واقع خود عیسی وقتی خواست راز شخص خود و معنی مرگش را که سبب نجات ما گردید، بیان نماید به دو شاگرد ناامید شده در راه عمواَس ظاهر شد و شروع نمود از موسی تا آخرین پیامبر را دوباره با ایشان باز خوانی کرد تا ایمان متزلزل شده آنها را استحکام بخشد (لو ۲۴: ۱۹-۲۷).

علاوه بر این، کلیسای اولیه حتی قبل از به تحریر درآمدن انجیل، از روایات پیامبرانی که از قبل آمدن او را علام نموده بودند استفاده می کردند و در نور روح القدس آنها را بازخوانی می نمودند تا راز مسیح را اعلام کرده و معنی اتفاقات روز را روشن سازند (اع ۲: ۱۷-۲۰، ۲۵-۲۸، ۳۴-۳۵، ۲۵-۲۶ و غیره). بدین دلیل در طول متن نامه های رسولان و اناجیل چندین ارجاع به عهد قدیم را می خوانیم. بنابراین ما مسیحیان، امروز باید در متون پیامبران پیشین تعمق کرده تا اناجیل را بهتر بفهمیم و راز مسیح را عمیق تر درک کنیم. همه می دانند که امروز کلیسا در آیین نماز، اغلب از متون عهد قدیم و مخصوصاً مزامیر و متونی از پیامبران برای آشکار ساختن مژده انجیل که هر یکشنبه اعلام می شود استفاده می کند تا مطلب را بهتر روشن سازد. بنا به گفته یکی از مفسرین معروف: «خواندن عهد جدید بدون شناختن عهد قدیم راه رفتن در تاریکی است زیرا تمام وقایع عهد قدیم پیشنمود وقایع عهد جدید است».

علاوه بر این، باید دقت نمود که چرا خدا اغلب مستقیماً با انسان صحبت نمی کند بلکه توسط اتفاقات زندگی روزمره که انسان آن را در نور روح القدس می بیند؛ این موضوع درباره زندگی خود ما و همچنین زندگی قوم برگزیده صحت دارد. بنابراین باید وقایع تاریخی این قوم را بدانیم چون از این راه، خدا راز خود را مکشوف ساخته و به آمدن نجات دهنده ما، مسیح وعده داده. قبل از خواندن متون این کتاب و سؤالات مربوطه خلاصه ای از این تاریخ را مطالعه خواهید کرد تا متون کتاب مقدس را بهتر درک نمایید. هم چنین چندین نقشه جغرافیایی همراه با یک نمودار تاریخی اضافه شده تا این وقایع تاریخی را در زمان و مکان خود بررسی نماییم.

تجربیات تاریخی قوم برگزیده جایگاه اعلام راز خدا

در بعضی ادیان، انسان‌ها کوشش می‌کنند خدا را از راه مکان‌ها یا اتفاقات طبیعی بشناسند مثل جنگل مقدس، درخت مخصوص، چشمه آب یا کوهی مرتفع و مشخص... اما برای مسیحیان، الهام راز خدا از راه تجربیات مختلف قوم برگزیده و تعمق طولانی این قوم در نور روح القدس آشکار می‌گردد و این تجربه روحانی ابتدا به صورت روایات شفاهی و بعد به صورت نوشته‌ها به ما رسیده است. بنابراین، باید تاریخچه قوم که در جریان این روایات جا گرفته را بشناسیم تا راز خدا را بهتر درک نماییم. در این کتاب، نویسنده مهم‌ترین متون عهد قدیم را انتخاب کرده تا بتوان به تدریج و بدون اشکال طعم متن عهد قدیم را چشید. برای این که بتوانیم اتفاقاتی را که این متون روایت می‌کنند در تاریخ قوم جای دهیم و نیت نویسنده و هم‌چنین سبک نگارش آن را بهتر درک کنیم توضیحاتی نیز داده شده زیرا نباید یک متن شعرگونه را هم چون متنی تاریخی یا مثل‌های حکمت به یک روش و یک جور خواند.

همراه با بعضی از این متون سؤالاتی گنج‌انیده شده است که خواننده بتواند عمیق‌تر تعمق کرده و بهتر در نور مسیح و در ارتباط با عهد جدید در روایت کلیسا که کتاب مقدس را به ما داد درک کنیم.

در واقع باید کتاب مقدس را همراه با کلیسا بخوانیم و در جریان روایات آن وارد شویم. پطرس رسول می‌گوید: «هیچ نبوت کتاب مورد تفسیر شخصی نمی‌باشد» (۲- پطرس ۱: ۲۰).

به صورت خلاصه، نباید فراموش کنیم که هر متن را می‌توان در سه مرحله تفسیر کرد: معنای خود متن، معنای کامل متن، معنای روحانی و زنده متن.

الف: معنای خود متن: که اهمیت خاصی دارد. با کمک متخصصین باید درک کنیم که قصد نویسندگان از نوشتن متن بیان چه مفهومی بوده و چه چیزی را می‌خواسته‌اند به خوانندگان منتقل سازند. بنابراین، دو مورد را باید روشن کرد: اول حالت و طرز فکر نویسنده همراه با سبک نگارشی که استفاده نموده، دوم چگونگی سؤال‌های اشخاص یا گروه مورد نظر نویسنده.

ب: معنای کامل متن: هر متن الهام شده در کتابی جای می‌گرفته و این کتاب نیز در کل کتاب مقدس گنج‌انیده می‌شده. بنابراین باید آن را در ارتباط با اصطلاحات و

موضوع‌های مختلف کتاب مقدس تفسیر نمود، با علم به این که این معنای کامل در راز عیسی مسیح نهفته است. خود او راز مرگ و رستاخیزش را که اتفاق محوری ایمان ماست، در نور تورات و کتب انبیاء تفسیر می‌کرد (لو ۲۴: ۱۳-۳۲). ما اهل کتاب نیستیم، بلکه اهل آن شخص، یعنی مسیح، آن کلام تن گرفته و رستاخیز کرده، می‌باشیم.

ج: معنای روحانی و زنده: مفهوم متن را باید در نور روح القدس که کلیسا را به حقیقت کامل می‌رساند (یو ۱۶: ۱۳) و در ارتباط با زندگی امروز ما درک کرد، زیرا خدایی که از راه اتفاقات و تجربیات مختلف قوم برگزیده کلام خود را آشکار نموده، امروزه نیز از راه اتفاقات و فرهنگ و تمدن خودمان با ما صحبت می‌کند. پس، این گفتگوی امروز خدا با ما و کلیسا را باید در ارتباط با کتاب مقدس شنید و درک کرد. زیرا اتفاقات زندگی امروز ما در نور متن بهتر درک خواهد شد.

علاوه بر این، این گونه پیشنهاد شده که باید ما بین عیسی مسیح و وقایع عهد قدیم ارتباط برقرار نماییم. در بعضی از سؤالات وقتی به یک سری ارجاعات اشاره شده ابتدا باید معنای متون مختلف را در نظر بگیرید سپس از میان آنها دو یا سه ارجاع را انتخاب کرده و بنویسید و سپس توضیح دهید که چرا متون انتخاب شده برای شما بیشتر اهمیت دارد؟ به نفع خواننده خواهد بود که بر این سؤالات تعمق نموده و با خواندن ارجاعات به صورت کتبی جواب دهد. بدین گونه نتیجه کار عمیق تر شده و اثر آن در ذهن باقی می‌ماند.

* * *

«برشیت» = در آغاز: کدام آغاز؟

تجربه محبت آزادی بخش قبل از تفکر بر خدای خالق

اولین نکته ای که در کتاب مقدس وحی شده، موضوع خدای خالق نیست، بلکه موضوع خدای آزاد بخش است. در قلب کتاب مقدس، کتاب خروج را می یابیم یعنی راز آزاد کننده قوم برگزیده. آن چیزی که در قلب ایمان مسیحی ما می باشد، رسیدن به آزادی خود خداست. پطرس رسول می فرماید: «ای برادران هر چه بیشتر بکوشید تا فراخواندگی و برگزیدگی خویش را تحکیم بخشید، چرا که اگر چنین کنید هرگز سقوط نخواهید کرد.» (۱ پطرس: ۱۰) پطرس رسول این را شریک شدن در طبیعت الهی می داند.

در ابتدا، خدا به قوم به عبرانیان نگفت «که من هستم که تو را آفریده ام، بلکه این من هستم که تو را آزاد کردم. من تو را از بردگی مصر بیرون آوردم.» بنابراین، درک می کنیم که وحی راز خدا، از ابتدا با تفکر و فلسفه یا تصورات شروع نمی شود، بلکه تجربه در زندگی و تاریخ است. مثلاً ما اگر می خواهیم تجربه ای از یک سیب داشته باشیم، نباید در ابتدا آن را با کلمات توصیف کنیم، باید از آن بخوریم و بعد از خوردن، به توصیف خصوصیاتش بپردازیم و این موضوع وقتی بیشتر حقیقت پیدا می کند که درباره خلقت انسان یا خلقت دنیا صحبت می شود. زیرا، هیچ وقت کسی از ابتدا درباره اصل و مبدا خود سؤال نمی کند، به طور مثال، طفلی که بر سینه مادر خود تکان آرمیده و گریه می کند، از مادرش سؤال نمی کند که آیا من از سلسله پسران کوروش کبیر هستم؟ بلکه فعلاً او نگران گرسنگی و رفع احتیاجش است که از درد شکم آزاد شود.

پس برای طفل، مادرش در ابتدا کسی نیست که او را به دنیا آورده بلکه کسی است که او را از احتیاجش آزاد می کند، بعد از این که تدریجاً از سینه مادر خود فاصله گرفت، درک می کند که برای رفع احتیاجاتش باید به خود متکی باشد آن وقت در مورد اصالت و هدف آینده خود سؤال می کند. هم چنین قوم برگزیده، از ابتدا در مورد مبدا انسان یعنی آدم و حوا صحبت نکردند در واقع، شخص در زندگی خود از اشکالات کنونی شروع می کند و برای درک عمیق تر از آن به عقب تر باز می گردد تا به دلایل آن پی ببرد و آن را درک کند.

باید با دقت آگاه بود که قوم برگزیده، در تعمق و ایمان خود از تعالیم رسمی به سوی تجربه در زندگی نرفته، بلکه از تجربه زندگی فعلی استفاده کرده، تا در نتیجه تعالیم رسمی را سامان داده و آن را برپا داشته، پس تجربه اصلی و بنا کننده این قوم آزاد شدن از بردگی مصر می بود. این آزاد شدن که در باب سیزدهم کتاب خروج روایت شده، ۱۳ قرن قبل از میلاد مسیح به وقوع پیوست. یعنی حداقل ۵ قرن قبل از این که دومین روایت درباره خلقت (پید ۲-۳) به تحریر درآمد، و این روایت

قدیمی تر است و به احتمال قوی در قرن هشتم قبل از میلاد نوشته شده است. اما روایت اول درباره خلقت (پید باب ۱) که کتاب پیدایش را افتتاح می کند جدیدتر می باشد و شش قرن قبل از میلاد به تحریر درآمده است. بنا براین، ما بین واقعه خروج و به تحریر در آمدن باب اول کتاب پیدایش، تقریباً هفت قرن فاصله وجود دارد.

برای بهتر درک کردن اشکالات و طرز فکر یهودیانی که کتاب مقدس را نوشتند و بر آن تعمق کردند، باید اوضاع و شرایط خودشان را در اسارت بابلی ها در قرن ششم قبل از میلاد در نظر بگیریم. آنها که سال های متمادی در کشور بیگانه، زندگی سختی داشتند و دانستند که دیگر در کشور خودشان نه پایتخت و نه پادشاه و نه معبد دارند، بنا بر این دیگر اعیاد و آیینی ندارند - نمی دانند این تبعید تا به کی ادامه خواهد داشت. پس چگونه می توانستند بپذیرند که یهوه خدای ایشان، قوم خویش را ترک نکرده و عهدی که با موسی بسته بود از میان نرفته؟ علاوه بر این، در بابل تمدنی بسیار غنی با دین پر جلال و اعیاد با شکوه می بینند، چگونه می توانند فریب نخورند و فکر نکنند که یهوه خدای ایشان، از مردوک، بت بزرگ بابیل، ضعیف تر نشده باشد؟ و آیا بهتر نیست، مردوک را به عنوان خدای خود بپذیرند؟ ظاهراً و عملاً یهوه کاری انجام نمی دهد؛ البته پیامبران مکرراً این را اعلام می کنند که خدا وفادار است و هیچ وقت قوم خود را فراموش نمی کند، زیرا کلام او چون صخره می ماند.

بنا بر این، اورشلیم از خرابی خود دوباره بنا خواهد شد و قوم یهود از صحرای نوین عبور کرده و به سرزمین موعود و پر برکت باز خواهند گشت. چون یهوه خدای ایشان چندین قرن پیش این قوم را از اسارت مصریان آزاد کرده و پیامبران کارهای شگفت خدا را در آن زمان به صورت مکرر یاد آوری می کردند که کاری را که خدا یک بار انجام داد، دوباره نیز انجام خواهد داد، و باید قوم جهت خروج نوین آماده شود.

از این دیدگاه آغاز واقعی تفکر عمیق یهودیان از تجربه تبعید عمیق تر شکل می گیرد و ما نیز از این دیدگاه بهتر است برای خواندن کتاب مقدس از کتاب اشعیا نبی که در آن زمان می نوشت (باب چهل تا پنجاه و شش) شروع کنیم. از پیروزی یهوه بر بابل و بت هایش عقب بر می گردیم به زمان موسی و پیروزی یهوه بر فرعون و باز از آنجا به ابراهیم باز می گردیم که با پیروزی یهوه بر بت های خون خوار کنعان، اسحاق را آزاد ساخت. و بالاخره از آنجا باز می گردیم به پیروزی یهوه بر تاریکی و تهی و بائر اولیه و پر قدرت دریا، تا انسان بتواند زندگی کند.

با علم به این که رهب یکی از بت های بابیل بود و بیان گر قدرت بدی که در دریا زندگی می کرد و مردوک بر آن پیروز شد آن را پاره نمود تا دنیای ما را به وجود آورد. این متن عجیب اشعیا را با دقت بخوانیم. البته با در نظر گرفتن کتاب پیدایش (پید: ۱:۶، ۹، خروج ۱۴: ۲۱-۲۲)

فصل اول

صحنه‌های تاریخی وقایع عهد عتیق

پیش‌گفتار

تاریخ نجات بشر در عهد قدیم را می‌توان دقیقاً به صورت یک نمایش با شکوه شرح داد، نمایش با شکوهی که در صحنه تاریخ جهان برپا شد. طرح این نمایش، نجات بشر به دست خداوند و بازیگران اصلی آن، عبرانیان هستند، قومی که خداوند آنان را دوست داشته و خود را بیشتر به آنها نزدیک نمود.

برای درک تاریخ نجات بشر لازم است که از مکان و زمان این وقایع آگاه باشیم. مقصود از انتشار این کتاب، معرفی نمودن بازیگران اصلی این نمایش و شرح مختصر این مطلب که چگونه آنان و تاریخ زندگیشان، جزئی از داستان نجات بشر است.

نخست، صحنه نمایش است که همانا بیان اوضاع جغرافیائی خاور نزدیک است که بعضی بدان نام مناسب «هلال خضیب» را داده‌اند. اگر خطی از دلتای نیل سبز و پر برکت به طرف شمال، بین سواحل فلسطین و دره اردن از میان سوریه بکشیم و بعد خط را بطرف مشرق امتداد داده و از رودخانه‌های دجله و فرات بگذریم و سپس آن را بطرف جنوب ادامه دهیم تا به خلیج فارس برسیم، شکل این هلال به خوبی قابل مشاهده خواهد بود. این چهارراه، جاده‌های بازرگانی بین آسیا و منشأ قدیمی‌ترین تمدنهای دنیاست که سرزمین عهد قدیم نامیده می‌شود.

مهمترین اتفاقات قوم برگزیده

خلاصه‌ای از مهمترین اتفاقات از دیدگاه سیاسی:

درخاورمیانه (البته سالها به صورت تقریبی است تا آسان تر بتوان آن را حفظ کرد):

۱۷۰۰ تا ۱۶۰۰ (؟): ابراهیم، اسحاق، یعقوب ...

۱۲۵۰: موسی و خروج

۱۰۰۰ تا ۹۸۰ (۱۳۰): داود و سلیمان

در بین النهرین، امپراتوری آشور (نینوا)

۹۵۰: تفکیک سیاسی و مذهبی مابین سرزمین یهودا (جنوب)، اسرائیل (شمال)

۷۰۰ (۷۲۰): فتوحات آشور به اسرائیل و از بین بردن سامره

۶۱۲: فتوحات بابلیها و از بین بردن نینوا

بین النهرین باستان

تاریخ عبرانیان با ظهور پدر ما ابراهیم (پاتریارک- ابراهیم) شروع می شود. شروع تاریخ قبایل عبرانی همزمان با تمدنهای باستانی بین النهرین، مصر و فلسطین می باشد که سه منطقه از مهمترین نواحی هلال خضیب هستند.

در مرز شرقی هلال، رودخانه های دجله و فرات از کوههای ارمنستان شمالی سرچشمه گرفته و از خط سیری واقع در باختر به بطرف جنوب شرقی، دور زده و بعد از طی مسافتی بیشتر از ۱۰۰۰ مایل به خلیج فارس می ریزند. در حدود اواسط خط سیر دجله و بخصوص در قسمت شرقی آن، دشت ناهموار آشور قرار دارد. سرزمین کوهستانی عیلام (ایلام) در اطراف شوش در قسمت تحتانی و شرق رودخانه دجله واقع است (لرستان فعلی ایران)، در حالی که قسمت تحتانی فرات از زمین کاملاً صاف و هموار می گذرد. در زمانهای قدیم، این ناحیه به نام بابل معروف بود. در حال حاضر، ناحیه بین این رودخانه ها یعنی بین النهرین (به زبان یونانی به معنی بین رودخانه ها)، عراق نامیده می شود که پایتخت آن بغداد است. گل و لای بسیاری بوسیله رودخانه ها به طرف جنوب برده می شد

و در بهار هنگام طغیان، لایه‌های لجن در اطراف رودخانه‌ها ته‌نشین شده و بدین وسیله زمین را حاصلخیز می‌نمود.

این ناحیه سرزمینی بود مسطح و باز که از آغاز تسهیلات لازم را جهت تجارت و مسافرت داشته است.

امتیازات مذکور باعث حملات اقوام بیگانه به آن سرزمین بوده و بوجود آمدن اتحاد بین مردم آن را، برای دفاع از سرزمین خود ضروری کرده بود. در حال حاضر بادهای خشکی در این ناحیه می‌وزد و باعث پخش شدن گرد و خاک بر روی این منطقه باز می‌شود. این سرزمین قرن‌ها دست نخورده باقی مانده اما آثار خرابه‌های تمدن‌های باستانی، که زمانی در منتهای درجه شهرت بودند، در این منطقه دیده می‌شود. مردم بین‌النهرین الوار و سنگ کم داشتند و در نتیجه بیشتر با آجر ساختمان می‌ساختند که نهایتاً ویران می‌شد و شن و خاک آنها را پوشانده، به صورت قبرستان‌های تپه‌مانندی در می‌آورد. و بدین ترتیب آثار زندگی و فرهنگ آنان، پنهان گشت.

اولین دهکده‌های مستقر که در این ناحیه کشف شدند، متعلق به اواخر عصر حجر، بین سالهای ۷۰۰۰ الی ۵۰۰۰ قبل از میلاد می‌باشند. مردمی که در قسمت علیای بین‌النهرین (۴۰۰۰ سال ق.م)، بطور متراکم در چند دهکده مستقر شده بودند، ظروف سفالی بسیار زیبا در آنجا تهیه می‌کردند. از آنجا که خط هنوز اختراع نشده بود هیچ نشانه‌ای از زبانی که این مردم بدان تکلم می‌کردند، در دست نیست.

قرن‌های بسیاری گذشت تا سرانجام سرزمین باتلاق‌مانندی که در جنوب بین‌النهرین بود، به صورت سرزمین مسکونی درآمد. سدهائی برای جلوگیری از آب دریا ساخته شد و در نتیجه، زمینها خشک و قابل استفاده شدند و مهاجران در این ناحیه جمع گشتند. این مهاجران که سومریان نامیده می‌شوند (و ظاهراً از نژاد سامی نیستند)، بوجود آورندگان تمدن در قسمت‌های پائین بین‌النهرین بودند.

سومریان اقوامی فعال و قوی بوده که شهرهای زیادی ساختند و «ایالات خود مختاری» را بنیان نهادند و معابد بزرگی برپا داشتند. آنان صنعت ظروف سفالی را تکمیل کرده و بالاتر از آن برای نخستین بار در سال ۳۳۰۰ (ق.م)، خط میخی را طرح نمودند. حروف این خط از شکلهای مختلف تشکیل شده بود و حروف الفبا حدود ۱۰۰۰ سال بعد از آن اختراع شد.

سومریان تنها ساکنان بین‌النهرین نبودند بلکه جمعیتی سامی نیز بودند به نام اکدی‌ان که از لحاظ نژادی با اعراب، فنیقیها، کنعانیان، عبرانیان، موآبیان، سریانی‌ها (آرامیان) آشوریها و بابلیها نسبت داشتند. بعدها سومریها بوسیله همسایه‌های اکدی خود در شمال نابود شدند.

در حدود سالهای ۲۳۵۰ (ق.م) سرگون که یک اکدی سرشناس بود در زادگاه خود کیش، به پادشاهی رسید. او «ایالات خود مختاری» را گرفت و نفوذ خود را در سراسر اکد و ایالات سومر تا دور دست، به سوی شرق یعنی شوش (در ایلام)، گسترش داد. حکومت وی اولین امپراتوری در تاریخ جهان به شمار می‌رود. سرگون در سراسر این امپراتوری بزرگ، فرهنگ سومریان را بنیاد نهاد که فرهنگ اکدیانی نیز بر اساس آن بنا شد.

اندکی بعد از ۲۲۰۰ (ق.م) سرزمین سومر و اکد بوسیله گروهی جنگجو به نام گوتی که در کوههای زاگرس زندگی می‌کردند، مورد تجاوز قرار گرفت. ولی بعد از مدتی سومریهای ساکن در شهرارک (ارخ)، اقوام گوتی را بیرون راندند. این امر باعث تجدید قدرت سیاسی سومریها و موجب رسیدن آنها به نقطه اوج تمدن خود گردید. برای مدتی در حدود یک قرن (تقریباً ۲۰۵۰ سال ق.م)، سومر رهبری سرزمینهای اطراف خود را، هم از جهت هنری و هم از نظر بازرگانی، بر عهده داشت. شهر عمده آنها، شهر اور بود (در کتاب پیدایش ۳۱:۱۱ بعنوان محل زندگی خانواده ابراهیم ذکر شده)، که پایتخت سلسله جدید شد.

سومریها شاید روشنفکرترین و با استعدادترین مردم آن دوران بودند. کاخهای بزرگ، معابد، کتابخانه‌ها و آثار مجسمه سازی آنان نمودار این مطلب است. در آن زمان بود که برای اولین بار قوانین ارزنده ای که بعدها منبعی برای مجموعه قوانین معروف همورابی شد، پدیدار گشت.

اندکی بعد از سال ۱۹۵۰ (ق.م) امپراتوری سومریها در شمال مورد تجاوز و تهاجم سامیهای مغرب که اموریان نامیده می‌شدند، قرار گرفت. این مهاجمان سرزمین اکد را فتح کرده و بابل را پایتخت خود قرار دادند و سرانجام پس از یک رشته جنگهای طولانی، باعث سقوط اور شدند.

ششمین پادشاه اموریان از سلسله جدید بابلیها، یکی از مهمترین رهبران تاریخ به شمار می‌رفت. او همان همورابی قانونگذار معروف است که مدت ۴۰ سال فرمانروائی کرد. آغاز حکومت وی در حدود سال ۱۷۲۸ (ق.م)، بود و قلمرو سلطنت خود را تا آشور و سوریه شمالی توسعه داد. این امپراتوری جدید و ثروتمند، بابل یعنی «دروازه خانه خدا» نامیده شد. با وجود اینکه فرهنگ بابلیها بهترین فرهنگی بود که تا آن زمان پدید آمده بود، ولی این فرهنگ در حقیقت همان فرهنگ سومریان است که بابلیها تکمیل کرده و با محیط خود آن را سازش دادند. در هر حال این سرنوشت بابلیها بود که تمدنشان را به سرزمینهای غربی و حتی اروپا منتقل نمایند. ابداع مقیاسها، وزنها، تقویم، علامتهای منطقه البروج و تا حدودی ستاره شناسی، فقط قسمتی از ابتکارات با ارزش بابلیها را

نشان می دهد. ولی مهمترین موفقیت بابلیها نوشتن قانون بود که نشان می داد آنها مردمانی عادل و در عین حال نگران حقوق عموم مردم بودند. تشابه زیادی بین مجموعه قوانین معروف همورابی و قانون عبرانیها وجود دارد که روشنگر زمینه های مشترک بین این دو قوم می باشد.

طوفان نوح مدرک دیگری برای نشان دادن میراث مشترک بابلیها و عبرانیها می باشد. عوامل مختلف، احتمالاً وقوع سیلهای سهمگین، قسمتهای عظیمی از بابل را ویران کرده است. باستان شناسان مدارکی کشف کرده اند که بر اساس آنها حداقل یک دفعه چنین سیلی اتفاق افتاده است. روایت وقوع سیلی عظیم در میان سومریان رایج بوده و در فهرست پادشاهان آنان نیز این مطالب ذکر گردیده است. علاوه بر آن مردم سومر، یک افسانه کامل در مورد سیل وصف کرده اند که بخشی از آن در قسمتی از یک لوحه سومری در شهر نیپور کشف گردیده که بعداً معلوم شده که جزئی از حماسه معروف گیل گمیش می باشد. در این حماسه آمده است که مردی از نقشه خدا در باره سیل باران کردن دنیا، آگاه شد و با یک قایق بزرگ فرار کرد. این روایت قدیم بابلی مربوط به سیل، بعد از اینکه از تمام تأثیرات بت پرستی تطهیر شد، بین عبرانیها باز هم به دو صورت رایج گردید که بعداً با هم ترکیب شده و در «سفر پیدایش» با یک نوع الهام مذهبی نوشته شده است.

اولین سلسله بابلیان، در حدود یک قرن و نیم بر پا ماند، یعنی تا زمان هجوم اقوام بدوی کاسیان «ساکنان کوههای زاگرس» که بر دشتهای بین النهرین تسلط یافتند. تأثیر کاسیان در گسترش تمدن بسیار کم بود و تا ظهور امپراتوری قدرتمند آشور در قرن ۹ (ق.م) که مجدداً دره دجله و فرات اهمیتی در تاریخ جهان پیدا می کند، هیچ نوع تمدن چشمگیر دیگری به وجود نیامده.

مصر

در انتهای دیگر هلال خضیب، امپراتوری عظیم مصر قرار دارد که می توان آن را «هدیه نیل» نامید.

تمدن در مصر مانند تمدن در بین النهرین و جاهای دیگر در حدود ۲۵۰۰ سال قبل از ابراهیم شروع شده بود. نخستین فرهنگ آبادی نشین در مصر، به ۴۲۵۰ (ق.م) تعلق دارد. در فاصله این مدت و شروع اولین سلسله در ۲۹۰۰ (ق.م)، تمدنهای متعددی بوجود آمدند ولی هیچکدام تأثیر مهم و قابل ملاحظه ای، مگر در خشک کردن باتلاقها و آبیاری مزارع، نداشتند.

در مصر رودخانهٔ بزرگ نیل دارای اهمیت فراوانی است. درهٔ باریک آن این سرزمین طویل را متحد کرده و آبهای آن، سرزمینهای اطراف را حاصلخیز می‌کند. با تعلیم طرق استفاده از نیل، مصریان ملتی نیرومند گشتند و به احتمال زیاد در اواخر چهارمین هزاره، دو پادشاهی مصر علیا و مصر سفلی وجود داشته است.

لازم است متذکر شویم که تمدنهای هلال خضیب پیشرفتی جدا از یکدیگر نداشته‌اند. بعنوان مثال ظروف سفالی و اشیاء باستانی یک مملکت، در مملکت دیگر نیز پیدا شده‌اند. باستان شناسان ادعا دارند که طبق مدارک و دلایل به دست آمده، می‌توان ثابت کرد که مابین مصر و فنیقیه و بین النهرین مبادلات دائمی در زمینهٔ فرهنگی وجود داشته و این مبادلات حتی در سالهای هزارهٔ سوم و چهارم نیز صورت می‌گرفت. با وجود این در زمان انقراض اولین سلسله در مصر (۲۸۰۰ ق.م.) این چنین به نظر می‌رسد که مصر تماس خود را با بین النهرین قطع کرده است.

در حدود اوایل قرن ۲۹ (ق.م) حکومت مصر علیا و مصر سفلی متحد شدند و با این اتحاد دورهٔ عظمت مصر شروع گردید. این دوره عصر اهرام نام گرفت و هرم بزرگی که ۴۸۱ پا ارتفاع دارد، بوسیلهٔ ۲/۳۰۰/۰۰۰ قالب تراشیدهٔ سنگی درست شده که هر کدام ۲/۵ تن وزن دارد. ناگفته نماند که این بناهای عظیم بوسیلهٔ حکومتهای استبدادی برای آرامگاه فراعنه (فرمانروایانی که مصریان آنان را خدا می‌پنداشتند) ساخته شدند.

در این زمان مصر بازرگانی دائمی خود را با کنعانیها در بیبلوس که بندری بزرگ در مدیترانه و همچنین راه خروجی برای چوب جنگلی از لبنان بود، ادامه داد. بوسیلهٔ این روابط، کنعانیها در بیبلوس یک شیوهٔ نگارش سیلابی را که از الگوی تصویر نگاری (در حقیقت هیروگلیف) مصر سرمشق گرفته بود، تکمیل کردند. و این آغاز الفبای حقیقی بود.

در قرن ۲۲ (ق.م) مصر وارد دوره ای مملو از یأس و تفرقه و زوال شد. ولی در اواسط قرن ۲۱ (ق.م) در حالی که دومین هزاره شروع می‌شد، یک خانواده از شهر تاباص (یازدهمین سلسله)، توانست سرزمین مصر را دوباره متحد سازد و آن را به دومین دورهٔ ترقی و سعادت برساند (پادشاهی میانی). برای مدت دو قرن مصر از ثبات قابل ملاحظه بهره‌مند شده و در عین حال نفوذ خود را در فلسطین و فنیقیه گسترش داد.

فلسطین

چه اطلاعاتی از دوره باستانی سرزمین مقدس در دست داریم؟ این سرزمین از نظر وسعت کوچک، ولی موقعیت سیاسی قابل ملاحظه‌ای داشته است، زیرا همیشه رابط بین شرق و غرب بوده و غالباً به جای یک ایالت بی طرف مورد استفاده قرار می‌گرفت. ضمناً مهمترین وقایع در تاریخ نژاد بشر در محدوده‌های این سرزمین روی داده است.

ابتدا فلسطین به ناحیه‌ای در امتداد ساحل دریا گفته می‌شد، ولی بعدها سراسر مملکت نیز بدین نام ملقب گردید. در دوره‌های اول عهد قدیم، کنعان نام دیگر سرزمین مقدس بود و مردمان سامی نژادی که در آنجا زندگی می‌کردند، کنعانیان نامیده می‌شدند. در کتاب مقدس این ناحیه به «سرزمینی که از شیر و عسل لبریز شده است» اطلاق می‌شود. اگر سرزمین مقدس را در زمان رهبری داود و سلیمان که وسعت زیادی داشته در نظر بگیریم، طول و عرض آن از ۱۵۰ و ۶۰ مایل تجاوز نمی‌کند.

سرزمین مقدس از نظر جغرافیائی به چهار ناحیه از شمال به جنوب تقسیم شده است. ناحیه اول شامل دشت ساحلی در امتداد غرب است که فقط بوسیله کوه کرمل قطع می‌شود. دومین ناحیه عبارت است از کوه‌های فلسطین مرکزی که در امتداد کوه‌های بزرگ شمالی هستند و از میان جلیل سرازیر شده، بوسیله دره متقاطع بزرعیل قطع شده، بار دیگر در وسط به سمت کوه‌های سامره بالا رفته و در ناحیه جنوبی نگو که نسبتاً کویری است پائین می‌آید.

سومین ناحیه دره اردن است که جزئی از یک شکاف بزرگ جغرافیائی در کره زمین می‌باشد. سرچشمه رودخانه اردن در شمال بر روی شیب‌های کوه حرمون قرار داشته و ارتفاع رودخانه در آن ناحیه در حدود ۱۲۰ پا بالای سطح دریا قرار دارد.

در دریای جلیل این رودخانه ۶۸۰ پا زیر سطح دریا پایین رفته و بعد از ۱۹۰ مایل پیچ و تاب در بحرالْمیت، در ارتفاع ۱۲۷۵ پا پائین تر از سطح دریا، فرو می‌ریزد. بحرالْمیت همچنان که از نامش پیداست، مکانی غیر قابل زیست می‌باشد. آبی که در چنین فرو رفتگی زیر سطح دریا می‌ریزد به سرعت بخار شده و رسوب غلیظی از نمک باقی می‌گذارد. بنابراین ناحیه اطراف بحرالْمیت بسیار خشک و صخره‌ای می‌باشد. چهارمین بخش طولی سرزمین مقدس به اسم ماورای اردن شناخته شده و این سرزمین در عرض اردن، یک ناحیه جلگه‌ای مرتفع را تشکیل داده که در شمال حاصلخیز ولی در جنوب خشک و کویری است.

سرزمین مقدس در دوران عهد قدیم دارای آب و هوایی معتدل و حاصلخیز بود. در تپه‌های اطراف اورشلیم و بیت لحم درجه حرارت به ندرت از ۸۸ درجه فارنهایت تجاوز می‌کرد ولی در اریحا که فقط ۲۵ مایل دورتر بود، غالباً درجه حرارت تا ۱۲۵ درجه فارنهایت بالا رفته و چندین روز در همان حد باقی می‌ماند. سرزمین مقدس دارای فصولی بارانی و خشک بود و بیشتر در اواخر آبان و اواسط فروردین باران می‌بارید. بعد از آن، تپه‌ها و دره‌های سبز، زیر آفتاب سوزان تا ماه مهر زرد شده، رنگ کاه به خود می‌گرفتند و بستر نهرها خشک می‌شدند. قسمت وسیعی از این سرزمین بجز اواخر تابستان که شنهای سوزان کویر، توسط باد در آنجا پخش می‌شد، روزها گرم و شبها خنک بود. در این سرزمین درختانی چون سرو، زیتون، توت، زردآلو، آلو، کاج و سرو آزاد می‌روئیدند، ولی آنها بیشتر حالت تزئینی داشتند زیرا در آن زمان چوب به مصارف ساختمانی نمی‌رسید و خانه‌ها و دیوارها و پلها از سنگ ساخته می‌شدند. حبوبات در دشت و کنار تپه و میوه‌هایی از قبیل انگور و زیتون و انجیر و خرما و شاه بلوط شیرین در همه جا کشت می‌شد.

بر اثر کاوش در اریحا کشف شده است که این شهر با پیشرفت شگرفی به قدمت سالهای هزاره هفتم و ششم (ق.م)، و یا بعبارت دیگر در حدود ۵۰۰۰ سال قبل از اینکه ابراهیم خیمه‌های خود را در حومه شهر برافرازد، می‌رسد.

در حدود هزاره چهارم قبل از میلاد دهکده‌ها در سراسر فلسطین پراکنده بودند (همانطور که در بالا ذکر کردیم، مبادلات فرهنگی قابل ملاحظه‌ای بین فلسطین و مصر و بین النهرین در این مدت انجام می‌شد).

در سالهای هزاره سوم قبل از میلاد هر چند فلسطین هرگز فرهنگی که حتی بطور جزئی با مصر یا بین النهرین قابل مقایسه باشد، بوجود نیاورده بود، ولی با این حال «ایالات خود مختاری» بنا و مستحکم نمود. اکثریت مردم، کنعانیان (سامیها) بودند که زبانشان از زبان کنعانیان دوران عهد قدیم مشتق شده بود و زبان عبرانی که کتاب مقدس بدان نگاشته شده یکی از لهجه‌های آن است.

در اواخر هزاره سوم، هزاران تن از مردم بیابانگرد خشن به فلسطین ریختند. شهرها را سوزاندند و غارت کردند و جابرا نه روش زندگی بومی را از هم گسیختند. در نتیجه نیازی به رستاخیز برای احیای فرهنگی نوین بوجود آمد. این نوآمدگان گویا با اموریان که مردمانی از نژاد سامی شمال غربی بودند و همواره به تمام قسمت‌های هلال خضیب در آن زمان حمله می‌کردند، نسبت داشتند. در واقع می‌توان ابراهیم و اسحاق و یعقوب را در میان همه این شبه‌خانه بدوشان بی‌قرار مجسم نمود.

انبیای بنی اسرائیل

اولین نیمه هزاره دوم (۲۰۰۰ الی ۱۵۵۰ ق.م) زمان شروع تمدن اسرائیل می باشد. در طی این مدت ابراهیم به فلسطین مهاجرت کرد و مبدأ تاریخ قوم اسرائیل از این زمان است.

ابتدا باید در نظر گرفت که آیا شرح داستانهای انبیاء و گزارشهای کتاب پیدایش (باب ۱۲ الی باب ۵۰) واقعاً سندیت تاریخی دارند؟

در ۷۵ سال اخیر، علما فصول مذکور سفر پیدایش را به دقت مورد مطالعه قرار داده، به توافق اعلام کردند که این کتب بوسیله یک شخص و یا در یک زمان نوشته نشده اند بلکه این گزارش حاصل سیر تکاملی تدریجی در طول تاریخ بوده است. کار جمع آوری و اصلاح این مطالب تقریباً به مدت ۵ قرن ادامه داشت (قرن ۱۰ الی ۵ ق.م)، ولی در حقیقت این نوشته ها تا حدود ۱۰۰۰ سال بعد از ابراهیم هنوز به رشته تحریر در نیامده بود.

زمانی که این عقیده مورد قبول واقع شد، بسیاری از حکما داستانهای ابراهیم و سایر انبیای عبرانی را با بدگمانی پذیرفتند، چون ایشان داستانها را جعل مذهبی یهودیان دوره پیشین می پنداشتند. البته این نظر قبل از کشفیات باستان شناسان مدرن مورد قبول بود. در ۴۰ سال گذشته این علمای صبور و هشیار مشغول تحقیق در هزاران مدرک کتبی و نشانه های باقیمانده شهرهای مدفون بوده اند و موجب آشنا ساختن دنیای باستانی خاورمیانه شدند.

با کشف کتابخانه بزرگ آشوربانیپال (امپراتور آشور قرن ۷ ق.م) در حدود ۲۲۰۰۰ لوحه گلی کشف شد که زندگی و فرهنگ بین النهرین را در قرون پیشین شرح می داد. با وجودی که کشفیات مزبور صریحاً به شخصیتها یا اتفاقات مربوط به انبیای بنی اسرائیل اشاره نمی کنند، در اثبات آنها کمک مؤثری کرده اند.

با بررسی چند مثال این مطلب روشن تر می شود: مثلاً مقدار زیادی از اسامی اجداد و خانواده ابراهیم (سروج، ناحور، تارح) اسامی شهرهای اطراف حران هم بوده اند، ضمناً القاب ابراهیم و یعقوب برای نامگذاری افراد در بین اموریان بکار برده می شد.

بعلاوه کشف کتیبه های شهر نوزو در بین النهرین شمالی باعث شد، برداشت کامل تری از قوانین و آداب و رسوم انبیاء که تا آن زمان مبهم بود، به دست آوریم. از جمله: رفتار ابراهیم با هاجر، روابط بین یعقوب و لابان و موضوع بغرنج «ترافیم» (خدایان

خانگی که در پیدایش ۱۹:۲۱ به آنها اشاره شده) که نسبتاً روشن شده است و همچنین فروش حق نخست زادگی عیسو، برکتهای پیشوایان نبی در بستر مرگ و رویدادهای بی شمار دیگر...

چنین مکشوفات باستان شناسی، علما را قانع کرده که داستانهای انبیاء با زمان هزاره دوم، بدون هیچ شکی مطابقت دارد. در حالی که تاریخ دقیق انبیای بنی اسرائیل را نمی توان با اطمینان کامل معین نمود، به نظر می رسد که قسمت عمده حکایات انبیاء متعلق به سالهای مابین قرون ۲۰ الی ۱۷ (ق.م) می باشند.

مورخین توافق دارند که اجداد عبرانیها در واقع از ناحیه بالای بین النهرین آمدند و خویشاوندی نزدیکی با شبه چادر نشینان آن ناحیه داشتند. رسوم و روایات ذکر شده در کتاب مقدس صریحاً حران را بعنوان نقطه شروع سفر ابراهیم (پید ۱۱: ۳۲، ۱۲: ۵) و بعنوان خانه خویشاوندانش ذکر می کند (پید ۲۷: ۴۳، ۲۸: ۱۰، ۲۹: ۴).

اجداد اسرائیل هر چند از نسل سامی ساکن شمال غربی بودند، ولی بدون شک مخلوطی از بسیاری نژادها می باشند. در کتاب مقدس این خویشاوندی اسرائیل با ملل سامی دیگر تأیید شده است (موآب، عمون، ادوم، مادای). قوم اسرائیل بخصوص نسبت خود را با آرامیان تصدیق کردند که جزء گروه سامیان آواره ای بودند که برای قرن‌ها بر حاشیه کویر بزرگ سکونت می کردند (تث ۲۶: ۵). در اوایل هزاره دوم، بر اثر مهاجرت اجداد عبرانیان به فلسطین رابطه آنها با مملکت خودشان ضعیف تر شد و تدریجاً حتی لهجه کنعانی ها را هم جذب کردند.

تنها عده معدودی از علمای امروزی واقعیت تاریخی داستانهای انبیاء را می توانند انکار کنند. عده کمی نیز در اظهار اینکه ابراهیم، اسحاق و یعقوب، شخصیت‌های واقعی تاریخی یا امیران بزرگ طایفه بیابانگرد باشند، مردد هستند و همچنین تردید دارند که آنان را نماد برجسته طایفه به حساب آورند.

آنچه مسلم است، اتفاقات واقعی زمان انبیاء بغرنج تر از گزارشهای مکتوب در سفر پیدایش می باشد، اما باید گفت که این قسمت از داستان کتاب مقدس پایه و اساس تاریخی دارد و این مسأله به اثبات رسیده است.

خروج

یهودیان بوسیله کمک بزرگ خداوند از بردگی در مصر نجات یافته و به سرزمین خودشان راهنمایی شدند و این واقعه پایه ای ست برای درک تاریخ رستگاری. در این مورد نیز نکات اصلی تاریخ کتاب مقدس با منابع دیگر نیز مطابقت دارد.

در قرن ۱۸ (ق.م) مصر بوسیله متجاوزانی به نام هیسکوسها (امیران بیابانی، که سامی بودند) که به تدریج تمام مملکت را به دست آوردند، مورد تاخت و تاز قرار گرفت. به عقیده بسیاری از علما، یهودیان در همین زمان وارد مصر شدند. این مطلب کمابیش موجه می نماید، ولی به احتمال قوی تمام یهودیان در یک زمان وارد مصر نشدند و همگی نیز در یک زمان آنجا را ترک نکردند. چه بسا بعضی از یهودیان خیلی پیشتر از اتفاق خروج که در کتاب مقدس بدان اشاره شده، به فلسطین بازگشته باشند.

در کتاب مقدس فقط ذکر شده که مصریان زمانی دوستانه با یهودیان رفتار می کردند، ولی بعد از مدتی به آزار ایشان پرداخته و قوم اسرائیل اجباراً آنجا را ترک نمود، اما کلیه منابع تاریخی غیر از کتاب مقدس دلالت بر آن دارد که مصریها بعد از مدتی در حدود یک قرن که زیر سلطه رهبران ستمکار هیسکوسها بودند، از حیطة تسلط آنها خارج شدند و این آغازی برای حکومتی ملی و مستحکم در مصر بود، دورانی که در طول آن، مصر به بزرگترین قدرت جهان تبدیل می شد (۱۵۰۰ الی ۳۱۰ ق.م). همزمان با آن، قوم یهود بوسیله مصریها به بردگی درآمده و برای نقشه های ساختمانی وسیع و جاه طلبانه آنان بکار گماشته شدند.

هیچ مدرکی خارج از کتاب مقدس درباره خروج در دست نیست. ولی شهادت کتاب مقدس به قدری مؤثر است که شکی در پذیرفتن این امر قابل ملاحظه یعنی رهائی عبرانیان از مصر، باقی نمی گذارد. مصر مانند ممالک مغرب دیگر آن زمان هیچ شکستی را ثبت نمی کرد و غیر ممکن بود که بخاطر بعضی از بردگان فراری خود، بنای یادبودی بسازد. البته اسرائیل رهائی خود را از مصر بعنوان یک حادثه بزرگ در تاریخ خود ثبت کرد، حادثه ای که بنا بر آن اسرائیلیها به صورت «قوم خدا» درآمدند. این اتفاق سالهای متوالی در عید فصح با آئین مذهبی جشن گرفته می شد و چنین ایمانی که عمیقاً جزئی از آگاهی اجتماعی باشد، نمی تواند به صورت اتفاقی تخیلی شرح داده شود. هیچ گونه تفسیری دال بر این امر نیست، مگر اینکه اسرائیل از مصر به صورتی قابل ملاحظه گریخته باشد و این حادثه آنچنان شگفت انگیز است که نمی توانند آن را فراموش نمایند.

نیمه اول قرن ۱۳ (۱۳۰۰ الی ۱۲۵۰ ق.م)، به عنوان زمان خروج، با منابع خارج از کتاب مقدس تطبیق می‌کند و احتمال اینکه در زمان سلطنت فرعون رامسس دوم (۱۲۹۰ الی ۱۲۲۴ ق.م) خروج اتفاق افتاده باشد، از همه بیشتر است.

حتی‌ها

قبل از اینکه بطور خلاصه وقایعی را که در دنیا بعد از خروج رخ داده، شرح دهیم، لازم است که از گروهی دیگر در دنیای باستانی به نام حتی‌ها که علما تازه شروع به شناختن آنها کرده‌اند، صحبت نمائیم.

در کتاب مقدس به این گروه تحت عنوان حت یا حتیم اشاره شده است. در حقیقت ابراهیم غار مکفیله در حبرون را از یک حتی خرید (پید ۲۳) و اوریا شوهر بتشیع یکی از مأمورین داود هم حتی بود (۲- سمو ۱۱:۳). حتی‌ها مردمانی غیرسامی بودند. سرزمین حتی‌ها بطور تقریبی در شرق آسیای صغیر (ترکیه امروز) قرار داشت و بیشتر اطلاعات باستانی در باره تاریخ پیشین این مردمان از کولتیه و بوغازکوی که ۹۰ مایل از آنکارا فاصله دارد به دست آمده و مرکز اصلی آنان در کنار رودخانه هالیس بود.

در حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح مردم هند و اروپائی‌ها بطرف آن ناحیه هجوم آورده و امپراتوری خود را بنا کردند که علما آن را در دو قسمت مورد رسیدگی قرار می‌دهند: «امپراتوری قدیم» از قرن ۱۹ الی ۱۷ (ق.م) و «امپراتوری جدید» از قرن ۱۵ تا اواخر قرن ۱۳ (ق.م).

در زمان «امپراتوری جدید» جنگ با مصر و همچنین تسلط بر سوریه در مشرق و در جنوب فلسطین، آشکار شد. مصر نمی‌توانست افزایش قدرت و قلمرو حکمرانی حتی‌ها را تحمل کند و در هنگام حکومت ستی اول و رامسس دوم، زد و خورد و کشمکش بین مصر و حتی‌ها فزونی یافت. حتی‌ها در قادش در اطراف رود اورنتس (سال ۱۲۹۵ قبل از میلاد مسیح)، از مصر شکست خوردند، ولی این یک پیروزی قطعی نبود و منجر به تعادلی پایدار بین دو قدرت بزرگ نشد.

بعد از سال ۱۲۰۰ (ق.م) «اقوام دریا نشین» که در کتاب مقدس به اسم فلسطینیان شناخته شده‌اند، امپراتوری حتی‌ها را از سمت شمال شرقی نابود کرده و قدرت آنان را تا ابد در هم شکستند.

بعد از خروج

با مرگ رامسس دوم قدرت مصر به تندی رو به زوال گذاشت. جانشین او مرنپتاه (در حدود ۱۲۲۴ الی ۱۲۱۶ ق.م) سرگرم فرو نشاندن شورشهایی بود که در کنعان و در مرز غربی مصر بر پا شده بود.

استلی (ستونی که آن را راست کار می گذاشتند و به عنوان سنگ قبر به کار می رفت و گاهی حجاری، نقاشی شده بود) که حاکی از پیروزی است و در حدود سال ۱۲۲۰ (ق.م) نگاشته شده دلالت بر این دارد که مرنپتاه به فلسطین لشکرکشی کرده است. او جاه طلبانه مردم اسرائیل را در زمره دشمنانی که شکست داده است، قرار می دهد: «اسرائیل ویران شده است و مردم آن دیگر وجود ندارند.» در اینجا مهم است به این نکته توجه داشته باشیم که مرنپتاه اسرائیلی ها را فقط با عبارت گروهی از مردم یاد می کند، نه همچون یک قلمرو یا کشور، (علما هنوز در باره اینکه مرنپتاه کدام گروه از اسرائیلی ها را شکست داده، بحث می کنند چون واضح است که او بر تمامی نژاد سامی غلبه نکرده بود). احتمال دارد همچنان که قبلاً گفتیم، گروهی از عبرانیهای اتحادیه یهودیان در زمان داوران (در حدود ۱۲۰۰ الی ۱۰۰۰ ق.م) به مصر نرفته باشند، و یا شاید قبل از قرن سیزدهم آنجا را ترک گفته باشند. در هر حال ملت جدید اسرائیل از مردمانی که هنگام خروج از مصر بیرون آمدند، تشکیل شده و این حقیقتی مسلم است.

اسرائیل نیروئی جدید و قوی بود که بتدریج بر قلمرو کنعان مسلط شد و آنان را مطیع خود ساخت. این توسعه طلبی گاهی بوسیله انعقاد صلح و گاهی با بستن پیمان و زمانی بوسیله جنگ خونین اجرا می شد.

باستان شناسان مدارک فراوانی از این دوره بحرانی متمدن ساختن فلسطین کشف کرده اند. با اینکه هنوز ارتباط بین تاریخها و محلهای ذکر شده در کتاب یوشع با کشفهای باستان شناسان مبهم است، بنظر می رسد کتاب یوشع معرف یک تصویر واقعی تاریخی از فتح و ایجاد تمدن در سرزمین فلسطین، توسط قومی جدید است. کتابهای داوران و یوشع (موجود در کتاب مقدس) دلالت بر این دارد که این دوره تکامل تمدن دست کم دو قرن به طول انجامید. چون ساکنان پیشین کنعان برای مدتی طولانی در برابر تهاجم یهودیان قادر به مقاومت بودند، این دوره از تاریخ یهودیان پر از هرج و مرج گروههای مختلف، حکمای ضعیف و کوچک و جنگهای دائمی با ملل همسایه بود.

از آغاز قرن دوازده، قومی قدرتمند از ناحیه اژه ملقب به «اقوام دریانشین» که در کتاب مقدس به نام فلسطینی‌ها معروفند، ناحیه ساحلی فلسطین را اشغال کرده بودند. در طی قرن ۱۱ (ق.م) ایشان اسرائیلی‌ها را مجبور به بازگشت به جلگه مرکزی نمودند. در حدود ۱۰۵۰ (ق.م) فلسطینیها حکومت تمام ناحیه مرکزی را تقریباً تا رود اردن، تحت فرمان خود در آوردند، در حالی که اتحادیه طایفه‌های یهود رو به زوال می‌رفت.

یهودیان به وضوح دریافتند که بیشتر از این نمی‌توانند در گروههای انفرادی به سر برند. سرانجام در اثر فشاری که از خارج بر آنان وارد می‌شد، مجبور به انتخاب پادشاهی شدند. حکومت سلطنتی آنان با شائول که اولین پادشاه بود، شروع شد. شائول در طول فرمانروائی خود بر ضد همسایگانش، موآبیان، عمونیان، آرامیان، عمالقه و بخصوص فلسطینیها در حال جنگ بود.

در ۱۰۰۴ (ق.م) شائول در یک جنگ عظیم با فلسطینی‌ها در کوه جلبوع کشته شد (۱- سمو ۳۱: ۱-۱۳). مرگ شائول راه را برای بزرگترین پادشاه یهود، داود، باز نمود (۱۰۰۰ الی ۹۶۱ ق.م). برای مدتی طولانی او یکی از مردان مورد علاقه شائول بود ولی بعدها هنگامی که مورد حسادت وی قرار گرفت، او را مجبور به تبعید نمود. داود ابتدا با زحمات بسیار، یهودیان را متحد ساخت، سپس توجهش را به سوی فلسطینی‌ها معطوف کرد و با استفاده از روش جنگهای پارتیزانی، آنان را به دفعات در هم شکسته و به ناحیه ساحل دریا عقب راند. سرانجام فلسطینی‌ها از تهدید اسرائیلی‌ها دست برداشته و با آنها متفق شدند. داود، دژ بیوسیان اورشلیم را فتح کرد و آنجا را مقر حکومت خود ساخت. حکومتهای اطراف فلسطین با بدگمانی به این اتحاد و قدرت روز افزون اسرائیلی‌ها می‌نگریستند. آرامیان و عمونیان با هم بر ضد اسرائیل متفق شدند، ولی از داود شکست خوردند. بعدها داود موآبیان را مغلوب کرد و آنان را مجبور به پرداخت باج نمود. همچنین ادوم را فتح کرد و راه خروجی به دریای احمر گشود. سرانجام اسرائیلی‌ها بر فلسطین مسلط شده و بالاخره انزوای طایفه‌ای خاتمه پیدا کرد و وجدانی ملی جانشین آن شد. اسرائیل حقیقتاً در آن زمان قومی عظیم شده بود، قومی که دوران اتحاد و قدرت آن غیرقابل مقایسه با تمام دوران طولانی تاریخش می‌باشد. مأموریت داود بوسیله پسرش سلیمان، با شکوه‌ترین حاکم عبرانیها، ادامه پیدا کرد. در زمان حکومت وی قلمروی اسرائیل به علت برپا کردن معبد و توسعه پایتخت طبق سبک رایج در کشورهای شرقی و گسترش مرزها، به اوج ترقی خود رسید (۹۶۱ الی ۹۲۲ ق.م).

البته این دوره با تمام شکوه و عظمتش در تاریخ طولانی اسرائیل لحظه‌ای بیش نبود،

زیرا قدرتهای بزرگ اطراف اسرائیل در هلال خضیب تنها برای مدتی کوتاه آرام و درگیر مشکلات بودند. مصر و همین طور منطقه شمال شرقی آشور در حال زوال بودند و چیزی از پادشاهی حتی ها برجای نمانده بود که از لحاظ تهاجم خطری برای اسرائیل داشته باشد. با وجود این به زودی بعد از مرگ سلیمان این بنای ناپایدار همانند قصری کاغذی فرو ریخت. وقتی پسر سلیمان، رحبعام، به تخت پادشاهی نشست (در سال ۹۳۱ ق.م)، حکومت اسرائیل به دو قسمت تقسیم شد. تمایلات تفکیکی طوایف شمالی، به علت رعایت تشریفات اداری سلیمان به حد افراط رسید و این باعث کناره گیری آنان و تشکیل حکومتی مستقل شد که به صورت رقیبی برای حکومت یهود در آمد. ده قبیله این پادشاهی شمال را تشکیل دادند که بعدها بعنوان اسرائیل شناخته شد، در حالی که دو قبیله باقی مانده در جنوب (یهودای قدرتمند با پایتخت خود اورشلیم و طایفه کوچک بنیامین) پادشاهی یهودا را تشکیل دادند.

شیشق پادشاه مصر با استفاده از موقعیت فلسطین پادشاهی جنوب را مورد حمله قرار داده و آن را غارت کرد. انقلاب های متعدد داخلی پادشاهی شمال را تا زمان سلسله عمری به ستوه آوردند (۸۸۵ ق.م). بنابراین ادوم، عمونیان و فلسطینی ها موقعیت جدیدی برای بدست آوردن استقلال پیدا کردند، همچنین موآب از بند اسارت رهایی یافت. استل معروف میسح پادشاه موآب که در سال ۱۸۶۸ پیدا شده است، گواهی بر پیروزی موآبیان است. فنیقیها و آرامیان هم از ضعف فلسطین سوء استفاده کرده و حکومت صور نیز در زیر نفوذ پادشاه اتبعل دوباره فعالیت های وسیع بازرگانی را با اروپا و بقیه دنیای مدیترانه آغاز کرد. حکومت دمشق در شمال روابط خود را با فلسطین آنچنان محدود نمود که سوء ظن آنان را برانگیخت.

عمری، پادشاه اسرائیل (۸۸۵ الی ۸۷۴ ق.م) رؤیای یک نظم و ترتیب سیاسی جدید را در سر می پروراند که توسط عروسی پسرش آخاب با ایزابل دختر اتبعل پادشاه صور به تحقق پیوست و در نتیجه قلمروی خود را وسعت داده، سامره را بعنوان پایتخت برگزید. بعدها آخاب پادشاه اسرائیل (۸۷۴ الی ۸۵۳ ق.م) با دادن دخترش عتلیا به یورام پسر پادشاه یهوشافاط با حکومت یهودا متفق شد. چندی از این اتحاد نگذشت که بن حداد دوم از دمشق پیمان مصلحت آمیز محکمی با سلسله های مستقر در سوریه شمالی و مرکزی منعقد کرد و تصمیم گرفت که سامره را محاصره کند، ولی آخاب پایتخت خود را نجات داد و علاوه بر آن، بن حداد را در جنگ افیق شکست داد. همزمان با این حوادث، آشور بار دیگر مقتدر گشته، ایالات سوریه و فلسطین را مورد تهدید قرار می دهد.

آشور

کشور آشور در قسمت علیای رود دجله قرار داشت و در اولین دوران تاریخ خود آشور، شهر اصلی آنجا محسوب می شد. در نیمه دوم قرن دهم (ق.م) سلسله ای از فرمانیان در آنجا پدیدار شد و پیروزی آنان در طول قرن نهم (ق.م) بنیان امپراتوری جدیدی را به اثبات رساند. این برنامه با قدرت خارق العاده ای دنبال می شد و آشور به زودی قوی ترین ملت فاتح در کل تاریخ باستان گشت.

بعد از تسخیر نواحی کوهستانی و مرتفع شمال و مشرق و فتح بابل، آشوریهها در قرن نهم (ق.م) بطرف غرب (دریای مدیترانه) گام نهادند. بزرگترین امپراتور آن قرن شلمناسر سوم (۸۵۹ الی ۸۲۴ ق.م) بود که در زمان سلطنت وی سپاهیان پیروز آشور از طریق جنوب رهسپار فلسطین شدند. بر اثر انقلاب مذهبی که در اسرائیل تحت رهبری ایلیا و الیشع انجام گرفت، نه تنها سلسله آخاب از حکومت برافتاد بلکه بن حداد هم از دمشق معزول شد و در ضمن، پیمان صلح نیز میان آنها لغو گردید (۲- پاد ۷: ۸-۱۵). شلمناسر از این موقعیت سوء استفاده کرده در سال ۸۴۱ (ق.م) دستور داد که تصویرنمایندگان یهوه را هنگام باج دادن به او نقاشی کنند.

تغلت فلاسر سوم (۷۴۵ الی ۷۲۷ ق.م) فلسطین را تسخیر کرد و جلیل و ماورای اردن را از سلطه اسرائیل در آورده، دمشق را ویران ساخت. اسرائیل که خیلی تحلیل رفته بود، مانند یهودا، عمون، موآب و ادوم، تحت حکمای ملی باقی ماند، ولی مقرر به پرداخت باجهای سنگین به آشور شد (۲- پاد ۱۵: ۲۷، ۱۶: ۵؛ اش ۷).

در سال ۷۲۱ (ق.م) سامره بوسیله سرگون دوم ویران شد (۷۲۲ الی ۷۰۴ ق.م) و بیش از ۲۰۰۰۰ نفر از مردم آنجا اسیر گشتند. در سالهای بعد از آن مردمی که از بابل، ادوم و سوریه تبعید شده بودند، مجبور به زندگی در سامره شدند. این رویه بی رحمانه آشوریهها در تبعید و جابجا کردن مردم، دلیل اصلی از هم گسستگی حکومت شمالی به شمار می آید. در سال ۷۰۱ (ق.م) یهودا به زحمت از اسارت کامل سنخاریب پادشاه آشور نجات پیدا کرد (۲- پاد ۱۸: ۱۳). او ادعا داشت که ۴۵ شهر مستحکم یهود را به زانو در آورده و پادشاه حزقیا را «مثل پرنده ای در قفس اورشلیم» حبس کرده است ولی اورشلیم بوسیله پرداخت باجی سنگین نجات پیدا کرد.

برای درک عمیق تر پیشگوئیها و الهامهای قسمت اول کتاب اشعیا نبی لازم است که این زمینه تاریخی در نظر گرفته شود.

احیای بابل

بعد از مرگ آشور بانینپال در سال ۶۳۳ (ق.م)، امپراتوری عظیم آشور به سرعت از هم گسیخت. طی قرون متوالی کلدانیها و خانه بدوشان سامی، به آرامی بطرف بابل حرکت می کردند. آنها سرانجام زمام امور مملکت را در دست گرفته و بالاخره امپراتوری آشور را تسخیر نمودند. در حدود ۶۱۲ (ق.م) سپاه آشور به سوی حران عقب نشینی کرد. در آن زمان فرعون نکو از مصر، برای کمک به آشوریها از طریق فلسطین بطرف شمال رفت (چون پیش بینی می کرد که قدرت آشوریها به نفع خودش می باشد).

یوشیا پادشاه یهودا شجاعانه سعی کرد که در مجدو مانع وی شود، ولی در این کوشش کشته شد (۲-پاد ۲۳:۲۹).

در سال ۶۰۵ (ق.م) نبوکدنصر با قدرتی خارق العاده از بابل با قوای خود به سوریه رسید و مصریها را در کرکمیش دچار شکستی سهمگین کرد و تمام مغرب را تا مرزهای مصر مسخر ساخت. سوریه و فلسطین جنوبی جزء قلمروهای تابع بابل باقی ماندند. فقط یهوایاقیم پادشاه یهودا سعی به مقاومت کرد ولی کشورش بدون معطلی در سال ۵۹۸ (ق.م)، محاصره شد و پادشاه جوان یهوایاکین که تازه جانشین پدرش شده بود، به اسارت درآمد (۲-پاد ۲۴).

ده سال بعد، با وجود اعتراضات شدید ارمیای نبی قوم یهود شورش خود را از سرگرفت. این بار مملکت کاملاً ویران شده و اورشلیم با معبدش نابود شد (۲-پاد ۲۵). همه ساکنان آن، بغیر از فقرا، بعنوان اسیر به بابل تبعید شدند. و این اتفاق با پیشگویی ارمیای نبی مطابقت داشت.

تبعید

تبعید نقطه عطفی در تاریخ یهودیان می باشد. در حقیقت زندگی یهودیان به شکل یک قوم و همچنین نهادهای اجتماعی آنها در این زمان پایان یافت. این قوم هرگز دوباره به صورت اول در نیامد، چون بعد از تبعید، قومی شکست خورده بود و به سختی می شد آنان را به صورت ملتی شناخت. با وجود این، نباید نادیده گرفت که تاریخ این قوم بطور کلی در این نقطه به پایان نمی رسد.

ولی تبعید توسط قدرت پروردگار باعث تأدیب و تظهیر آنان شد. وقتی دوباره احیاء

شدند، بیشتر از همیشه به صورت قومی اختصاص یافته به خداوند و قانون او، در آمدند. سرنوشت تبعید شدگان در بابل چندان دشوار بنظر نمی‌رسد، زیرا آزادی نداشته ولی زندانی هم نبودند. آنان خانه‌های متعددی ساختند، کشاورزی را توسعه داده و قادر به امرار معاش برای زندگی خود شدند. ضمناً حق تشکیل جلسات و ادامه یک زندگی اشتراکی را داشته و می‌توانستند مذهب خود را حفظ نمایند (البته منظور اجرای مراسم مذهبی در معبد نیست، بلکه نماز دسته جمعی و خواندن کتاب مقدس در کنیسه یا در منازل می‌باشد) و نیز از امکان مطالعات قانون یهودا برخوردار بودند. دیری نپائید که بسیاری از یهودیان وارد بازرگانی شده و عده‌ای به ثروت رسیدند.

به غیر از یهودیانی که با ظلم به بابل برده شده بودند. بسیاری داوطلبانه میهن خود را برای به دست آوردن امنیت در سرزمینی دیگر، ترک گفتند و به مصر و موآب و ادوم و بعضی از زمینهای شمال فلسطین مانند سامره و جلیل رفتند. این اتفاق «پراکندگی یهود» نامیده می‌شود.

* * *

امپراتوری پارس بازگشت یهودیان به سرزمین خود

با مرگ نبوکدنصر، امپراتوری بابل با جنگ داخلی از هم پاشید و به سرعت قدرت خود را از دست داد. در این هنگام خطر جدیدی آغاز شد.

در زمان امپراتوری بابل در شمال آن کشور، حکومت نیرومندی به نام ماد بود. در حدود ۵۵۰ (ق.م) کورش پارسی قلمرو پهناور ماد را تصرف کرد. سپس به سوی شمال بین النهرین تاخت و آنجا را مسخر ساخت و شمال سوریه و قلیقیه را از بابل گرفت و بر امپراتوری لیدیه حمله کرد و آنجا را ضمیمه خاک خود ساخت. در ظرف چند سال بعد قلمروی خویش را به سوی شرق تا افغانستان امروزی وسعت داد.

کورش در مدتی کوتاه بزرگترین امپراتوری را که تا آن هنگام بر پا شده بود بنیاد نهاد. بابل گواه این ماجراها بوده لیکن در برابر آن نقشی اساسی در بر نداشت.

یک پیامبر گمنام یهودی، در قسمت دوم کتاب اشعیا نبی از طرف یهودیان می نویسد و اعلام می دارد که خداوند توبه مردم خود را قبول کرده و به زودی گله خویش را جمع نموده و آنها را به سرزمین خودشان رهبری خواهد کرد. این پیامبر به ما اطمینان می دهد که خدا نظارت کامل بر تمام این اتفاقات دارد و کورش را بعنوان «مسیح خداوند» فرستاد تا باعث احیاء و بهبود یهودیان باشد (اش ۴۱: ۲، ۴۴: ۲۸، ۴۵: ۱).

بابل به زودی زیر نفوذ کورش درآمد (۵۳۹ ق.م)، و در مدت بسیار کوتاهی کورش تمام امپراتوری بابل را به انضمام فلسطین و سوریه زیر فرمان خود در آورد. در حدود ۵۳۸ (ق.م) تمام آسیای غربی تا مرز مصر متعلق به کورش بود. پسر و جانشین او کمبوجیه (۵۳۰ الی ۵۲۲ ق.م) انضمام مصر به امپراتوری پارس را در سال ۵۲۵ (ق.م) به انجام رسانید.

کورش یکی از روشنفکرترین فرمانروایان زمان قدیم بود. او نه تنها احساسات ملی اسرا را تحقیر نمی کرد بلکه به آنها اجازه می داد که رسوم و فرهنگ خود را حفظ کنند. این روش توسط جانشینانی نیز ادامه پیدا کرد. چنین سیاستی از طریق تشکیلات اداری و نظام ارتشی و همچنین راههای ارتباطی کاملاً اجرا می گردید.

برجسته ترین حادثه در تاریخ یهودیان این بود که کورش در اولین سال حکومت خود دستوری برای بازگشت یهودیان به وطن و مذهب خودشان صادر کرد. ولی تمام یهودیان در بابل به این دعوت جواب مثبت ندادند، چون دلیل بارزی برای بازگشت به وطن وجود نداشت، زیرا سپاه نبوکدنصر قلمرو یهودا را به ویرانی کشیده بود. گروه کوچکی از

مردمان فقیر که به کشاورزی مشغول بودند، در آنجا مانده و با زحمت زیاد و تا حد توانائی خود در سرزمین ویران شده زندگی می کردند و امیدهای دینی خود را بوسیله زیارت از خرابه های معبد، زنده نگاه می داشتند. دید مذهبی مردم شمال اسرائیل کاملاً با عوامل بت پرستی مخلوط شده بود.

یهودیانی که به سرزمین فلسطین بازگشتند، به علت درگیریهای بین خود و نیز با سامریان دچار سالهائی پر از مشقت و سختی و آشفتگی شدند. در ضمن با وجود اینکه یهودیان انتظار کمک از پارسها را داشتند، معلوم نیست آیا واقعاً از طرف پارسها کمکی به آنها می شد یا نه. به هر حال یهودیانی که به سرزمین خود برگشتند، دوباره شروع به ساختن معبد نمودند و این کار سالها بطول انجامید، زیرا آنها بطور منقطع کار می کردند. در اوایل سال ۵۲۲ (ق.م) امپراتوری پارس به علت نزاعهای داخلی، درگیر مشکلاتی گردید و با درگذشت کمبوجیه، یکی دیگر از اعضای خاندان سلطنتی به نام داریوش، مدعی تخت شاهی شد. در سالهای بعد، آشوب و اضطراب و شورش و رقابت مدعیان برای تصاحب تخت شاهی دیده می شود. زکریای نبی در این فراز و نشیبها نشانه آمدن خداوند را در آینده ای نزدیک مشاهده کرد. بنابراین او یهودیانی را که هنوز در بابل بودند دعوت نمود تا به صهیون (اورشلیم) بروند، جائی که خداوند، حکومت پیروزمندانۀ خود را بزودی خواهد گسترد (زک ۱: ۷-۱۷، ۸: ۱ الی ۱۰: ۰).

قوم اسرائیل باز در اندیشه ملیت پرستی و عودت سلطنت داود افتادند. این گرایش مثالی است از احساسات استقلال طلبی و ملیت پرستی در دلهای مردم شکست خورده امپراتوری پارس.

روشن است که این امیدها به تحقق نپیوستند. قوم یهود به صورت جامعه ای که خدا پادشاه آن باشد، در زیر نفوذ کاهن بزرگ باقی ماند، مع الوصف، کاملاً در زیر سلطۀ حکومت پارس بود.

با وجود همه مشکلاتی که داریوش در هنگام حکومت خود با آنها مواجه شد، واضح است که کارهای بزرگ وی درخشان و بسیار مؤثر بودند و تحت حکومت وی امپراتوری پارس به بالاترین مقام خود در تاریخ رسید. بقایای ساختمانهای با شکوه در تخت جمشید گواهی بر این دارد که معماری، در زمان سلطنت او به اوج خود رسیده بود. بعد از مرگ داریوش، پسرش خشایارشا (۴۸۶ الی ۴۶۵ ق.م) جانشین وی شد. خشایارشا یونان را مورد تهاجم قرار داده آتن را فتح کرد و مردم اسپارت را در ترموپیل تحت فشار گذارد، ولی سرانجام در سالامین با شکست مواجه شد. در نتیجه به آسیا فرار کرد و سپاه وی که

در یونان مانده بود، در سال ۴۷۹ (ق.م) از هم گسیخته شد و بزودی خشایارشا مجبور به عقب نشینی گردیده، اروپا را ترک نمود. بعد از قتل او پسرش اردشیر اول جانشین وی شد. جامعه یهودیان در فلسطین، در آن زمان در حالتی افسرده و دل سرد به سر می برد. این اتفاقاتی که در امپراتوری پارس روی می داد، روحیه آنها را در هم شکست و در کمال تعجب از خود می پرسیدند: «آیا خدا با ماست؟» ولی این افسردگی یهودیان بتدریج به صورت امید در آمد، امیدی که همراه یک شوق مذهبی در تجدید قوانین دینی بود و تمام مملکت تحت تأثیر رهبران و اصلاح کنندگان بزرگ مذهبی مانند نحمیا و عزرا قرار گرفت. در این هنگام است که مذهب یهود حالتی قطعی و کاملاً تازه به خود می گیرد.

تسلط فرهنگ یونان

در آن زمان در دنیا اتفاقات جدیدی رخ داد. امپراتوری پارس بر اثر جنگ طولانی با یونان، استحکام و اتحاد داخلی خود را از دست داده، توسط اسکندر کبیر، تسخیر شد (در حدود ۳۳۰ ق.م). در نتیجه فلسطین هم تحت فرمان اسکندر در آمد. اسکندر در ۳۳ سالگی وفات یافت، ولی زندگی کوتاه او نقطه عطفی در تاریخ جهان بود، زیرا که او تمدن برجسته خاورمیانه را از ایران به یونان منتقل کرد. بعد از مرگ اسکندر امپراتوری او مابین فرماندهانش تقسیم شد. دو تن از ایشان به نامهای بطلمیوس و سلوکوس نقشی در تاریخ یهودیان داشتند. بطلمیوس زمام امور مصر را در دست گرفت و پایتخت خود را در شهر جدید اسکندریه، که بزودی یکی از بزرگترین مراکز دنیا شد، قرار داد. سلوکوس خودش را فرمانده بابل کرده و قدرت خویش را از طرف غرب تا سوریه و از طرف شرق با عبور از پارس گسترش داد. پایتختهای وی سلوکیه در کنار رود دجله و انطاکیه در سوریه بود که آن هم بعد از مدتی کوتاه به صورت یک شهر بزرگ در آمد. هر دو رقیب چشم طمع به فلسطین و فنیقیه دوختند و سرانجام به زد و خورد پرداختند. در این نبرد بطلمیوس موفق شد. بنابراین فلسطین برای مدتی در حدود یک قرن بعد از آن، زیر تسلط سلسله وی (بطلمیوسیان) در آمد. در مورد زندگی یهودیان در این دوره، اطلاعات محدودی در دست می باشد. به احتمال قوی بطلمیوسیان نظام اداری یهودیان را که این قوم از پارسها به دست آورده بودند با اندکی تغییر حفظ نمودند. اجتماع یهودیان در مصر قوی تر و زیادتر شد و اسکندریه به صورت مرکز جهانی

مذهب یهود در آمد. در طول این مدت ترجمه هفتاد تنان، نوشته شد. هیچکس نمی تواند به درستی نفوذ فرهنگ و تمدن یونانی را بر ایمان یهودیان بسنجد، زیرا فرهنگ یونانی امکانات تازه ای برای ارتباط بین یهودیان و غیریهودیان ایجاد نمود و موقعیت را برای تأثیر عمیق تر افکار یونانی بر عقاید یهود آماده کرد. البته بعد از مدتی این پدیده تاریخی وسیله ای برای توسعه مسیحیت شد. بعنوان مثال می توان ارشاد مذهبی توسط پولس را ذکر نمود.

در همان هنگام آنتیوخوس سوم یکی از پادشاهان سلوکی قدرت سلسله خود را دوباره تحکیم کرد و شروع به یک رشته جنگ با بطلمیوسیان نمود و سرانجام در سال ۱۹۸ (ق.م) سپاه مصر را شکست داده و آن را از آسیا بیرون راند. سلسله سلوکی بدین وسیله فلسطین را ضمیمه خود کرد و یهودیان که در جنگ بین سلوکیان و بطلمیوسیان رنج بسیار کشیده بودند، خبر این پیروزی را با خوشحالی فراوان جشن گرفتند. در حقیقت آنتیوخوس جو ابگوی انتظارات یهودیان بود و احترام بسیاری برای آنان قائل شد. اهمیت نفوذ جهان بینی یونانیان قابل توجه است. از زمان اسکندر، افکار یونانی، فرهنگ یونانی، زبان یونانی و دانش یونانی، بر تمام دنیای متمدن آن دوره حکومت می کرد. همانطور که دیدیم یهودیانی که خارج از فلسطین زندگی می کردند مجذوب فرهنگ جدید شدند و یهودیان فلسطین هم کمابیش تحت تأثیر این جذبه قرار گرفتند. آنها به زحمت می توانستند از تماس با همسایه ها و حکمائی که تحت نفوذ یونانیان بودند خودداری کنند و بنابراین طبیعی بود که این قوم قسمتی از فرهنگ یونانی را بپذیرد. قرن سوم نیز شاهد تسلط نفوذ فکر یونانی بر دید عبرانی بوده و «کتاب جامعه سلیمان» نمونه ای از این نفوذ می باشد.

با وجودی که یهودیان مؤمن هرگونه سازشی را درباره تغییر اصول دینی رد کردند، یهودیان دیگری هم بودند که به قدری شیفته فرهنگ یونانیها شدند که قوانین و آداب و رسوم خودشان را مانعی برای پیشرفت زندگی خود می دیدند. در نتیجه تفرقه عظیمی در بین جامعه یهودیان بوجود آمد.

تعقیب و شکنجه آنتیوخوس چهارم

اکنون برای اولین بار در کتاب مقدس، امپراتوری روم بر روی صحنه می‌آید. آنتیوخوس سوم قبل از اینکه بتواند موقعیت خود را در خاورمیانه مستحکم سازد، برخورد نا متجانسی با روم پیدا کرد. او حریفی برای قدرت رومیها نبود، بنابراین بوسیله آنها شکست خورده و مورد استهزاء قرار گرفت. با این حادثه، امپراتوری سلوکی وارد دوره زوال شد. این اتفاق در سرنوشت یهودیان بی تأثیر نبود.

سلوکوس چهارم جانشین آنتیوخوس سوم شد و برادر وی آنتیوخوس چهارم، اپیفان (۱۷۵ الی ۱۶۳ ق.م)، جانشین او شد. آنتیوخوس چهارم هنگام دست گرفتن تاج شاهی رویه‌ای دنبال نمود که یهودیان را به شورش واداشت. قلمرو وی از هر طرف مورد تهدید قرار گرفت، بخصوص از طرف روم که هر روز بیش از پیش به این ناحیه از دنیا توجه نشان می‌داد. آنتیوخوس احتیاج شدیدی برای متحد کردن مردم خود احساس کرد و وضع بد مالی وی، طمع او را نسبت به ثروتی که در معابد دینی وجود داشت برانگیخت و معبد اورشلیم نیز از این طمع بر حذر نماند.

رقابت مابین یهودیان چه برای جلب توجه حکمای یونانی و چه برای پرهیز کامل از این وقایع، آنتیوخوس را بطرز بی سابقه‌ای وادار به دخالت بی جا در امور دینی کرد. به تدریج در حالی که با مخالفت یهودیان در مورد شیره رفتاری خود روبه‌رو شد، شروع به تعقیب و آزار آنان کرد و آنها را مجبور به پرداخت مالیاتهای سنگینی نمود. او نماینده‌ای در اورشلیم گذاشت تا به پیشبرد تمدن یونانیان در میان یهودیان همکاری کند و قسمتی از ارتش خود را به آنجا فرستاد تا مردم را کشتند و شهر را تاراج کردند و بعضی از ساکنان آنجا را به اسارت کشیدند. او پادگانی در اورشلیم برپا کرد که در حقیقت مرکز کافران یونانی بود. بالاخره معبد نیز به زیارتگاه کافران تبدیل گردید.

ترس و وحشتی که این رویدادها در قلب یهودیان صادق بوجود آورد، در کتابهای مکابیان و دانیال تشریح شده است. مقاومت آنان آنتیوخوس را به سوی آخرین آزار خود راند. محرابهای بت پرستی در تمام سرزمین ساخته شد که حیوانات نجس در آنجا قربانی می شدند. یهودیان به خوردن گوشت خوک و همچنین به پرستش زئوس در داخل معبد اورشلیم مجبور شدند. این آخرین حد پستی است که در کتاب دانیال نبی ۹:۲۷ ذکر شده است.

انقلاب یهودیان تحت رهبری خانواده مکابیان عکس العملی نسبت به همه این حوادث بود. آن دوره زمان شجاعت و از خود گذشتگی و رهبری قهرمانانه به شمار می آید. چون پادشاه سلوکوس در آن هنگام مشغول کشمکش های دیگری بود، یهودیان قادر به تطهیر معبد از بی حرمتی شده و دوباره آن را وقف خدا کردند. دوره خونین و شهیدانه مکابیان با به دست آوردن استقلال موقتی یهودیان خاتمه می یابد (در حدود ۱۴۲ ق.م) و اینجاست که عهد قدیم پایان می پذیرد.

در مدتی کمتر از یک قرن بعد از آن، این دوره کوتاه استقلال، به پایان رسید. فرمانده رومی پمپیوس در حالی که پیروزمندانه در آسیا گام می نهاد و سوریه را ضمیمه متصرفات خود کرده بود، از این پیچیدگی و نزاع یهودیان استفاده کرده و وارد اورشلیم شد. در سال ۶۳ ق.م قوم یهود زیر سلطه روم درآمد. دوره عهد جدید نزدیک بود.

* * *
* *
*

دیگر نوشته ها	کتابهای تاریخی و نبوتی	تورات	
سنتهای غیرمکتوب درباره پدران قوم، خروج، فتح کنعان و استقرار در آن			خروج، حدود سال ۱۲۵۰ ق م
مزامیر امثال	تاریخ داود دوران ایلیا و الیشع (سالنامه های پادشاهان)	متون تفسیری یهوئست (J) متون الوهئست (E) متون تثئیه (D) قانون تقدس	داود ۱۰۱۰ ۱۰۰۰ دو پادشاهی حدود سال ۹۳۱ دوران پادشاهی ۷۵۰ سقوط سامره ۷۲۱ فقط یهودیه باقی ماند ۶۰۰ اولین تبعید ۵۹۸ دومین تبعید ۵۸۷
مزامیر امثال	عاموس هوشع اشعیا میکا پادشاهان	مراثی ارمیا حزقیال اشعیاى دوم	تبعید کورش ۵۳۸
مزامیر امثال روت یونس جامعه غزل غزلها	حجی زکریا اشعیاى سوم عوبدیا نحمیا	تواریخ ایام عزرا ملاکی یوئیل؟	بازسازی دوره پارسیان مرگ اسکندر ۳۲۳
طوبیاس استر یهودیت حکمت	باروک بن سیراخ دانیال حکمت	دوم مکابیان اول مکابیان	دوره یونانیان

سوالات مخصوص بحث:

- ۱- چه ممالکی در عصر حاضر هلال خضیب را تشکیل می دهند؟
- ۲- آب و هوا و موقعیت جغرافیائی نواحی اطراف دجله و فرات را شرح دهید؟
- ۳- خط میخی چیست و اهمیت آن از چه نظر می باشد؟
- ۴- اولین حاکم بابل چه کسی بود و علت شهرت وی چیست؟
- ۵- «طوفان نوح» گاهی بعنوان یک پیوند نیاکانی بین بابلیها و عبرانیها دانسته شده است، چرا؟
- ۶- کنعانیها از چه کسانی روش نوشتن خود را اقتباس کردند و به چه طریقی آن را به دست آوردند؟
- ۷- موقعیت جغرافیائی فلسطین چگونه بود؟
- ۸- «سرزمین مقدس» دارای چه نوع آب و هوایی بود و چه نوع زراعتی در آن انجام می گرفت؟
- ۹- چرا در حال حاضر می توانیم دریابیم که داستانهای انبیای بنی اسرائیل که در کتاب مقدس بیان شده اند، تاریخی هستند؟
- ۱۰- برای پیدا کردن اجداد ابراهیم، اسحاق و یعقوب به چه قومی باید مراجعه نمود؟
- ۱۱- آیا منابع خارج از کتاب مقدس آزادی یهودیان را از مصر تصدیق می کنند؟ توضیح دهید.
- ۱۲- چرا مصریان و یهودیان معیارهای مختلفی برای اهمیت رهائی یهودیان بکار می برند؟
- ۱۳- حتی ها چه کسانی بودند؟
- ۱۴- بعد از خروج، اسرائیلی ها سه روش برای تسخیر کنعان بکار بردند، این سه روش را نام ببرید.
- ۱۵- کدام یک از کتابهای عهد قدیم تحکیم فلسطین را بوسیله یهودیان شرح می دهد؟
- ۱۶- چرا یهودیان بالاخره حکومت پادشاهی را برای خود پذیرفتند؟
- ۱۷- داود زمانی که حاکم یهودیان بود، چه کار بزرگی انجام داد؟ و سلیمان چه سهمی در میراث آنان داشت؟
- ۱۸- چرا اختلاف یهودیان در هنگام سلطنت رحبعام آنها را بالاخره به سوی سقوط راند؟
- ۱۹- چه چیزی باعث نابودی کامل حکومت شمالی اسرائیل شد؟
- ۲۰- چه حادثه ای باعث تبعید یهودیان از اسرائیل شد؟
- ۲۱- «تبعید» به صورت نقطه عطفی در تاریخ یهودیان شناخته شده است، چرا؟ به چه طریقی این موضوع به پراکندگی آنها مربوط می شود؟
- ۲۲- کورش که بود؟ سیاست وی نسبت به تسخیرشدگان چگونه بود؟
- ۲۳- خاورمیانه، در زمان تسلط یونانیان به چه طریقی تقسیم شده بود؟
- ۲۴- فرهنگ یونانیان چه اثراتی بر یهودیان داشت؟
- ۲۵- آنتیوخوس چهارم چه رفتاری با یهودیان داشت؟ و نتیجه رفتار او چه بود؟

فصل دوم

کتاب مقدس چیست؟

(۱) کتاب مقدس خود يك کتابخانه است

کتاب مقدسی که اکنون در کتاب فروشی‌ها موجود است، کتاب قطوری است. اما در واقع کتاب مقدس فقط یک کتاب نیست، بلکه مجموعه‌ای از کتب متعدد می‌باشد: عهد عتیق شامل چهل و شش کتاب و عهد جدید شامل بیست و هفت کتاب می‌باشد. برخی از این «کتب» نیز بسیار فشرده و کوتاه است و مطالب برخی از آنها از یکی دو صفحه تجاوز نمی‌کند.

این کتاب‌ها در زمانهای مختلف و توسط نویسندگان متفاوت، برخی به «عبری؟» برخی به «آرامی» و برخی به «یونانی» نوشته شده‌اند (که جریان آن را مرور کردیم). چه در دوران عیسی و چه امروز، یهودیان را عادت بر آن است که کتب مختلف عهد عتیق را به سه بخش تقسیم نمایند:

اول: تورات یا اسفار خمسه که شامل سفر پیدایش، سفر خروج، سفر لاویان، سفر اعداد و سفر تثنیه می‌باشد.

دوم: انبیا که مشتمل بر دو گروه‌اند:

الف: انبیای متقدم: یوشع، داوران، سموئیل (اول و دوم) و پادشاهان (اول و دوم).

ب: شامل انبیای متاخر و دوازده نبی کوچک.

انبیای متاخر: اشعیا، ارمیا و حزقیال

دوازده نبی کوچک: هوشع، یوئیل، عاموس، عوبدیا، یونس، میکاه، ناحوم، حبقوق، صfnیا، حجی، زکریا و ملاکی.

سوم: دیگر نوشته‌ها، تقسیم بندی مبهمی که در آن دیگر رسالات و صحف عهد عتیق آمده است.

در دوران عیسی اصطلاح «تورات و انبیا» در بین یهودیان رواج داشت و روی هم رفته به معنای عهد عتیق آورده می‌شد (رک. مت ۷: ۱۲؛ لو ۱۶: ۱۶). این کتب از لحاظ محتوا تنوع زیادی دارند. در کتاب مقدس همانند یک کتابخانه، می‌توان مجموعه قوانین، روایات، حوادث تاریخی، پیامهای انبیا، قصاید مذهبی، داستانها، اشعار عاشقانه و جز آن را یافت.

کتاب مقدس کدامند؟

در آستانه عصر مسیحیت، در اجتماع یهودیان بین متن قدیمی «عبری» کتاب مقدس که در «اورشلیم» محفوظ بود و ترجمه تفسیری و تکامل یافته آن بوسیله جامعه یهودیان اسکندریه، برخی تردیدها پدید آمد.

محبت شریعت

نگرانی قوم خدا برای حفظ وفاداری نسبت به شریعت (تورات) انگیزه تمام کتب آن دوره بود. این نگرانی فصل مشترک همه شریعت است حتی وقتی به وضوح نامی از آن برده نمی شود. این وفاداری به شکل‌های مختلفی خود را ابراز می دارد:

- در زندگی روزمره: طو ۴: ۷-۱۱-۱۳

- در جفاها: ۱- مکا ۱: ۴۱-۶۴؛ ۲- ۱۵-۲۷، ۳۴، ۴۹-۷۰؛ ۲- مکا ۳: ۱؛ ۶: ۱۸-

۳۱: ۷ (به ویژه آیات ۱-۲، ۳۰، ۳۷)

- از زبان بیگانگان: استر ۳: ۸، ۱۳: ۴-۵ (که پیش درآمد ۱۶: ۱۵ است). یهودیت

۵ (به خصوص ۵: ۱۷-۲۱)

بعضی از کتب شباهت به تورات و کتاب حکمت دارند:

بنسی ۲۴ (رک. ۲۳: ۲۴)

دان ۱؛ ۳؛ ۶

بار ۳: ۹-۴: ۴

این حکمت که به همه آنها داده شده موضوع اصلی کتاب حکمت است. رک. ۱۸: ۴

کتاب برحق متاخر

در سال ۹۰ میلادی، بیست سال پس از تصرف اورشلیم توسط تیطس فرمانروای روم و پراکندگی قوم یهود، در شورائی که در شهر جامنیا تشکیل شد، فهرستی از کتبی که یهودیان آنها را الهام الهی تلقی می کردند تنظیم گشت. تمام کتابهایی که در جامعه اورشلیم قبل از محاصره شهر مورد مطالعه قرار می گرفت «کتاب برحق متقدم» خوانده می شد.

در شهر اسکندریه کتابهای دیگری نیز قرائت می شد که از تکامل بیشتری بهره داشتند (رک. کتابهای دانیال و استر). مجموعه این کتب اضافه اسکندریه که به نام

«کتب برحق متأخر» مشهور می باشد مستقیماً به زبان یونانی انشاء شده بودند. کلیسای کاتولیک و ارتدکس مجموعه کتب اسکندریه را پذیرفته اند اما کلیسای پروتستان فقط کتب برحق متقدم را قبول دارد. لذا در ترجمه کتاب مقدس به زبان فارسی که اکنون در دسترس علاقمندان است کتب جامعه اسکندریه مشهور به کتب برحق متأخر که کتب ذیل هستند، وجود ندارد: طوبیاس، یهودیت بنت مراری، اول و دوم مکابیان، حکمت، بن سیراخ و باروک.

کلیسا بین متن عبری نسخه «اورشلیم» و نسخه «یونانی» اسکندریه کدامیک را انتخاب نمود؟ قبلاً باید متوجه این نکته بود که در دوران عیسی یهودیان ساکن فلسطین دیگر به زبان عبری آشنایی نداشتند. مفسرین و واعظین یهودی، اسفار و صحف کتاب مقدس را به زبان و لهجه عامیانه روستاها ترجمه و تفسیر می کردند. اما در شهرهای فلسطین به مانند سراسر قلمرو امپراطوری روم باستان، زبان یونانی برای همگان زبان خواندن و نوشتن بود.

نکته دوم این که انجیل نگاران و پولس رسول در نقل قول از عهد عتیق از متن ترجمه تفسیری هفتاد تنان استفاده کرده و کلیساهای اولیه نیز این روش و عادت را محفوظ داشته اند. از نظر این کلیساها بسیاری از کتاب هایی که به یونانی نوشته شده و توسط جامعه یهودی اسکندریه محفوظ گشته بود، منبعث از الهام الهی است. علت آنکه تمام این متون با وجود تفاوت و تنوع موجود بین آنها در یک جلد گردآوری شده این است که در هر یک از آنها کلام خداوند را باز می یابیم. با وجود تنوع کتابها و نومایی هر کدام از آنها باید این را در نظر داشت که در همه آنها تحت اشکال بسیار متفاوت، یگانه حکمت خداوند در کار است. در تمام بافت نوشته های گوناگون کتب عهد عتیق، آمدن کلمه خدا که همان مسیح است اعلام و آماده می شود. این کتابخانه که نامش کتاب مقدس است با افزایش متون و نوشته های جدید، از قرن بی به قرن بی بر غنای آن افزوده گردیده است اما زمان تکمیل آن هنگامی بود که کتاب های عهد جدید در پی و در مسیر کتابهای عهد عتیق تدوین گردیدند زیرا همانطور که «پاسکال» می گوید: «عیسی مسیح کسی است که هر دو عهد به وی نظر دارد و کتاب مقدس وحدت خود را از وی باز می یابد.»

(۲) داستان محبت

در یک جشن خانوادگی که همه دور هم جمع شده بودند پس از مراسم دعا یکی از شش فرزند خانواده گفت: «مادر، جریان آشنایی خود را با پدرمان برای ما تعریف کن...» واضح است که داستان بارها بازگو شده بود. مادر داستان را طوری تعریف نمود که زیبایی حالت و کلام او، هیجان عمیق حاصل از یادآوری آغاز محبت خانوادگی را به خوبی نشان می‌داد. این داستان بازگو کننده اتفاقی بود که آغاز تشکیل خانواده محسوب می‌شود.

آیا برای این فرزندان شناختن پدر و مادر و برخوردار بودن از محبت آنان کافی نبود؟ خیر، چون انسان نیاز دارد که به مبداء زندگی خود پی برد و تاریخ طولانی را که از گذشته‌های دور آغاز گشته و تا به امروز ادامه دارد، بشناسد.

کتاب مقدس نیز داستان محبت است، داستان محبت خداوند به آفریدگانش. ما کتاب مقدس را می‌شناسیم، اما سرچشمه آن چیست؟ چه وقت و چگونه کلام خداوند به پیشینیان ما که به وی ایمان آورده بودند، رسید؟ در آن زمان که عیسی هنوز در بین ما ساکن نشده بود، انسانها از خدا چه می‌دانستند؟ تعمق در سیر تدریجی تاریخ متون کتاب مقدس ما را در کشف‌های تدریجی پدران ایمانی ما سهیم می‌سازد. تاریخ آنها، تاریخ ما نیز هست و بنابراین ما را در راز وحی و الهامات الهی دخیل می‌سازد.

داستانهای کتاب مقدس

مثلهای انجیل ما را با داستان‌هایی از شخصیت‌های تخیلی آشنا می‌سازد که رفتارشان رموز ملکوت را به ما می‌آموزد: سامری نیکو، پسر گمشده، باغبانان ظالم و غیره. انبیا نیز مثل‌هایی تعریف کرده‌اند (۲- سمو ۱۲: ۱-۷؛ حزق ۱۶: ۱۷؛ ۲۳ و غیره). نویسنده کتاب ایوب از چارچوب یک داستان تخیلی برای ارائه و ارزش بخشیدن به شرح و بسط‌هایی که در مورد مسئله درد و رنج داده است استفاده می‌کند. گاهی اوقات نویسنده الهام یافته پیغام خود را توسط داستان حقیقی کوچکی بیان می‌کند. در دوره پارسیان این مورد درباره یوشع و روت صدق می‌کند. در دوره یونانیان این سبک ادبی توسط طوبیا، استر، یهودیت و دانیال رواج یافت. می‌توان فهمید که چرا نویسنده رساله به عبرانیان با خلاصه کردن عهد عتیق گفته است:

«خدا که در زمان سلف به اقسام متعدد و طریقهای مختلف به وساطت انبیا به پدران ما تکلم نمود، در این ایام آخر به ما به وساطت پسر خود متکلم شد.»

۳) کتاب مقدس الهام بخش مفهوم تجربیات انسانی

ما کم و بیش چنین تصور می‌کنیم که الهام الهی بر حسب برنامه و روشی منطقی و حتی هندسی انجام گرفته است که در آن شناخت هر نکته الزاماً به درک قضیه بعدی منتهی می‌شود. چنین طرز تفکری حاکی از نادیده گرفتن این واقعیت است که منطق الهی (اگر بتوان چنین اصطلاحی را مجاز دانست)، به هیچ وجه تشابهی با منطق ما ندارد. از آنچه تا کنون بیان شده است سه گرایش اساسی را می‌توان تشخیص داد که روش تعلیم و تربیت الهی آنها را بکار گرفته است. این سه گرایش به شرح زیر است:

الف: تاریخ و تفسیر آن

رویدادهای مهمی که در تاریخ قوم خدا رخ داد، از مبداء آن گرفته تا رشد و تکامل و حتی بدبختی‌های بزرگ آن، تنها به عنوان یادآوری و یادگاری جمع‌آوری نشده‌اند بلکه هر کدام از این حوادث بوسیله انبیا توصیف و تفسیر گردیده و به صورت منابع آموزشی و انگیزه‌هایی جهت تحرک بخشیدن به قوم در آمده است. در تاریخ است که خدای واقعی چهره خود را برای ما آشکار کرده است. با فراگرفتن تعیین زمان نگارش متون مقدس و آگاهی از منابع آنها، موفق به تشخیص مراحل مکاشفه الهی می‌گردیم.

ب: در جستجوی حکمت

تحقیقات آدمیان نقش عمده‌ای در روش تعلیم و تربیت الهی برعهده دارد، هر چند که این امر موجب شگفتی عظیم ما می‌باشد. یازده باب نخست سفر پیدایش، بسیاری از متون کتاب‌های حکمت و برخی از مزامیر، در واقع تداوم نوشته‌های مشابه مربوط به تمدن‌های باستان است. در واقع منبع مشترکی در زمینه حکمت، بررسیها و تحقیقات و همچنین آرزوی یافتن خدای واقعی وجود داشت که در بسیاری از موارد بعنوان پایه اولیه متون مقدس بکار رفته است. بدین ترتیب هر متخصص خوب تعلیم و تربیت می‌تواند با استفاده از تجربیات کودکان (یا بزرگسالان)، آنها را به کشف راههای حقیقت‌هدایت نماید.

ج) بازخوانی

سرانجام باید گفت که ایمان مومنان نقش بزرگی در تدوین کتاب مقدس داشته است. بر مبنای متونی که قبلاً به تحریر در آمده بود و پس از تامل و اندیشه در باب آنها، نویسندگان جدید نوشته‌های قدیمی را دسته بندی کرده کتابهایی را که نگاشته شده بود تکمیل کردند یا دست به تالیف کتب جدیدی زدند که مبین ایمان زمان معاصر ایشان بود.

* * *

کتاب مقدس، کتاب قوم خدا است و این تنها به آن معنا نیست که این قوم آن را خوانده است، بلکه در وهله اول به این دلیل است که قوم خدا اتفاقات موجود در این کتاب را تجربه کرده است. وقتی که انبیا و نویسندگان الهام یافته، نخستین متون را به رشته تحریر در آوردند، قوم خدا آنها را پذیرفته مورد مطالعه قرار داد تا کلام خداوند را در آن بیابد. اما همچنان باید در نظر داشت که تلاش طولانی تدوین کتابها ادامه داشته است یعنی در طی قرون کتابها تکمیل شدند و دچار تغییرات و اصلاحات گردیدند. تعداد کتابهای عهد عتیق مشخص است اما نمی توان گفت مولفانی که در این کار مشارکت داشته اند چند نفر بوده اند.

برای کسانی که تدوین تدریجی و پر زحمت کتاب مقدس را مد نظر دارند، این کتاب مملو از ایمان و امید مردمی است که در حوادث آن شریک بوده، آنها را به رشته تحریر در آورده و این گنجینه ذیقیمت نوشته‌های مقدس را برای انتقال به ما حفظ کرده اند. شناخت این تاریخ به معنای مشارکت در جستجو و نگرانی‌های ایشان است و همچنین بدست آوردن ادراکی والاتر از طرق محبت خداوند. لذا چه کسی را این جرات هست که بگوید این امر را فایده‌ای در بر نیست؟

* * *

تورات

مقدمه

در مقالات قبل بطور اجمالی چگونگی تدوین تدریجی کتب مقدس بررسی شد. اینک بمنظور آشنایی عمیق تر خوانندگان با پیچیدگی این موضوع، در این باب به بررسی دقیق اسفار خمسه و سنت های مختلفی که الهام بخش تالیف نهایی آن بوده است، می پردازیم و سپس به چند نکته دقیق مربوط به سفر پیدایش خواهیم پرداخت.

الف) اهمیت تورات برای قوم برگزیده

در نسخه های کتاب مقدس که امروزه در دسترس داریم پنج کتابی که تورات را تشکیل می دهد به ترتیب: پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنيه هستند. این همان پنج کتابی است که وقتی به یونانی ترجمه گشت Pentateuque نامیده شد که به معنی اسفار خمسه یا پنجگانه است. اما از دیدگاه یهودیان تورات از پنج کتاب مجزا تشکیل نشده بلکه کتابی است در پنج جلد و این پنج جلد مجموعه کاملی را تشکیل می دهد.

همانطور که در کتب عهد جدید برای اناجیل اهمیت بیشتری قائلیم تا برای رسالات رسولان، در کتب عهد عتیق نیز سنت یهود، تورات را عالی ترین کتاب الهام یافته می داند. پس تورات همان جایگاهی را در عهد عتیق دارد که انجیل برای کتاب عهد جدید دارد یعنی در بردارنده پیام اساسی و اصلی است.

برای درک بهتر کتب عهد جدید نخست باید اناجیل را خواند و برای درک بهتر کتب عهد عتیق، باید در باب تورات دقت و تامل به عمل آید.

تورات، کتابی غیر متجانس

آنچه را در تورات می توان یافت به شرح زیر است:

- داستانها (سرگذشت پدران قوم، موسی و غیره)
- فهرستهای شجره نامه ها (بخصوص در ابتدای سفر اعداد)
- تحریض یا گفته های نصیحت آمیز (سفر تثنيه)
- قوانین

قوانین مذکور در همه جا رخنه کرده است. گاهی داستانی (مثلاً شرح آفرینش) ناگهان با اعلام قانونی خاص خاتمه می‌یابد و گاهی هدف یک داستان چیزی جز تشریح یک قانون موجود نیست (مثلاً عید فصح، خروج ۱۲).

قوانین آنچنان جایگاه و منزلتی در تورات دارند که کلمه «قانون» یا «شریعت» ابتدا در زبان یونانی و سپس در زبان لاتین بجای تورات ترجمه شده است. این چنین ترجمه‌ای موجب دشواری‌هایی می‌گردد، بخصوص برای تمدن‌هایی که علاقمند به طبقه بندی‌های قضایی هستند، زیرا تورات مجموعه‌ای از قوانین نیست (مثل مجموعه قوانین مدنی). به علاوه تورات هر چند مملو از داستان‌هایی است که می‌تواند در محدوده تاریخی قرار گیرد، کتاب تاریخ هم نیست. تورات قبل از هر چیز کتابی مذهبی است. بررسی و تحقیق در باب تورات نه در رسالت و صلاحیت دانشکده حقوق است (البته اگر تورات صرفاً مجموعه قوانین بود به این دانشکده مربوط می‌شد) و نه در رسالت و صلاحیت دانشکده ادبیات (البته به این دانشکده نیز در صورتی مربوط می‌شد که صرفاً سخن از کتاب تاریخ می‌شد)، بلکه در رسالت و صلاحیت دانشکده الهیات می‌باشد. بهتر بگوییم تورات کتاب بزرگی است که بازگو کننده اتفاقات و عواملی است که اعتقاد مذهبی مردم یهود بر آن قائم است.

تورات، حاوی آموزه‌های دینی عهد عتیق

با خواندن تورات آشکار می‌شود که خداوند خالق و قادر مطلق است و قومی را برگزیده تا خود را به آن بشناساند و این قوم را دوست می‌دارد و از آن می‌خواهد که وی را دوست بدارند. مع الوصف آدمی گناهکار است.

بزرگترین ارکان و نهادهای انسانی در تورات آمده است: ازدواج، کار و زندگی در جامعه و نیز بزرگترین نهادهای دینی مانند عهد مقدس و ختنه و روز سبت و اعیاد و قربانی‌ها در آن بیان و تعریف گردیده است.

اما وراء محدوده‌های اجتماعی و مذهبی، تحرک و جنبش عمیقی از این کتاب سرچشمه می‌گیرد که بر خوانندگانش تاثیر می‌بخشد، یعنی وعده خداوند که مبداء هستی قوم برگزیده است، وعده‌ای رایگان که مبین محبت بوده و بسوی آینده‌ای جهت می‌یابد که مستلزم مشارکت همگان در نقشه بزرگ خدا در تاریخ بشر است.

تورات، کتابی بنیادی

در واقع کلمه «تورات» به زبان عبری گویای تمام ارزشهایی است که ذکر شد. این کلمه از فعلی مشتق می‌گردد که به معنای «تعلیم دادن و نشان دادن» است. مفهوم این کلمه همچنین به واژه‌ای به معنای «مجتهدین» یعنی کسانی که عالم می‌باشند و تعلیم می‌دهند نزدیک است. همچنین با فعلی که معنایش «بنیان نهادن و پایه گذاردن است» در ارتباط می‌باشد.

تورات را می‌توان به معنای آموزش ترجمه کرد، اما این آموزش آن چنان نوین و ابتکاری است که بهتر آن خواهد بود که دست به ترجمه یک لغت غیر قابل ترجمه زده نشود. در کتاب راهنمای اصول دین یهود، از خاخام بزرگی بنام دویچ (سال ۱۹۶۱) این تعریف بسیار گویا آمده است: «تورات سرچشمه اصلی دین یهود است.»

تورات، درخت زندگانی

یهودیان همواره از این کتاب با شوق و علاقه صحبت کرده‌اند. می‌گویند که تورات سرچشمه قدرت مؤمنان است، چون آبی است که عطش را فرو می‌نشاند، زندگانی است، چون روغن است، چون عسل است، چون مرهم التیام بخش است که شفا و زندگانی می‌بخشد، درخت زندگانی و نور ابدی است.

به همین جهت است که نسبت به تورات یا در واقع طوماری که تورات بر روی آن نوشته شده است، با نهایت احترام رفتار می‌شود. این طومار را با پارچه‌های نفیس پوشانده و در جایگاه خاصی که در مقابل آن چراغی شبیه چراغ عبادتگاهها روشن است، نگهداری می‌کنند.

بخاطر عشق و محبتی که قوم عهد عاقب برای تورات داشته‌اند، بر ماست که این کتاب را با احترام تمام بخوانیم. این اثر، آدمی را برای عروج بسوی خدا از زمین بر می‌کند.

ب) تار و پودی چهارگانه از بافتی واحد

با مطالعه دقیق تورات، متخصصان در آن چهار «منبع» تشخیص داده‌اند یا به گفته روشن تر چهار سنت و سبک ادبی بنیانی در آن یافته‌اند که متون این چهار سبک مانند چهار نخ به رنگهای مختلف در یکدیگر بافته شده‌اند تا تورات را بوجود آورند. مع الوصف نباید در انتظار یک بافت منظم بود. این چهار سنت یا سبک که سینه به سینه برای مدت زمانی بس طولانی منتقل شده است، سرانجام در مکان‌ها و زمانهای

مختلف به رشته تحریر در آمد. می توان مقایسه دیگری نیز به عمل آورد: تورات از لحاظ ادبی مانند موزاییک نامنظم است، اما از لحاظ مذهبی دارای گرایش خاص و مشخصی است، بدین معنا که خداوند در طول تمام تاریخ قوم برگزیده، خود ا به انسانها می شناساند. به این سنتهای مختلف ادبی می توان از راه مشخصات و خصوصیتهای لغوی و طرز بیان پی برد، اما ذکر آنها در این مبحث مایه ملال خاطر خواهد گردید. پس در این جا به این اکتفا می کنیم که خصایص مهمترین تفسیرها یعنی تفسیرهای یهویست، الوهیست، خطابت و کھانتی را به اختصار ذکر نماییم.

مراحل تاریخی نگارش سنتهای مختلف

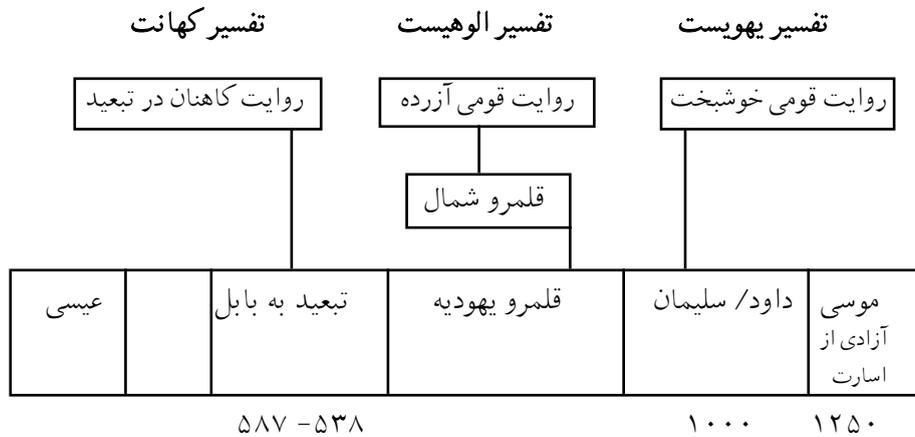
— ابتدا وقایعی وجود دارد که همانطور که خواهیم دید طی چندین قرن گسترش می یابد: حدود سال ۱۵۵۰ و حوالی سال ۱۲۵۰، اجداد اسراییلیان مصر را ترک نموده در کنعان استقرار یافتند. موسی رهبر موج مهاجرت دوم بود.

— در حدود سال ۱۰۰۰، داود قلمروی پادشاهی بنا نهاد که با مرگ پسرش سلیمان، به دو قسمت انشقاق یافت: قلمرو جنوب یا یهودیه که پایتخت آن اورشلیم و قلمرو شمال یا اسراییل که پایتختش سامره بود. در این دو قلمرو بود که یهودیان آغاز به تفکر در تاریخ و پیدایش قوم خود نموده، اولین تاریخچه موسی و خروج را به رشته تحریر درآوردند. در اورشلیم، از حدود سال ۹۵۰ پیش از میلاد، تاریخچه مقدس یهودیه را نگاشتند (سنت یهویست زیرا که در آن خدا را «یهوه» می نامیدند). در سامره حدود سال ۷۵۰، تاریخ مقدس شمال را نگاشتند (سنت الوهیست، چون در آن خداوند را اغلب «الوهیم» می خواندند). در آن جا همچنین آغاز به تحریر سفر تثنیه نمودند. قلمرو شمالی در سال ۷۲۱ از صحنه تاریخ محو گشت.

— قلمرو جنوب تنها حامل تاریخ اسراییل باقی ماند و به مدت نیم قرن یعنی بین سالهای ۵۸۷ تا ۵۳۸، مردم آن به بابل تبعید گردیدند. آنان برای این که امید از دست رفته خود را باز یابند به گذشته خود نگریستند. پس کاهنان تاریخ مقدس کھانت و همچنین سفر «لاویان» را به رشته تحریر در آوردند.

— در حدود سال ۴۰۰، عزراء این سه تاریخ مقدس را که قبلاً نگاشته شده بود و همچنین تثنیه و لاویان را جمع آوری کرده در هم آمیخت و به اثر واحد حجیمی در پنج قسمت تبدیل نمود که اسفار خمسه نامیده می شود. این مجموعه را «تورات» نامیده کل آن را اثر موسی تلقی می کنند.

اکنون می‌توانیم خصوصیات هر یک از این سبک‌ها را بررسی کنیم:



۱- تفسیر یهوئیست

تفسیر یهوئیست همانند سبک راویان کوچه و بازار است که با تعریف قصه‌ای پر آب و رنگ، پیام بس عمیقی را به شنوندگان می‌رسانند. این تفسیر در عین حال که بر متعال بودن خدا تأکید می‌نماید دارای بیانی بسیار ساده و خودمانی است بطوری که از نسبت دادن خصایص انسانی به خداوند بیمی به خود راه نمی‌دهد. بر حسب مثال به نخستین متن مربوط به دعوت موسی از جانب خداوند (خروج ۳-۴) که در آن از بوته، آتش و نعلین موسی صحبت می‌شود، توجه کنید. همچنین رجوع کنید به خروج ۱-۳۴؛ اعد ۱۰:۲۹-۳۶، ۱:۲۴-۲۵.

۲- تفسیر الوهیست

لحن کلی تفسیر الوهیست تا حد زیادی به تفسیر یهوئیست نزدیک است. تفاوتی که بین آنها وجود دارد بدلیل انشقاقی است که میان قبایل شمال و جنوب پیش آمد. اصول این دو تفسیر در ابتدا یکی بوده ولی پایه‌گذاری تفسیر یهوئیست در جنوب، در اورشلیم بوده است، در صورتی که تفسیر الوهیست بطور مستقل در شمال، که در معرض تأثیر مشرکان بود، شکل گرفت. به همین خاطر است که در این تفسیر بر متعال بودن خدا تأکید می‌شود و مولفین از نسبت دادن هرگونه خصوصیت انسانی به خدا اجتناب می‌روزند تا مبادا خدا را مانند بت معرفی نمایند، برای مثال رجوع کنید به متن ده فرمان در خروج ۲۰؛ اعد ۱۲.

۳- تفسیر خطابت یا تثنیه‌ای

سومین تفسیر از آن رو «خطابت» خوانده می‌شود که تقریباً تمام محتویات آن (شامل پنج خطابه منسوب به موسی) در کتاب تثنیه موجود است. این کتاب تفسیر سبکی دارد بسیط و گاهی پرطنین و تفسیر خطیبی است که سعی در متقاعد ساختن و ترغیب به اقدام دارد و از به کار بردن لحن تهدیدآمیز نیز پرهیز نمی‌کند. برای مثال رجوع کنید به تث ۱۰:۱۲-۲۲.

۴- تفسیر کهانتی

تفسیر چهارم تفسیر کهانت نامیده می‌شود چون قسمت اعظم آن از متون قانون‌گذاری و قضایی تشکیل شده است. سبک آن در اغلب اوقات و حتی در بخش روایات، بسیار خشک می‌باشد (اعد ۱۰:۱-۲۸ را که دارای سبک کهانت است با اعد ۱۰:۲۹-۳۶ که دارای تفسیر یهوئیست است مقایسه کنید). در مجموعه این تفسیر به استمرار و تداوم اهمیت خاصی داده می‌شود (که از خصوصیت‌های عالم کهانت است) و این امر را در ارجحیتی که برای فهرست‌های شجره‌نامه‌ها قائلند مشاهده می‌کنیم (رک. پید ۵).

مادر بزرگ و محضردار

مشخصات چهار تفسیر تورات را می‌توان در قالب سخنی نغز و شیرین چنین برشمرد: تفسیر یهوئیست مانند مادر بزرگی است که لبخندی بر لب دارد و یادبودهای خانواده را تعریف می‌کند. تفسیر الوهئیست مادر بزرگ دیگری است، او نیز یادبودها را برمی‌شمرد اما نگران صحت اخلاقی فرزندان خود می‌باشد که این امر از طرز بیانش آشکار است. نویسنده تفسیر خطابت خطیب است. مجموعه قوانینی که به سبک کهانت نوشته شده کار محضرداری است اندکی بی‌روح و خرده‌بین، بسیار متقی و پرهیزکار که مقید به رعایت جدی قوانین می‌باشد.

اما باید برحذر بود که مبدا این مقایسه‌ها موجب شود که تورات را کتابی نامفهوم تلقی نماییم. برعکس این کتاب انعکاس زنده و سرشار از محبت پدران ایمانی ما در تکاپوی خداوند است. برای درک بیشتر آنچه آورده شد اکنون از نزدیک به گوناگونی نگارش سفر پیدایش توجه خواهیم کرد.

ج) در باب نگارش سفر پیدایش

در زمان ما کتاب اثری است فردی یا گروهی که همواره به امضای نویسنده یا نویسندگان می‌رسد. بنابراین بی‌بردن به نام نویسنده یا نویسندگان و اوضاع و احوال محیطی که تالیف در آن صورت گرفته، کار سختی نیست. اما این امر که در مورد آثار امروز یا حتی دیروز صادق است، برای کتابهای باستانی تمدن بشری نمی‌تواند صادق باشد.

مثالی را در نظر می‌گیریم که از زمان ما زیاد به دور نیست. آیا می‌توان گفت نخستین سرایندگان قصاید حماسی قرون وسطی چه کسانی بوده‌اند؟ آن سرایندگان دوره گرد که اشعار را در مجالس می‌سرودند، متن اصلی و مشترک قصاید را به سلیقه خود مزین و به اصطلاح شاخ و برگ می‌دادند و آنها را همراه با این تغییرات به سرایندگان دیگر منتقل می‌کردند. این امر باعث شد که متن این قصاید به صورتی که امروز به دست ما رسیده در واقع هم اثر مولف اولیه باشد و هم کار شاعرانی که ذره ذره در تکمیل آن کوشیده‌اند. این است آنچه سنت زنده می‌نامیم. بخشهای مختلف کتاب مقدس نیز بدین شیوه تالیف شده‌اند. در بسیاری از اسفار و بخصوص در سفر پیدایش تشخیص دوره‌های مختلف روایات که در مکانهای مختلف تنظیم شده‌اند، کار نسبتاً آسانی است.

قبایل مختلف بنی اسرائیل خاطرات مشترک هجرت‌های اجداد خود، پدران قوم و همچنین سرگذشت قوم یهود را تا زمان ورودشان به سرزمین موعود، حفظ کرده بودند. اما هر یک از این قبایل به رویدادهایی از تاریخ که به معبد محلی آنها مربوط بود و نیز به آنچه خاص گذشته آنها بود، توجه بیشتری میدول می‌داشتند. در ادوار مختلف، تحت تأثیر جنبش احیای مذهبی که دعوتی جهت بازگشت به منابع و اصالت اولیه بود، این متون قدیمی جمع‌آوری گردید و اغلب از نو به رشته تحریر در آمد و در مجموعه‌هایی که قبلاً تهیه شده بود، جای داده شد.

سفر پیدایش کتابی است که بوسیله نویسندگان متعددی به نگارش در آمد و تالیف آن قریب هفت قرن به درازا کشید یعنی زمان مابین خروج از مصر به همراهی موسی (مقارن سال ۱۲۵۰ ق.م) تا بازگشت از تبعید بابل (۵۳۸ ق.م). از آنجا که این نویسندگان برای ما گمنامند، آنچه برای تحقیق باقی می‌ماند تشخیص دورانهای بزرگ احیاء است که این متون مختلف در طی آنها گردآوری شده‌اند.

۱- در زمان موسی، قبایل منشعب از ابراهیم، برای نخستین بار حماسه مشترکی را تجربه نمودند که عبارت از رهروی طولانی ایشان در صحرای سینا بود. از این جریان روایاتی باقی مانده است که دارای نشانه‌های مشترک در تمام تمدن‌های کوچ نشین

است. اما در سفر پیدایش، تشخیص سنت‌هایی که به این عهد باز می‌گردد در اصالت اولیه خود مشکل است، زیرا با دخل و تصرفاتی که بعداً در آنها شده به صورت زیر بنای احادیثی در می‌آیند که در زمانی مؤخرتر نوشته شده‌اند. مع الوصف شخصیت عظیم موسی بر تمام تاریخ پیدایی این قوم سایه افکنده است و در خاطره آدمیان، مؤلف اصلی اسفار نخستین کتاب مقدس باقی خواهد ماند.

۲- در زمان داود و سلیمان (۹۰۰-۱۰۰۰ ق.م) قوم برگزیده دارای پادشاهی می‌شود و قدرت سلسله پادشاهی که تأسیس می‌یابد بر مبنای سنت‌های مذهبی نیاکان قرار می‌گیرد. در این زمان در جنوب فلسطین یعنی کشور یهودیه که نظام پادشاهی در آن پا گرفته بود، گردآوری روایات مختلف رایج آغاز گردید. از این رو متون تشکیل دهنده این مجموعه منعکس کننده زبان و تشریفات و رسوم و افکار مذهبی رایج در بار اورشلیم می‌باشد. در این متون اغلب خداوند بنام «یهوه» نامیده شده است و گزینش عنوان سبک و سنت «یهویست» از همین جا ناشی می‌گردد.

۳- یکی دو قرن بعد، این قلمرو به دو بخش تقسیم گردید. در سامره پایتخت بخش شمالی، قدرتمندان تجدید حیات آیین‌های بت پرستی قدیمی کنعان را که قبل از آمدن عبرانیان به آنجا مرسوم بود، ترغیب نمودند. انبیا در برابر این خیانت بپا خاستند و به‌مراه ایشان اعضای جنبشی مذهبی نیز بپا خاست که سعی در بیدار ساختن ایمان نیاکان با بازگشت مجدد به منابع و اصالت اولیه داشت. متونی که از این رهگذر فراهم آمد و باز نوشته شد دارای رنگ ضد سلطنتی است و به آرمانها و اندیشه‌های نبوتی نزدیکتر است. این تفسیر و روش را الوهیت می‌نامیم زیرا در این سبک خداوند «الوهیم» خوانده شده است.

۴- در سال ۵۸۶ ق.م، اورشلیم به تصرف دشمن در آمد و برجستگان قوم به بابل تبعید شدند. در آن حال کاهنان اورشلیم برای حفظ روحیه وحدت در بین تبعیدیان، آنان را به تعمق و اندیشه در باب گذشته دور دست قوم خود ترغیب نمودند. از این رو سعی کردند که تفسیر یهوئیست و الوهیت را بوسیله متونی که جدیداً به رشته تحریر در آورده بودند، پیوند دهند، متونی که در واقع چهارچوب کل این مجموعه را تشکیل می‌دهد. متونی که در این عهد نوشته شد به تفسیر «کهنانی» معروف است. به این ترتیب سفر پیدایش به نحوی که امروزه آن را می‌یابیم اختتام پذیرفت.

۱- شهرها، معابد، قلعه‌ها



۲- آزمایش در بیابان (۱۲۵۰-۱۲۳۰ ق.م)



۳- سرزمین اسرائیل در زمان سلیمان (۹۵۰ ق.م)



۴- پیروزیهای آشوریان در قرون ۹ و ۸ ق.م



۵-امپراتوری بابل



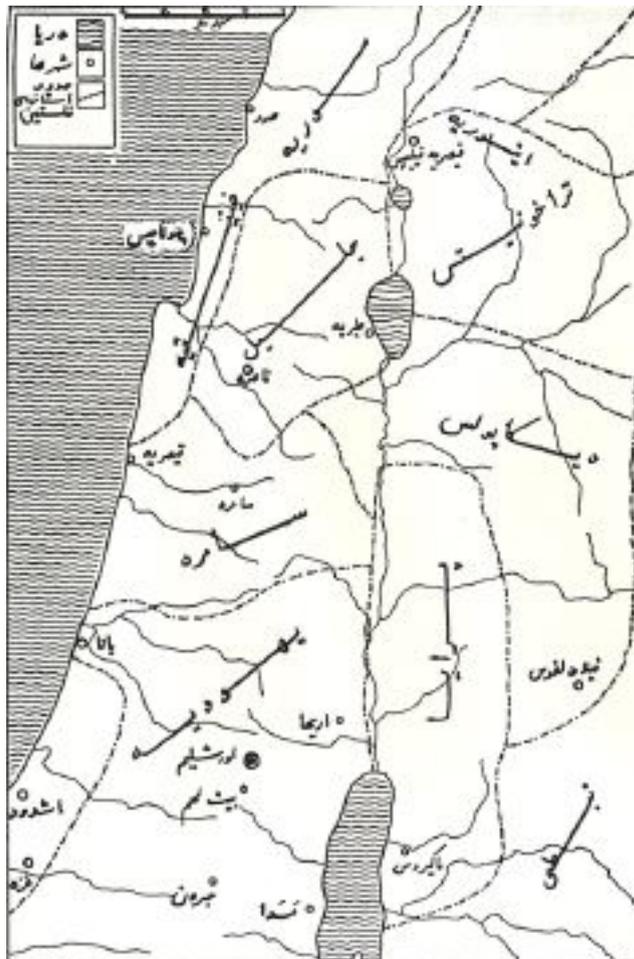
۶- یهودیه و ایالت‌های اطراف آن در زمان امپراتوری پارس



۷- قلمرو الکساندر جانہ (از ۱۰۳ تا ۷۶ ق.م)



۸- موقعیت سیاسی فلسطین در زمان عیسی



فصل سوم

سوالات

برای جواب دادن سوالات و نیز برای استفاده بهینه از این کتاب بهتر است که با عهد جدید آشنایی کافی داشته باشیم. بنابراین، اگر لازم باشد قبل از کتاب «زندگی مسیح نجات دهنده ما» به عنوان اولین مرحله، آخرین بخش این دروس را با کتاب «خدای زنده» به اتمام خواهیم رساند.

با در نظر گرفتن متون زیر توضیح دهید به چه دلیل تصمیم گرفته اید عهد عتیق را مطالعه کنید (مت ۵:۱۷؛ ۱- قرن ۱۰:۶، ۱۱؛ روم ۳:۳۱، ۴:۲۳-۲۴، ۵:۱۴، ۱۱:۱۸، ۱۵:۴؛ ۲- تیمو ۳:۱۶؛ ۲- پطر ۱۰:۲۱)؟

ابتدا متن کتاب را مطالعه کنید سپس تفسیر همان متن را در کتاب بررسی نمایید و در آخر به سوالات مطرح شده جواب دهید:

ایمان

۱-۱: ما بین ایمان برگزیده و فلسفه چه تفاوتی وجود دارد؟

فروتنی

۱-۲: قوم برگزیده اجداد خود را به صورت حقیر و کوچک توصیف می نماید (تث ۱۰:۲۲؛ مز ۱۰۵:۱۲-۱۵)، با علم به این که معمولاً امت های دیگر اجداد خود را با بزرگی توصیف می نمایند (مثلاً شاهنامه فردوسی) این تفاوت چه دلیلی دارد؟ (افس ۲:۴)؟

آب، سرچشمه زندگی

۱-۳: این متن و هم چنین متون دیگر در کتاب مقدس «آب جاری» را نشانه ای از زندگی می بینند (پید ۲:۱۰؛ خروج ۱۷:۱-۷؛ حزق ۴۷:۱-۱۲)؛ یوحنا ای رسول از همان نشانه استفاده می کند، در کدام متن انجیل یوحنا آب جاری نشانه ای از روح القدس می باشد؟

در چه موقع کلیسا در آیین نیایش از آب استفاده می کند؟

تنفس نشانه‌ای از حیات

۲-۳: کتاب مقدس در دم کشیدن نشانه‌ای از زندگی می‌بیند (مز ۱۰۴: ۲۹-۳۰).
انجیل یوحنا در کدام متن درباره دم کشیدن به عنوان منتقل ساختن زندگی نوین صحبت می‌کند؟ در کدام متن در انجیل تأکید بر باغ می‌بینیم که در آن مسیح ظاهر می‌شود؟ اولین روز خلقت نوین در انجیل یوحنا کدام روز می‌باشد (یو ۱۹: ۲۰) و نوبر آن خلقت نوین کیست؟

ازدواج و تجرد

۱-۴: در این متن نوشته شده: «خوب نیست آدم تنها ماند». آیا عیسی ازدواج کرده بود یا تنها ماند؟ علاوه بر این پولس توصیه می‌کند که اگر امکان پذیر است شخص ازدواج نکند (۱-قرن ۷: ۱-۳۸)، در نتیجه این تضاد ظاهری را چگونه تفسیر می‌کنید؟

طلاق

۲-۴: به چه دلیل اعلام می‌نماید که طلاق غیرممکن می‌باشد؟ و به چه دلایل دیگری پولس قدیس همان آموزه را توصیه می‌کند (افس ۵: ۲۱-۳۱)؟

شیطان

۱-۵: طبق این متن چرا عهد جدید شیطان را دروغگو (یو ۸: ۴۴) یا فریبنده تمام جهان می‌نامد (۱- تیمو ۲: ۱۴؛ مکا ۹: ۱۲، ۲۰: ۱۰)؟

تکبر

۲-۵: با در نظر گرفتن این متن به چه دلیل «تکبر» گناه بزرگ نامیده شده است؟ (مز ۱۹: ۱۴؛ بنسی ۳: ۸؛ یو ۵: ۴۴؛ مکا ۹: ۱۸-۹، ۱۹؛ ر. ک پید ۴: ۱۱)؟

پیروزی بر شیطان

۱-۶: طبق این متن خدا پرسید: «آدم تو کجایی؟» طبق پدران کلیسا از زمان گناه آدم به بعد خدا در جستجوی انسان می‌باشد و عاقبت این جستجو تنها در مسیح خواهد بود که در هاویه (زندان مردگان)، که با مرگ خود در آن فرو رفت، آدم را پیدا خواهد نمود (مت ۲۷: ۵۱-۵۳): کدام شمایل مهم این ملاقات را نشان می‌دهد؟

در جستجوی انسان

۲-۶: در این متن می‌خوانیم: «بین تو و زن، نسل تو و نسل وی، دشمنی خواهیم گذاشت» این متن را در نور انجیل چگونه می‌خوانید؟ نسل حوا به چه کسی منتهی می‌شود؟ و چگونه پیروز خواهد شد (لو ۴: ۲-۳، ۲۳: ۳۹؛ مکا ۳: ۲۱)؟

صلیب، درخت زندگی

۳-۶: پدران کلیسا در آن درخت زندگی که در وسط باغ می باشد صلیب را می بینند. چرا؟ این درخت چه موقع میوه حیات بخش خواهد داد (یو ۱۹: ۳۱-۳۷؛ مکا ۲: ۷؛ ۲۲: ۲ و ۱۹ و ۱۴)؟

اسلحه

۴-۶: طبق آخرین آیه این متن (۲۴: ۳) اسلحه را به سوی فردوس منع می کند. طبق پدران کلیسا کدام اسلحه دیگری باعث شده که این راه باردیگر باز شود؟

گسستگی و دودستگی

۱-۷: از بعد از مبارزه انسان بر ضد خدا (پید ۳: ۱-۶) حال دشمنی ما بین انسان هاست، چون تکبر باعث نفاق و دشمنی می گردد، در انجیل یوحنا عیسی با چه نوع رفتاری به ما نشان داد که فروتنی پایه اتحاد کلیساهاست؟

آدم کش

۲-۷: در انجیل کیست که «از اول قاتل نامیده شده» (یو ۸: ۴۴؛ یو ۳: ۱۵؛ مت ۱۰: ۲۸)؟

کلیسا

۳-۷: پدران کلیسا، اصطلاحی دارند «شروع کلیسا با هابیل می باشد» این اصطلاح چه معنایی دارد (ر.ک عبر ۱۱: ۴؛ ۱۲: ۲۴؛ لو ۱۱: ۵۱)؟

کینه

۱-۸: در ارتباط با کینه در این متن فرمانی که خدا به موسی داد (خروج ۲۱: ۲۴) چگونه زمینه آن فرمان عیسی را آماده می سازد (مت ۵: ۳۸-۳۹؛ ۲۳: ۳۴)؟

تعمید

۱-۹: عهد جدید، ایمان نوح را با ایمان مسیحیان تشبیه می کند (عبر ۱۱: ۷؛ ۲- پط ۵: ۲). علاوه بر این پدران کلیسا طوفان نوح را با تعمید و کشتی نوح را با کلیسا تشبیه می کنند، این سه تشابه را چگونه درک می نمایید؟

پنطیکاست

۱-۱۰: در اعمال رسولان لوقا چگونه اتفاق کاملاً متضاد برج بابل را روایت می کند؟

اسطوره

۱۰-۲: با توجه این باب اول چگونه کلمه اسطوره را درک می‌کنیم (ر. ک چگونه عهد قدیم را بخوانیم «صفحه ۳۵-۳۶»)? چگونه این طرز بیان شرقی برای ما گویاتر از فلسفه یونان می‌باشد؟

ایمان

۱۱-۱: در عهد قدیم و هم چنین در این متن ثروت‌های زیاد نشانه برکت خدا برای شخص عادل می‌باشد پس چرا مسیح ظاهراً برعکس این مطلب تأکید می‌کند (لو ۶: ۲۰؛ ۲۱: ۱۶-۲۲ و ۲۵-۲۶، ۲۵: ۱۸)?

ملکیصدق

۱۲-۱: نام پدر ملکیصدق و نام کشورش چیست؟ عهد جدید از این مطلب چه نتیجه می‌گیرد (عبر ۷: ۳؛ یو ۷: ۲۷)? ملکیصدق چه چیزی برای تقدیمی دارد (ر. ک مت ۲۶: ۲۶-۲۹)?

فقر

۱۱-۲: رهمچون در این متن در عهد قدیم نیز ثروت زیاد مرد عادل نشانگر برکت خداست. چرا در انجیل ظاهراً برعکس شده؟ (لو ۶: ۲۰، ۲۱: ۱۶-۲۲ و ۲۵-۲۶، ۲۵: ۱۸).

کاهن بزرگ

۱۲-۲: چه طور شد که ابراهیم به ملکیصدق یک دهم داد و چگونه از وی برکت یافت؟

کاهن بزرگ

۱۲-۳: چرا عیسی کاهن طبق هارون نبود؟ (مز ۱۱۰: ۴؛ عبر ۷).

ایمان

۱۳-۱: با در نظر گرفتن این متن و متن شماره یازده چگونه می‌توان گفت که ایمان ابراهیم پیش درآمد و الگوی ایمان مسیحیان می‌باشد (عبر ۱۱: ۸-۱۹؛ غلا ۳: ۶-۹؛ روم ۴: ۲۳-۲۵؛ اع ۳: ۲۵؛ لو ۱: ۲۸، ۳۷)? چرا ابراهیم پدر ایمان‌داران نامیده می‌شود (روم ۴: ۱۶؛ قرآن سوره نخله آیه ۱۲۱)?

سه گانه اقدس

۱-۱۴: در این متن ابراهیم از سه شخص پذیرایی می‌کند و اغلب با یک شخص صحبت می‌کند در این حالت مفرد به جمع و جمع به مفرد پدران کلیسا اولین نشانه را از راز سه گانه اقدس دیده‌اند. کدام شمایل این موضوع را بیان می‌دارد؟

استغاثه

۲-۱۴: ابراهیم در استغاثه خود از ده نفر عادل جلوتر نمی‌رود ولی رحمت خدا تا کجا خواهد رفت (۱- یو ۲: ۱-۲؛ لو ۳۴: ۴۷؛ اع ۳: ۱۴)؟

قربانی

۱-۱۵: آیا واقعاً خدا خواست که ابراهیم یکتا پسرش را قربانی کند (پید ۲۲: ۲)؟ پس چه طور شد که فکر خود را تغییر داد (پید ۲۲: ۱۲)؟

قربانی

۲-۱۵: چرا قربانی اسحاق نه فقط نمودار مرگ عیسی بلکه رستاخیزش نیز بوده است (عبر ۱۱: ۱۷-۱۹؛ روم ۴: ۱۷ و ۱۶)؟

قربانی

۳-۱۵: در تفسیر یهودیان گفته شد که اسحاق به پدرش فرمود: «ای پدر مرا بر قربانگاه به خوبی ببند مبادا یک حرکت ناخواسته من مرا زخمی کند که آن وقت قربانی تو ناکامل خواهد بود (لاو ۹: ۲). بنابراین یهودیان «این قربانی» را بستن اسحاق می‌نامند چگونه این تفسیر می‌تواند ما را وادار کند درباره قربانی مسیح تعمق کنیم؟

اسحاق

۱-۱۶: طبق کتاب پیدایش ۲۵: ۱۲-۱۸ اسماعیل پدر سالار عرب هاست، چرا قرآن به او بیشتر اهمیت می‌دهد؟

چاه

۲-۱۶: یکی از مشهورترین پدران کلیسا اوریژن که در سال ۱۲۵۴ وفات نمود، درباره چاه‌هایی که ابراهیم و اسحاق کردند که چون آب می‌دهند نشانگر برکت خدا می‌باشند می‌نویسد: «همیشه پدر سالاران (پاتریارک‌ها) را در حال کردن چاه می‌بینیم... از این چاه‌ها حرکت کرده تمام کتاب مقدس را در جستجوی چاه‌ها مطالعه کن

تا به اناجیل برسی. در یوحنا آن چاه را پیدا خواهی کرد که در کنار آن نجات دهنده، از خستگی سفر استراحت می کرد که ناگاه زن سامری که می خواست آب بکشد می آید...» این چاه ها را ببین و آن ملاقاتها را که به ازدواج یا به عهد منتهی می شود پیدا کن: (پید ۲۱:۲۵-۳۱؛ عهد ازدواج؛ ۲۴:۱۰-۲۷) این موضوع چه نوری به ملاقات مسیح به زن سامری می دهد (یو ۴:۱۶ و ۱۸-۱۰)؟

آسمان

۱-۱۸: چه شد که بیرون از سرزمین موعود، بنابراین دور از برکت خداوند، خدا آشکار می سازد که با یعقوب همراه است؟ این اسم خدا که گفته «من با تو هستم» به زبان عبری چه می گوید؟ «آسمان باز است» این نشانه با در نظر گرفتن تصورات پیشینیان درباره گیتی چه معنی دارد (اش ۶۳:۱۶)؟ چه موقع واقعاً آسمان باز خواهد بود (یو ۱:۵۱، ۱۲:۳۵؛ مکا ۴:۱، ۲۱:۱-۵)؟

روغن

۲-۱۸: آن روغن که یعقوب بر صخره ریخته نمودار چیست (لاو ۲۱:۱۰-۱۲، ۲:۲۴؛ اعد ۴:۱۶؛ تث ۸:۸، ۱۳:۷، ۵۱:۲۸؛ ۱- سمو ۱۶:۱۳؛ ۱- پاد ۱۷:۱۴-۱۶؛ مت ۲۵:۳-۴؛ مر ۶:۱۳؛ یح ۵:۱۴)؟ در چه موقع کلیسا در آیین نیایش از روغن استفاده می کند؟

یعقوب

۱-۱۹: در شروع این متن اوضاع جغرافیایی و روحانی یعقوب را چگونه تفسیر می کند و از چه کسی می ترسد؟

نیایش

۲-۱۹: مبارزه یعقوب نمودار چه موضوعی است؟ در چه مواقع الیاس و عیسی این گونه مبارزه کردند؟

دوازده

۱-۲۰: عدد دوازده، نشانه کمال قوم در خود شده است، چه دوازده پسران یعقوب به عنوان دوازده پدر سالاران قوم برگزیده تشریح شده اند. اما این موضوع در عهد جدید چه معنا پیدا می کند (مکا ۷:۸؛ مر ۳:۱۴؛ اع ۱:۲۱-۲۶، ۲:۶)؟

یوسف

۱-۲۱: چگونه تجربیات مختلف یوسف اعلامگر زندگی عیسی می باشد (یو ۲:۵؛ اع ۷:۹-۱۶)؟

قوم برگزیده

۱-۲۴: اصلاح یهود در ارتباط با قوم برگزیده از کجا سرچشمه می گیرد؟

بره

۲-۲۴: اصطلاح شیر یهودا در عهد جدید چه معنا دارد (مکا ۵:۵؛ عبر ۷:۱۴)؟ این اصطلاح چه ارتباطی با بره خدا که در انجیل یوحنا نشانه مهمی می باشد، دارد؟

موسی

۱-۲۵: قبل از تجربیات خروج از مصر آیا ابراهیم نیز چنین تجربه ای داشت (پید ۱:۱۲-۴ و ۱۰-۲۰، اش ۱۳:۱۵-۱۴؛ اش ۱۱:۱۵-۱۶؛ هو ۱۱:۱-۶)؟

یهوه

۱-۲۶: چرا نباید اسم خدا «یهوه» را تلفظ کرد؟ چرا در ترجمه عهد قدیم اصطلاح «خداوند خدا» را می بینیم؟

مأموریت

۲-۲۶: چرا موسی این قدر برای پذیرفتن مأموریتی که خدا به او می دهد تردید می کند (خروج ۲:۱۱-۱۵)؟

مأموریت

۳-۲۶: چرا خدا موسی را به سوی عبرانیان می فرستد به جای این که خود دخالت کند (خروج ۲:۲۳-۲۴)؟ پس در نتیجه خدا کیست؟ چگونه عیسی در برابر مردمان آن زمان همان احساساتی را داشته که خدا در برابر قوم برگزیده داشته (مت ۹:۳۶-۳۸)؟ عکس العمل عیسی چه بود؟

مریم باکره

۴-۲۶: چرا پدران کلیسا در بوته مشتعل نشانه مریم عذرا را دیدند؟

معنی کلمه یهوه

۵-۲۶: با در نظر گرفتن معنای افعال در زمان مضارع در زبان های سامی برای اسم خدا که ترجمه شده است «هستم آن که هستم» چه ترجمه دیگری را می توان در نظر گرفت؟

مبارزه

۱-۲۷: آیا عیسی به مانند یهوه در مصر بر ضد انسان ها مبارزه کرد (یو ۱۸:۳۶؛ لو ۴:۱-۱۳)؟ کلیسا باید بر ضد کدام فرعون مبارزه کند (۱- تیمو ۶:۱۱؛ ۲- تیمو ۴:۷؛ ۱- قرن ۱۵:۳۲)؟ در این مبارزه از کدام اسلحه باید استفاده کند (۲- قرن ۱۰:۴؛ افس ۶:۱۰-۱۸)؟

مأموریت

۱-۲۸: عیسی برای ثابت کردن مأموریت خود «نشانه ها و کرامت» را نیز انجام داد (یو ۳:۲۰، ۲۰:۳۰) اما با نشانه هایی که موسی انجام داد چه تفاوتی دارد؟ امروز در کلیسا چه نشانه هایی باید انجام داد (مر ۱۶:۱۷-۱۸؛ یو ۱۳:۳۴-۳۵)؟

قربانی

۱-۲۹: در چه موقع، یهوه قربانی کردن نخست زاده را منع کرده بود؟ تنها نخست زاده ای که بره واقعی هست (یو ۱:۲۹) و جهت آزادی همگان قربانی خواهد کرد، کیست؟

خون

۲-۲۹: معنای خون در عهد قدیم چیست (پید ۹:۴-۵؛ لاو ۱۶:۱۵، ۱۷:۱۰-۱۴)؟ معنی (خون) در عهد جدید چگونه است (یو ۶:۵۴-۵۵؛ روم ۳:۲۵؛ عبر ۹:۲۲، ۱۰:۱۹ و ۱۲-۱۳ و ۲۰؛ ۱- یو ۵:۶؛ مکا ۱:۵، ۷:۱۴)؟

آتش، ستون ابر

۱-۳۰: آتش (ر.ک به سؤال ۲-۱-۱۱۴) معمولاً نماد قدوسیت خدا می باشد (خروج ۱۹-۲۱، ۳:۲؛ دان ۷:۹-۱۰؛ پید ۱۵:۱۷) ولی ممکن است نشانگر محکومیت و رنج گناهکاران محکوم شده باشد (مت ۳:۱۰، ۵:۲۲؛ یو ۱۵:۶؛ مر ۹:۴۸؛ عبر ۱۰:۲۷، ۱۲:۲۹؛ تث ۴:۲۴؛ اش ۳۳:۱۴)، معنی دیگر آن تطهیر توبه کاران است (اش ۶:۶؛ زک ۱۳:۹؛ میکا ۳:۲-۳؛ بنسی ۲:۵؛ مت ۳:۱۱) یا غایت محبت و نهایت گرمی آن (غزل ۸:۶-۷؛ لو ۱۲:۴۹-۵۰، ۲۴:۳۲؛ اع ۲:۳؛ البته در ارتباط با روح القدس).

هم چون تاریکی شب، ستون ابر (خروج ۱۶:۱۹، ۹) ستونی است که افراد را زیر سایه خود می‌گیرد تا نشانه‌ای از نزدیکی خدا باشد (خروج ۲۳:۹-۱۰؛ ایوب ۳۶:۳۰، ۱۷:۲۱-۲۲؛ ۱- پساد ۸:۱۰-۱۲؛ اش ۴:۵-۶؛ لوقا ۱۳:۳۵؛ مت ۱۷:۱-۱۸؛ اع ۱:۹)، «در ارتباط با روح القدس». این ستون ابر ممکن است نشانگر محکومیت خدایی باشد که راز خود را کاملاً می‌پوشاند (ار ۱۳:۴؛ ایوب ۲۲:۱۳-۱۴؛ حزق ۳۸:۱۶، ۹). در طول زمان خروج این ستون ابر چه اهمیتی داشت (خروج ۱۳:۲۱-۲۲، ۱۴:۴۰، ۲۰:۳۶-۳۸؛ اعداد ۱۴:۱۴، ۹:۱۵-۲۳)؟

کتاب تثنیه درباره این موضوع (۴:۱۵-۲۰) چگونه نتیجه‌گیری می‌کند؟ چه شد که نمودار این ستون ابر ابتدا به حضور فرشته یهوه (خروج ۱۴:۱۹)، و سپس به حضور خود روح القدس تبدیل می‌شود (اش ۶۳:۱۴)؟ چه طور در انجیل یوحنا روح القدس مأموریت مشابهی با نقشه ستون ابر در زمان عبور از صحرا دارد (یو ۱۴:۵-۲۶ و ۱۶، ۱۵:۲۶-۲۷)؟ در این متن معنای این موضوع که هم ابر و هم آتش هر دو با هم می‌باشند چیست (خروج ۱۴:۲۴ و ۲۰) که ترجمه آن از زبان عبری می‌تواند چنین باشد: «ستون از یک طرف تاریک و از طرف دیگر روشن می‌بود» (۱۳:۲۱-۲۲؛ تث ۱:۳۳؛ نح ۹:۱۲)؟

آیا بعضی از تجربیات روحانی زندگی امروز ما موضوع حضور خدا را، خواه به صورت آتش روشن خواه به صورت ابری ابهام‌آمیز، نشان می‌دهد.

عمود و تعمیر

۲-۳۰: با در نظر گرفتن کلمه سامی عمود و مشتقات آن، چرا در زبان فارسی و عربی و آرامی برای فرو رفتن در آب (روم ۳:۶-۴) از کلمه تعمیر استفاده می‌شود (ر.ک ۱- قرن ۱۰:۲؛ مکا ۳:۱۲؛ مر ۱۱:۲۵؛ لوقا ۲۱:۳۶؛ اع ۲۶:۱۴-۱۶؛ مکا ۲۰:۱۲)؟

آب و دریا

۳-۳۰: طبق این متن و خروج ۸:۱۵ یکی از معانی آب، دریاچه می‌باشد (پید ۱:۹، ۱۱:۷) که با ۱۲:۷ که در ارتباط با پید ۱:۷-۸ باید مقایسه کرد، (یو ۳ و ۴؛ ایوب ۳۸:۱۱ و ۱۱:۸؛ یون ۱:۴-۱۵؛ اش ۱:۲۷؛ دان ۳:۷؛ مز ۶۵:۸، ۱۱۴:۳، ۸۹:۹ و غیره) آیا همان معنی را در عهد جدید نیز می‌یابد (۱- قرن ۱۰:۱-۲؛ مر ۴:۳۹، ۵:۱۳، ۶:۴۸-۴۹؛ اع ۲۷:۹-۱۰ و ۲۷-۳۲؛ مکا ۱:۱۳، ۱:۲۱)؟ چه ارتباطی با زندگی کلیسا دارد (روم ۴:۶)؟ معنای آب در متن شماره ۳ و سؤال ۱-۳ به چه دلیل با یکدیگر در تضاد می‌باشند؟ هر کدام از این دو متن به کدام یک از تجربیات انسانی ارتباط دارد؟

تعمید

۵-۳۰: درباره عبور قوم برگزیده از دریای سرخ، اپرم قدیس، یکی از پدران کلیسا، این گونه توضیح می دهد:

«ای برداران من فرو روید
و در آب های تعمید روح القدس را بیوشید،
با ارواحی که خادمین خدا هستند متحد شوید
موسی در دریا به قوم برگزیده تعمید داد
ولی قلب پر از لکه های گناه ایشان را نتوانست شستشو دهد.
اینک کاهنی به شباهت موسی لکه های جان ما را شست:
با مهر خود بره های جدید را جهت ملکوت خدا داغ نهاد».

این ابیات را تشریح نموده و توضیح دهید که چه ربطی با متن خروج دارد؟

خشونت

۱-۳۱: چگونه می توان نکات تند و قهری این متن را همچون متون دیگری از عهد قدیم درک نمود (مز ۱۳۷: ۸-۹؛ ار ۵۱: ۵۴-۵۶؛ هو ۱: ۱۴؛ حزق ۲۵: ۱۲-۱۴ و غیره)؟ در ارتباط با مزمور ۱۳۷: ۸-۹ این گونه تفسیر می کند: «خوشا به حال آن که اطفال تو را بگیرد و ایشان را به صخره ها بزند: درباره بچه های بابل گفته شده که اینها کسی نیستند غیر از افکار پلید که در قلب ما بی نظمی و اغتشاش ایجاد می کنند. این افکار مادامی که کوچک شده و تازه تولد یافته باید آنان را گرفته بر آن صخره کوبید، که مسیح است، و با اطاعت از خداوند آنها را خفه کرد تا هیچ گونه نفسی از ایشان در ما نماند».

در این جا مسئله جالبی درباره سومین معنای کتاب مقدس داریم که در مقدمه ارائه شده است. این تفسیر چگونه با تعالیم عهد جدید تطابق دارد (یو ۱۸: ۳۶؛ لو ۹: ۵۱-۵۶؛ مت ۱۱: ۱۲؛ لو ۲۲: ۳۵-۳۸ و ۴۷-۵۱؛ ۲-قرن ۱۰: ۳-۵؛ افس ۶: ۱۱-۱۸؛ مکا ۱۸: ۲۳-۲۴)؟

آزادی

۲-۳۱: به چه دلیل متی در ۲: ۱۵-۱۶ اشاره می کند که عیسی نیز از مصر بیرون آمد؟ آیا ما باید چنین تجربه ای داشته باشیم (یو ۸: ۳۴-۳۵؛ روم ۶: ۱۶-۲۰؛ ۲-پطر ۲: ۱۹)؟

۳-۳۱: مابین این متن با مکاشفه ۱۵:۱-۵ چه ارتباطی وجود دارد؟

موسی و یترون

۱-۳۲: آیا این ملاقات موسی با یترون را می توان با ملاقاتی که در متن دوازده خوانده ایم مقایسه کرد؟ و آیا می توان آن را تا اندازه ای با ملاقات عیسی و یحیی تعمید دهنده مرتبط ساخت (مت ۳:۱۳-۱۶)؟

خادمین

۲-۳۲: چگونه انتخاب شماسان (اع ۶:۱-۷) به همان مسئله جواب می دهد که انتخاب داوران در زمان موسی (هرگز به دشمن خویش اعتماد مکن، زیرا همان گونه که مفرغ زنگار می بندد، شرارت وی نیز زنگار می بندد) (بنسی ۱۲:۱۰)؟

دوری از خدا و تقرب به خدا

۱-۳۳: در این متن، حرکات و رفتاری که بیانگر فاصله گرفتن با خدا می باشد و حرکات و رفتاری که بیانگر نزدیک شدن خدا با انسان می باشد، وجود دارد، آیا شباهت این دو حرکت را در آیین کلیسایی دیده اید؟ در نیایش شخصی خودمان چگونه (عبر ۱۲:۱۸-۲۹)؟ آیا در نماز مسلمانان این دو حرکت وجود دارد؟

کوه

۲-۳۳: در ارتباط با این کوه، گریگوری نیسای قدیس (قرن چهارم) می نویسد: «یک کوه مرتفع و دشوار چون کوهسار شناخت و معرفت خدا»... موضوع کوه که مکرراً در عهد قدیم به آن اشاره شده چه معنایی دارد (پید ۲۲:۱-۱۴؛ خروج ۳:۱-۱۲؛ تث ۳۴:۱-۵؛ ۱-پاد ۱۷:۱۹-۲۰؛ مز ۷۴:۲؛ اش ۷:۱۸؛ حزق ۴۰:۲-۵)؟ آیا در عهد جدید نیز همان معنا را می دهد (یو ۴:۲۰؛ مت ۸:۴؛ ۱:۵، ۱۴:۲۳، ۱۷:۱، ۲۸:۱۶؛ لو ۳:۵؛ عبر ۱۲:۲۲؛ مکا ۲۱:۱۰، ۱۴:۱)؟

عدد چهل

۱-۳۴: ارتباط مابین عدد چهل که مشخص کننده ایامی است که موسی در کوه بوده با متون دیگر از عهد قدیم چیست (تث ۹:۹-۱۱ و ۱۸ و ۲۵، ۱۰:۱۰؛ پید ۷:۴ و ۱۲؛ اعد ۱۳:۲۵؛ تث ۲:۷؛ ۱-پاد ۲:۱۱، ۱۱:۴۲، ۱۹:۸؛ یون ۳:۴ و غیره)؟ این عدد چهل در رابطه با مدت زمان چه معنا دارد (ر.ک اعداد ۱۴:۳۰-۳۵)؟ این معنی خاص چگونه بعضی از متون عهد جدید را روشن می سازد (مت ۴:۲؛ اع ۱:۳)؟

انگشت خدا

۲-۳۲: شریعتی که به موسی داده شد «توسط انگشت خدا» نوشته شده است. این اصطلاح در انجیل چگونه توضیح داده شده (لو ۱۱: ۲۰)؟ آیا شریعت جدید باز بر سنگ نوشته خواهد شد (ار ۳۱: ۳۱-۳۳؛ حزق ۳۶: ۲۴-۲۷؛ ر. ک مکا ۲: ۱۳، ۳: ۱۲)؟ انجیل یوحنا چگونه (۱: ۱۶-۱۷) بر امتداد عهد جدید با عهد قدیم و نیز بر برتری آن تأکید می کند؟

دیدن خدا

۱-۳۵: «می خواهم خدا را ببینم»، پدران کلیسا در این تشنگی عمیق موسی و در جواب خدا، کشش در زندگی عرفانی را دیده اند. گریگوری نیسا راهب آلمانی توضیح می دهد: «موسی می خواهد از زیبایی مطلق بهره مند شود، دیگر نه در آینه یا در پرتویی بلکه «باشد که چهره تو را ببینم» و خدا با رد کردن آن همانا خواهش او را می پذیرد زیرا لجه ای به قدرت درک موسی مکشوف می سازد، از یک دیدگاه سخاوت خدا می پذیرد که این درخواست را انجام دهد، از دیدگاه دیگر قول نمی دهد که این جستجو به اتمام برسد و این محبت اشباع شود... زیرا دیدن خدا این است که هیچ وقت اشتیاق به دیدن او به اتمام نرسد (...). خدا عبور می کند به این معنی که او رهنمون شخصی است که به دنبالش می آید، می گردد... بنابراین موسی که برای دیدن خدا عجله داشت، درک می کند که چگونه می توان خدا را دید: هر جا که ما را رهبری کند به دنبال او رویم. این است دیدن خدا. معنی این تفسیر در عهد جدید چگونه تحقق می یابد (مت ۲۰: ۴-۲۲، ۳۸: ۱۰، ۵۸: ۲۶؛ یو ۲۱: ۱۹-۲۲؛ مکا ۱۴: ۴)...؟ در چه زمانی موسی خدا را دید؟

ایرانیوس قدیس، اسقف شهر لیون در قرن دوم نوشت «آن چه که بعد می آید خواهید دید اما چهره ما را نخواهید دید» این جمله دو معنی دارد هم غیرممکن است که انسان خدا را ببیند و هم در ایام آخر از راه حکمت خدا (مسیح) بر قله صخره یعنی در زمان آمدن او به عنوان انسان، او را خواهید دید.

بنابراین، موسی طبق کلام خدا، روزی بر قله کوه او را رو به رو خواهد دید همان طور که انجیل می گوید الیاس وجود داشت، از این راه کلام خدا در زمان آخر آن عهد کهنه را انجام داد (ر. ک مر ۹: ۲-۱۳؛ ۲-قرن ۴: ۶؛ ۱-یو ۳: ۲؛ ۱-قرن ۱۳: ۱۲؛ مکا ۲۲: ۴). درباره تفسیر ایرانیوس چه فکر می کنید؟

دیدن از پشت

۲-۳۵: در تجربیات روحانی خودتان آیا اتفاق افتاده که خدا را از پشت ببینید؟ ما خدا را بعد از این که در زندگی ما عبور کرده می بینیم، وقتی که از قبل نزد ما می آید چه معنایی دارد؟

خون و عهد

۱-۳۶: آن خون که قسمتی بر مذبح و قسمتی بر قوم ریخته شده است (ر. ک سؤال ۲-۲۹) چرا این آیین بیاناگر معنی عهد می باشد (ر. ک زک ۹:۱۱؛ عبر ۹:۱۵ و ۲۱:۲۶ مت ۲۸:۲۶)؟

خون و ازدواج

۲-۳۶: پدران کلیسا یادآوری می کنند که بستن عهد هم چون ازدواج است: یهوه خدای ایشان خواهد بود و عبرانیان قوم او خواهند بود. روپردیزوس راهب آلمانی قرن ۱۱ می نویسد: «یادآوری کنیم، که حزقیال در باب ۱۶ چه گفت: نزد تو عبور کرده با تو عهد بستم (...). در این پنجاهمین روز این زن، یعنی کنیسه (یا قوم عهد قدیم)، که در مصر کثیر شد با خدای یکتا ازدواج کرده (عهد بست) و همه زینت های عدالت را که پیغمبر آنها را با اسامی و تزئین های مختلف می شمرد دریافت کرده». چگونه انجیل، عهد جدید و مسیح را به عنوان یکتا داماد قوم عهد جدید (یعنی کلیسا) به این صورت مطرح می کند (مت ۲۸:۲۶؛ یو ۱۹:۲۵-۳۴؛ ۳:۲۹؛ مکا ۹:۲۱، ۱۷:۲۲؛ مت ۶:۲۵؛ ۹:۱۷؛ ۲-قرن ۱۱:۲؛ افس ۵:۱-۲، ۲۵-۳۲؛ اع ۲:۱-۱۰)؟

فرمان

۱-۳۷: ارتباط ما بین این ده فرمان و یکتا فرمان عیسی چیست (یو ۱۵:۱۲؛ ۱۳:۳۴؛ روم ۱۳:۹؛ مت ۱۹:۱۶-۲۲)؟

فرمان

۲-۳۷: این ده فرمان آیا فقط اعمال بیرونی را منع می کنند یا تا درخواست پاکیزگی قلب می رسند، همان طور که عیسی آن را درخواست خواهد کرد (مت ۵:۲۱-۴۳؛ ر. ک تث ۵:۶؛ لو ۱۸:۱۸-۲۷)؟

عدالت

۱-۳۸: در عهد قدیم (تث ۲۴:۶-۲۲؛ عا ۸:۴-۷؛ ار ۱۳:۲۲) و هم چنین در عهد جدید (لو ۱۸:۱-۱۶؛ ۹:۱۱؛ یع ۵:۱-۶) عدالت مخصوصاً نسبت به درماندگان به عنوان آمادگی جهت پذیرایی از مسیح و شرط مسیحایی معرفی شده است. چرا؟

کینه

۲-۳۸: «چشم در ازای چشم و دندان در ازای دندان» (خروج ۲۱:۲۳؛ ر. ک متن ۸ سؤال اول)، چگونه می توان این سخنان را در ارتباط با یکتا فرمان عیسی درک کرد؟

۳۹ و ۴۰ سؤال هایی را که در تفسیر این متون مطرح شده جواب دهید.

فصح

۱-۴۱: در خروج (۱:۱۳-۱۱، ۱۲:۲۴-۲۷) اصولاً موضوع این است که یک غذا به زودی قبل از حرکت از جای سردسیر به گرمسیر خورده می شود، بنابراین، اشاره به این تاریخ یعنی چهاردهم نisan (بدر کامل) (خروج ۱۲:۶) دارد که در آن با نور ستاره می شود حرکت کرد. اما در خروج ۱۲:۲۴-۲۷ موضوعی که مطرح شده، موضوع صرف غذا نیست بلکه آیینی است که پخش شده که از مرگ محافظت می کند و زندگی را منتقل می سازد، بره به جای آنانی که در خطر این سفر محافظتشان می کند کشته می شود، خون نمودار زندگی است (ر.ک متن ۲۴ سؤال اول). چگونه انجیل به این صرف غذا و به این خون بره که جهت محافظت از مرگ و منتقل ساختن زندگی ریخته شده اشاره می کند؟

عید گذر

۲-۴۱: عید گذر که عید بزرگ یهودیان می باشد در زبان عبری پسخا نامیده شده است که به زبان لاتین پاسکوا و به زبان فرانسه پاک ترجمه شده است و معنی آن گذر از مناطق سردسیر به مناطق گرمسیر نیست، برای یهودیان این گذر چه مفهومی دارد؟ و طبق انجیل برای مسیح چه طور (یو ۱:۱۳-۳)؟ و امروز برای مسیحیان چگونه خواهد بود؟

قربانی

۳-۴۱: در معنی قربانی رجوع کنید به مت ۲-۲۹ و متن ۱-۳۰ و ۱-۳۶. در عهد قدیم به چند نوع قربانی برخورد می کنیم: قربانی سوختنی، قربانی جهت مشارکت، قربانی جهت گناه، نام تقدیم شده، بخور. بنابراین می توان قربانی را این گونه تعریف نمود: هر تقدیمی، خواه حیوانی، خواه گیاهی که بر قربانگاه به حضور خدا آورده شده و از راه از بین بردن قسمتی یا کل آن، از زندگی معمولی بیرون آورده شود. آیین تقدیمی برای هر نوع قربانی مشترک است: ایمان دار بر هدیه خود دستگذاری کرده به کشیش می دهد و از این راه نشان می دهد که خود را از این طریق به خدا تقدیم می کند، بدینگونه کوشش می کند که با خدا صمیمیت نزدیک تری پیدا کند و فاصله ای را که با گناه در میان او و خدا به وجود آمده از میان بردارد، بنابراین هر قربانی یک جنبه کفاره دارد. علاوه بر این، بالا رفتن دود یا مواد خوشبو نشانگر وارد شدن در عالم بالا و ندیدنی و گذر از زندگی معمولی به عالم تقدس می باشد. از این راه عهد خداوند دوباره بسته شده و مشارکت با او

احیا گردیده است، پس هیچ وقت نباید معنی قربانی را در رنج دادن و کشتن جستجو کرد.
الف: آیا مسیح قربانی‌ها را محکوم کرده است (لاو ۴:۲۶؛ عبر ۷:۲۷، ۹:۱۲، ۱۰:۱)؟

ب: در کلیسا، امروز از این قربانی‌های مختلف چه چیزی باقی مانده است (۱- قرن ۱۰:۱۶-۲۱؛ روم ۱:۱۲؛ ۱- پطرس ۲:۵؛ فی ۴:۱۸؛ عبر ۱۳:۱۶)؟

تاریخ گذر

۴-۴۱: در ارتباط با تاریخ عید پسخای یهودیان (اولین بدر کامل تعادل شب و روز اولین بهار) یعنی چهاردهم نیسان، تاریخ گذر مسیحیان، هر سال عوض می‌شود؟ چرا بعضی از کلیساهای خاور میانه این عید را در همان تاریخ و با همان تقویم غیرمسیحیان برپا نمی‌کنند؟

بت

۱-۴۴: در ارتباط با گوساله طلایی یا هر بت دیگر مسئله این است که آیا می‌خواهیم در دست خدا تسلیم شده به دنبالش برویم یا خدای مصنوعی را بسازیم و او را زیر نفوذ خود آورده خادم خود سازیم (اش ۴۶:۶-۷؛ پید ۳:۵-۶؛ ار ۲:۵ و ۸ و ۱۳؛ روم ۱:۲۳-۲۴؛ مکا ۱۳:۱۴، ۱۶:۲؛ حک ۱۳-۱۴؛ مت ۲۴:۶؛ کول ۳:۵؛ تیط ۳:۲؛ روم ۶:۱۹)؟ با بت پرستی عده‌ای می‌خواستند سرچشمه زندگی و باروری را کسب نمایند همان طور که منع کردن «زنا» مقدس نشان می‌دهد (۱- قرن ۱۴:۲۴، ۱۵:۱۲، ۲۲:۴۸؛ ۲- پاد ۷:۲۳؛ هو ۴:۱۴؛ میکا ۱:۷). طبق عهد جدید، وسوسه ما در ارتباط با بت پرستی کدام می‌باشد (مت ۲۴:۶؛ تیط ۳:۳؛ کول ۳:۵؛ افس ۵:۵؛ مکا ۱۳:۸؛ روم ۶:۱۹؛ تیط ۳:۳؛ روم ۶:۶ و ۱۹؛ غلا ۴:۸-۹)؟ آیا امروز نیز گاهی به جای اینکه خدا را سجده کرده در خدمت او باشیم، می‌کوشیم که او یا بت‌های دیگر را به خدمت بگیریم؟

استغاثه

۲-۴۴: استغاثه موسی، در عهد قدیم مکرراً یادآوری شده: برای فرعون (خروج ۸:۴-۵، ۸-۹، ۹-۲۸-۲۹، ۱۰:۱۷-۱۸)، برای خواهرش مریم (اعد ۱۲:۱۳)، و مخصوصاً برای قوم برگزیده (خروج ۵:۲۲-۲۳؛ اعد ۱۱:۲؛ تث ۹:۲۵-۲۶؛ اعد ۱۴:۱۳، ۱۶:۲۲، ۲۱:۷). بنابراین او نمونه‌ای از استغاثه کنندگان شده است (ار ۱۵:۱)؛ مز ۹۹:۶-۸، ۱۰۶:۲۳). این موضوع در عهد جدید چگونه وسعت پیدا کرده (لو ۲۲:۳۱-۳۲؛ عبر ۷:۵-۷، ۱۰-۱۱؛ اش ۵۳:۱۲)؟ استغاثه در نیایش ما چه اهمیتی دارد و برای چه کسی استغاثه می‌کنیم؟

منا

۱-۴۵: در ارتباط با موضوع مَنّا، آن نان که امروز از پدر می طلبیم چه معنایی دارد (۲- پاد ۴۲:۴-۴۴:۴ اش ۲۳:۳۰؛ ار ۱۲:۳۱؛ مت ۶:۲۵، ۱۱؛ لو ۱۹:۲۲؛ مکا ۲:۱۷).

آب

۲-۴۵: در ارتباط با اعداد ۱:۲۰-۱۳، آیا معنی آب فقط خطر مرگ می بود (ر.ک متن نهم سؤال اول و متن سوم سؤال اول) دومین معنای آب چیست؟ (اعد ۱:۱۹-۱:۲۲؛ ۲- پاد ۵:۸-۱۴:۵؛ مت ۲۳:۲۵-۲۶، ۲۴:۲۷؛ یو ۲:۶؛ مر ۷:۱-۲۳؛ لو ۳:۱۶؛ اع ۸:۳۶-۳۹؛ افس ۵:۲۶). این دومین معنا چه مفهومی دارد؟ سومین معنای آب چیست (پید ۲۱:۱۴-۱۵، ۲۴:۴-۲۱، ۱۹:۲۶؛ یو ۴:۱؛ لو ۱۶:۲۴؛ یو ۳:۱۵، ۷:۳۷-۳۹، ۱۹:۳۴؛ مکا ۷:۱۷، ۲۲:۱۷)؟

کاروان

۱-۴۶: قوم برگزیده در این متن همچون کاروانی که از مصر به سوی سرزمین موعود حرکت می کند تشریح شده است. این پیش روی به سوی تجربیات، کلیسا را که به عنوان کاروانی که از گناه آزاد شده و به سوی ملکوت حرکت می کند (۱- قرن ۱۰:۱۳-۱۳) چگونه تشریح می کند؟

وسوسه ها

۲-۴۶: وسوسه های قوم برگزیده در زمان پیش روی در صحرا، با وسوسه های ما در کلیسا چه ارتباطی دارند (اعد ۱۱:۴-۶، ۱:۱۴-۴ و ۳۹-۴۵)؟

۱-۴۷: ارجاعاتی را که در تفسیر این متن داده شده است مطالعه کنید.

موسای نوین

۱-۴۸: کتاب تثنیه قبل از این که درباره مرگ موسی روایت کند آمدن موسای نوین را اعلام می نماید. طبق عهد جدید موسای نوین کیست و چگونه کارهای موسی را به صورت واقعی انجام داد (یو ۱:۲۱، ۳:۱۴، ۶:۱۴ و ۳۰ و ۳۱ و ۵۸، ۷:۴۰ و ۵۲، ۱:۱۳؛ اع ۳:۲۲-۲۳، ۷:۲۰-۴۴)؟

موسی

۲-۴۸: در پنج جلد اول کتاب مقدس (تورات) چند بار اشاره شده است که موسی

این تورات را نوشت (خروج ۱۷:۱۴، ۴:۲۴، ۳۴:۲۷-۲۸؛ تث ۲۱: ۹-۲۷)؟ یک روایت یهودیان نتیجه می‌گیرد که موسی نویسنده این پنج کتاب بوده است، این روایت چه معنا دارد (ر.ک تث ۱۰:۳۴)؟

موسی

۳-۴۸: موسی در عهد قدیم شخصیتی محوری بوده و یهودیان او را به عنوان تأسیس کننده و نجات دهنده قوم برگزیده در نظر می‌گیرند، اما عیسی (یو ۵:۴۶) اعلام می‌کند که موسی درباره من نوشت (ر.ک ۲۴:۲۷-۴۷؛ عبر ۳:۱-۶)، تجربه قوم برگزیده در زمان خروج از مصر، در کلیسا و در ارتباط با زندگی کلیسا و زندگی شخص مسیحی چگونه خوانده شده است (عبر ۳:۷-۱۳، ۱۱:۲۳-۲۹، ۱۲:۱-۴)؟

یهودا

۱-۴۹: یهودا و شمعون دو قبیله در جنوب سرزمین موعود بودند (داور ۱:۱۷) که به احتمال قوی از ماوراء اردن دور نژده بلکه مستقیماً از جنوب وارد سرزمین موعود شدند. بنابراین، تاریخچه این دو قوم تا مدتی مستقل از تاریخچه قبایل دیگر بود (داور ۵: اعد ۱۴:۳۹، ۱:۲۱). چرا نویسندگان کتاب مقدس این قدر به قبیله یهودا اهمیت می‌دهند (پید ۸:۴۹-۱۲؛ میک ۵:۱-۳؛ ۱-سمو ۱۷:۱۲؛ ۲-سمو ۲:۴)؟ چرا و چگونه عهد جدید اهمیت این قبیله را یادآوری می‌کند (مت ۱:۲؛ عبر ۷:۱۴؛ مکا ۵:۵)؟

عمانوئیل

۱-۵۰: در زمان یوشع متن ۱۸ سؤال اول و در زمان ابراهیم (پید ۲۱:۲۲، ۲۸:۱۵) و به موسی (خروج ۳:۱۲) و نیز به کلیسا (مت ۲۸:۲۰؛ مکا ۳:۲۱) خدا خود را به عنوان «خدا با توس» معرفی می‌کند. چگونه این کلمه مختصر «با» یهوه را از خدای فیلسوفان و عالم متمایز می‌کند؟

پیروزی

۲-۵۰: درباره پیروزی یوشع چرا در بعضی از آیین‌های کلیساهای خاورمیانه این متن را در زمان شب عید رستاخیز می‌خوانند؟

تعمید

۱-۵۱: این متن و متن شماره ۳۰ چه ارتباطی با تعمید عیسی طبق یوحنا ۱:۲۸ و

۴۰:۱۰ دارد؟ و در ارتباط با این سه متن چه معنایی می توان درباره تعمیم عیسی درک نمود؟ آیا با معنی تعمیم ما ارتباط دارند؟

اردن

۵۱-۲: بعضی از پدران کلیسا - مثل مزمو ۱۱۴:۳ (رود اردن به عقب برگشت) در ارتباط با تعمیم عیسی می نویسند «رود اردن به سرچشمه خود برگشت» معنای مختلف این تعمق چیست؟ آیا این معنا به تعمیم ما ارتباط دارد؟

اریحا

۵۲-۱: خدا شهر اریحا را به دنبال مراسم مذهبی، همراه با صندوقچه عهد (داور ۲:۶-۴) و همراه با هلله (اع ۱۰:۵) داد (یوشع ۵:۱۳-۱۵). بنابراین هر چه در این شهر وجود داشته متعلق به خدا هستند و زندگان قربانی شده و ثروت ها به خیمه مقدس تقدیم شده است (داور ۷:۱۲؛ تث ۷:۱-۲، ۲۰:۱۳-۱۶؛ ۱ سمو ۱۵:۳)؛ ولی استثناهایی و علائمی از این وحشی گری یافت می شود (یوشع ۶:۲۲-۲۵، ۸:۲۶-۲۷؛ اعد ۳۱:۱۵-۲۳)؟ چگونه وحی درباره راز خدا تا آنجا خواهد رسید که او زندگی را دوست داشته و پدر همه حتی غیریهودیان می باشد (حزق ۱۸:۳۲، ۳۱:۱۱؛ مت ۵:۴۴-۴۵)؟ «زیرا خدا مرگ را به وجود نیاورد، از نیستی زندگان وی خوشنود نمی شود وی همه چیز را آفریده است تا پایدار باشند؛ آفریده های جهان برای سلامت مفیدند، در آنها هیچ زهر مرگ نیست و وادی مردگان بر زمین سلطه ندارد زیرا عدالت نامیراست» (حک ۱:۱۳-۱۵)، «اما ای سرور دوستدار زندگانی! تو همه چیز را مراعات می کنی زیرا همه چیز از آن توست» (حک ۱۱:۲۶).

بیگانگان

۵۳-۱: اهل جبعون بیگانگانی بودند که قوم برگزیده را پذیرایی کردند (یوشع ۹:۳-۲۷) بنابراین در این متن می بینیم که قوم برگزیده به صورتی عجیب با این بیگانگان رفتار خوبی داشته اند، این موضوع در عهد جدید چگونه توسعه می یابد (لو ۹:۵۲-۵۵، ۱۰:۳۳-۳۶؛ ۱ یو ۱:۱-۳)؟

اتحاد

۵۴-۱: خداوند، این پیمان اتحاد را مابین همه قبایل که عده ای از آنها در پای کوه سینا وجود نداشتند، می بندد. بدین معنی که همه فرزندان عهد شده اند در سطح کسانی

که در کوه سینا وجود داشته و در یک خون عهد بستند (خروج ۲۴:۶-۸). اتحاد کلیسا چگونه در خون عهد جدید بنا نهاده شده (مت ۲۶:۲۸) و چگونه شرط پیش روی این کاروان به سوی پادشاهی خدا و نیز شهادتش در خدمت دنیا می باشد (۱-قرن ۱:۱۰-۱۳؛ یو ۱۷:۲۱، ۱۳:۳۴، ۱۴:۱۹-۲۰؛ ۱-یو ۱:۱-۳)؟

تهذیب

۱-۵۵: تربیت خدا نسبت به قوم برگزیده با این متن شروع شده و تا زمان تبعید، دور از سرزمین موعود، دور از فردوس، ادامه خواهد یافت (پید ۳:۲۳-۲۴؛ ۱-پاد ۱۷:۱؛ ۱۸:۱۶-۱۹؛ تث ۱۱:۲۶-۲۸؛ ۲-پاد ۱۷:۳۸-۴۱؛ ۲-پاد ۱۰:۲۴-۱۶)، چگونه امروز همین نوع تربیت خدا در خدمت پاک کردن مسیحیان ادامه دارد (عبر ۱۲:۵-۱۳)؟

جنگ

۱-۵۶: امروز بالاخره فهمیدیم که هر گونه جنگی (متن ۹ سؤال دو) در هر موردی که باشد هیچ گاه مقدس نیست، چگونه می توان با این تأکید بر کتاب مقدس تعمق نمود (یع ۴:۱-۲؛ لو ۱:۷۹، ۲:۱۴، ۲۴:۳۶؛ مت ۵:۶، ۲۶:۵۶؛ مز ۳۷:۳۷؛ امث ۲۰:۲۰؛ اش ۲:۴، ۱۱:۵-۹، ۱۲:۲۶؛ زک ۹:۹-۱۰؛ هـ ۲:۲۰؛ اع ۱۰:۳۶؛ غلا ۵:۲۲؛ افس ۲:۱۴-۱۶)؟

بت

۱-۵۷: درباره بت پرستی ر. ک متن ۴۴ سؤال اول. بعل چه کسی بود (داور ۱۰:۶؛ ۱-پاد ۱۶:۳۱-۳۳؛ ۲-پاد ۱۰:۱۹-۲۳؛ ار ۷:۹؛ ۵:۱۹)؟ چرا پیامبران آنقدر بر ضد او مبارزه می کنند (۱-پاد ۱۸:۲۱؛ ۲-پاد ۱۰:۱۵-۲۷؛ هو ۲:۱۷)؟ اما آن چوب مقدس که نزد معبد بعل در زمین فرو رفته چیست (۱-پاد ۱۴:۲۳؛ اشیریم بت مؤنث، زن بعل ال و مادر بت های مختلف که با بت بایلی ها به اسم اشتارت زن بعل و اداره کننده خوشی های عشق و باروری می باشد، ۱-سمو ۷:۳؛ ۱-پاد ۱۱:۵؛ ۲-پاد ۲۳:۱۳)؟ در این هر دو مورد موضوع بت هایی است که باعث باروری می باشند، بنابراین نزد قوم های خانه نشین و کشاورز، هم چون در کنعان مورد پرستش می بودند، چرا این قدر مهم بود که مذبح بعل از بین برده شود و این چوب مقدس بریده شود با علم به این که مذبح پدر جبعون بوده و محل پرستش تمام اهل این شهر اسرائیلی می بود؟

بت

۲-۵۷: چگونه بت پرستی گاهی اوقات، امروز وسوسه ما می باشد (۱- قرن ۱۰: ۱۴؛
غلا ۵: ۲۰؛ کول ۵: ۳؛ افس ۵: ۵؛ ۱- پطر ۳: ۴؛ مکا ۸: ۲۱)؟

عمانوئیل

۳-۵۷: چگونه جدعون جرأت داشته زندگی خود را جهت از بین بردن بت ها و بر پا
کردن مجدد آیین یهوه در خطر بیندازد (داور ۶: ۲۵-۳۵)؟

مژده

۴-۵۷: چمژده ای که به جدعون داده شده چه ارتباطی با مژده دیگری که در عهد
جدید داده شده دارد؟ این دو مژده چه نکات مشابهی دارند؟ (داور ۶: ۱۱-۳۶ و ۲۴-
۴۰: ر. ک خروج ۴: ۱-۱۷؛ لو ۱: ۵۱-۵۲).

باقیمانده

۱-۵۸: با علم به این که ارتش جدعون بسیار ضعیف شد چگونه می توانید پیروزی او
را تفسیر نمایید (داور ۷: ۱-۸)؟ البته این اتفاق شروع موضوعی است که در زمان تبعید
بسیار مهم خواهد شد (۱- پاد ۱۹: ۱۵-۱۸؛ اش ۱۰: ۲۰-۲۲؛ ار ۳: ۲۳)؛ چگونه در عهد
جدید به این موضوع یعنی تعداد اندک و ضعیف اشاره شده است (لو ۱۲: ۳۲؛ ۱- قرن
۱: ۲۵-۲۹؛ ۲- قرن ۱۲: ۱۰؛ اع ۱: ۱۵، ۲: ۴۱، و ۴۷؛ روم ۵: ۱۱)؟ کاهش تعداد افراد
چگونه می تواند با بعضی از اوضاع کلیسای ما در ایران ارتباط داشته باشد؟

زاییدن

۱-۵۹: زندگی از خدا می آید و انتقال آن کار مقدس و برکت یافته ای است (پید
۱: ۲۸) بنابراین هر زن نازا خود را دور از یهوه می داند (امث ۳۰: ۱۶؛ پید ۱۱: ۳۰،
۱۱: ۲۵؛ ۱- سمو ۵: ۱-۶؛ مز ۹: ۱۱۳؛ لو ۷: ۱)، اما خدا به این زنان فیض بخشیده و
نجات دهنده ای برای آنان می فرستد. این موضوع در عهد جدید تا به کجا خواهد رسید؟
این موضوع چگونه با مجمع ایمان داران ارتباط می یابد (اش ۴۹: ۲۱؛ ۵۴: ۱؛
مر ۱۱: ۱۴؛ لو ۸: ۸؛ یو ۱۵: ۱۶)؟

روح خاموش شده

۱-۶۰: «کلام خدا کمتر شنیده می شود» (۱- سمو ۳: ۱) گویا به خاطر گناه قوم

برگزیده، روح القدس خاموش شده است، چگونه این موضوع نیز در عهد جدید معنایی نوین پیدا می‌کند (یو ۷:۳۹؛ اع ۲:۱۹، ۲:۱۷؛ ۱-تسا ۵:۱۹)؟

سرود مریم

۶۰-۲: سرود حنا مادر سموئیل (۱- سمو ۲:۱-۱۰) با سرود کدام مادر دیگری شباهت دارد؟ جمله‌های مشابه را در مقابل یکدیگر بنویسید.

زیتون، انجیر، تاک و شراب

۶۱-۱: درخت زیتون، انجیر و تاک: این درختان در فلسطین در آن زمان زیاد بودند و میوه آنها نشانه برکت خدایی است که باران را نازل کرد (هو ۱:۱۰؛ ۸)؛ تث ۷:۱۳، ۸-۷:۸؛ یول ۲:۱۹) زیتون، ر. ک متن ۱۷ سؤال دوم، برای غذا (تث ۲۸:۴۰) روغن زیتون برای غذا (۱- پاد ۱۷:۱۲-۱۶؛ ۲- پاد ۴:۴-۶؛ حزق ۱۶:۱۶)، جهت روشنایی (خروج ۳۵:۲۸؛ مت ۸:۲۵) برای آرایش زنان (عا ۶:۶؛ مز ۱۰۴:۱۵)، برای مسح کردن (خروج ۳۰:۲۲-۳۰، ۴۰:۹؛ ۱- سمو ۱۶:۱۳؛ مز ۴۵:۸(۷))، برای شفا دادن (اش ۱:۶؛ مر ۱۳:۶؛ لو ۱۰:۳۴؛ یع ۵:۱۴) و برای مراسم مذهبی (پید ۲۸:۱۸؛ خروج ۲۵:۶؛ اعداد ۴:۱۶؛ لاو ۲:۱۴-۱۶؛ حزق ۴۵:۲۵) به کار می‌رفت.

انجیر- درخت، (بنسی ۴۷:۱۳؛ میک ۴:۴؛ تث ۸:۸؛ یو ۴۸:۱) نشانه‌هایی از قوم برگزیده بود و میوه‌هایش جهت مصرف (۱- توا ۱۲:۴۰-۴۱)، جهت شفا (۲- پاد ۷:۲۰)، و نیز در مراسم مذهبی (ار ۱:۲۴) استفاده می‌شد. خشک شدن درخت انجیر نشانه بی‌ثمری، گناه و تبعید به دور از سرزمین موعود بود (هو ۲:۱۴؛ میک ۷:۱؛ ار ۸:۱۳؛ یون ۱:۷، ۱۲؛ حب ۳:۱۷؛ مت ۲۱:۱۹).

تاک، نشانه‌ای از قوم برگزیده (مز ۸۰:۹-۱۷؛ هو ۱۰:۱؛ اش ۵:۱-۷؛ ۲۷:۲-۳؛ حزق ۱۷:۲۰؛ ۱-۸؛ ۲۱:۳۳-۴۱؛ یو ۱۵:۱-۵).

نشانه‌ای از برکات خدا (پید ۲۷:۲۸؛ عا ۹:۱۴؛ مز ۱۲۸:۳؛ اش ۲۵:۶، ۵۵:۱، ۶۵:۲۱؛ تث ۶:۱۱، ۷:۱۳، ۸-۷:۸؛ ۲- پاد ۱۹:۲۹-۳۱؛ یول ۲:۲۲؛ غزل ۱:۶، ۸-۱۱:۱۲).

شراب، سرچشمه خوشحالی (اش ۲۵:۶؛ مز ۴:۷، ۱۰۴:۱۵؛ غزل ۱:۲-۴، ۴:۱۰؛ اش ۵:۲۲، ۱۲؛ زک ۱۰:۷؛ مت ۲۶:۲۹؛ یو ۲:۹-۱۰).

شراب، نمادی از روح القدس است (۱- سمو ۱: ۱۲-۱۵؛ افس ۵: ۱۸؛ اع ۲: ۱۳).

شراب در مراسم مذهبی استفاده می شد (پید ۱۴: ۱۸؛ خروج ۲۳: ۱۱؛ اعدا ۱۵: ۱۰، ۱۸: ۲۲؛ تث ۱۲: ۱۷-۱۸؛ مت ۲۶: ۲۷).

اتمام شراب نشانه ای از گناه و تبعید (اعد ۲۰: ۵؛ ۱- پاد ۲۱: ۱-۷؛ هو ۲: ۱۳-۱۴ (۱۲-۱۳)؛ عا ۴: ۷-۹؛ ۵: ۱۶-۱۷؛ اش ۳: ۱۴-۱۵، ۵: ۱۰، ۱۶: ۷-۱۰، ۲۴: ۷-۱۳؛ تث ۲۸: ۳۹ و ۴۷ و ۳۰-۵۷؛ ار ۵: ۱۷، ۱۲: ۱۰؛ حزق ۱۹: ۱۰-۱۴؛ نح ۵: ۳-۱۵؛ یو ۲: ۳).

خطر زیاده روی در مصرف شراب (پید ۹: ۲۱؛ ۲- سمو ۱۳: ۲۸؛ مز ۶۰: ۵ (۳)؛ امث ۲۳: ۲۰، ۳۱: ۴؛ مکا ۱۷: ۲). «شراب و زن مایه گمراهی مرد هوشمند است، و بی شرم آن که دل به روسپی می بندد» (بنسی ۱۹: ۲).

خودداری به خاطر خطر (اعد ۳: ۶؛ داور ۱۳: ۱۴؛ ار ۳۵: ۱-۱۱؛ لاو ۱۰: ۹؛ لو ۱۵: ۱، ۳۳: ۷؛ روم ۱۴: ۲۱).

نشانگر خشم و رنج (اش ۲۹: ۹؛ ۵۱: ۲۱، ۱۷-۲۲؛ ار ۲۵: ۱۵؛ مز ۵۹ (۵۹) ۶۰: ۵؛ مت ۲۰: ۲۲-۲۶، ۲۳: ۳۹؛ مکا ۱۴: ۸-۱۰، ۱۶: ۱۹، ۱۵: ۱۹).

سرکه: (اش ۲: ۴؛ مز ۶۹: ۲۱؛ یو ۱۹: ۲۹-۳۰).

بوته خاردار: بی ثمر و خطرناک (پید ۳: ۱۷؛ ۲- سمو ۲۳: ۶؛ اش ۷: ۲۴؛ ار ۳: ۴؛ حزق ۲۸: ۲۴؛ امث ۱۵: ۱۹؛ لو ۶: ۴۴؛ مت ۱۳: ۷؛ ۲۷: ۲۹).

الف: در نتیجه می توان گفت عنصری از خلقت و نکاتی از زندگی انسان که هیچ گونه نشانه ای از زندگی روحانی نداشته باشد.

ب: عیسی جهت دادن رازها به کلیسا چه عناصری را انتخاب کرد.

ایمان

۱-۶۲: «مثل امت های دیگر» (۱- سمو ۸: ۲۰)، چگونه می توان جواب یهوه را توضیح داد که گفت: «تو را ترک نکردند بلکه من را» (۱- سمو ۷: ۷)؟ چه ارتباطی دارد با جواب کاهنان بزرگ به پیلاتس که گفتند: «هیچ پادشاهی جز قیصر نداریم»؟

پادشاه

۶۲-۲: در این متن مابین انتقاد بر ضد پادشاهی و انتقادات متعددی در طول تاریخ چه ارتباطی وجود دارد (۱- پاد ۱۱: ۱۰-۱۴، ۱۲، ۱۳، ۱۶: ۲۹ و ۳۳؛ حزق ۳۴؛ دان ۷: ۱۰: ۱۰-۱۷، ۱۳: ۱-۷۱؛ ۱- بطر ۵: ۱-۴؛ مکا ۱۳: ۱-۱۰).

پادشاه

۶۳-۱: چه ارتباطی مابین چگونگی برقرار ساختن داوران و پادشاهی شائول (۱- پاد: ۱- سمو ۱۰: ۱، ۱۱: ۴) و سلیمان (۱- پاد ۲: ۲۱-۴۰) و هم چنین پادشاهان (۱ سمو ۱۶: ۱-۱۳؛ ۲- سمو ۲: ۴، ۵: ۱۰) بعدی وجود دارد؟ چه تفاوت‌هایی در برقراری داوران و پادشاهان می بینید؟

نجات دهنده

۶۳-۲: طبق عادت خود، خدا بیچارگی قوم خویش را می بیند و نجات دهنده‌ای انتخاب کرده و می فرستد (۱- سمو ۹: ۱۶؛ خروج ۳: ۷-۱۲؛ اع ۷: ۴؛ مت ۹: ۱۰، ۳۶؛ اع ۱۸: ۱۰). امروز در کشور ما چگونه می باشد؟

فروتنی

۶۳-۳: خدا همیشه شخص کوچک تر و ضعیف تر را انتخاب می کند: (۱- سمو ۲: ۸، ۹: ۲۱؛ ۲- سمو ۳: ۱۸؛ داور ۶: ۱۵؛ مز ۳۵: ۱۰؛ ۱- قرن ۱۵: ۹؛ ۲- قرن ۱۲: ۹؛ لو ۴۶: ۵۵). چرا؟ ر.ک تث ۴: ۳۸، ۷: ۷، ۹: ۱-۵، ۱۱: ۲۲-۲۳؛ ۱- سمو ۱۷: ۴۰-۴۷؛ ۱ قرن ۱: ۲۵؛ ۲- قرن ۱۲: ۷).

پیروزی

۶۴-۱: ابتدا متونی که در تفسیر متن ارائه شده است مخصوصاً ۱- سمو ۱۷: ۱-۱۸ را مطالعه کنید. پیروزی داود جوان بر جلیات غول بیکر با عهد جدید چگونه ارتباط می یابد (مت ۴: ۱-۱۱؛ ۲- قرن ۱۰: ۳-۴؛ ۱- تسا ۵: ۸؛ افس ۶: ۱۰-۱۸؛ ۱- یو ۵: ۴؛ مکا ۲: ۸-۱۱)؟

جادوگری

۶۵-۱: جن گیری، فالگیری و جادوگری یا کوشش جهت ارتباط با مردگان گاهی اوقات توسط اسرائیلیان انجام می گرفت (۲- پاد ۲۱: ۶؛ اش ۸: ۱۹) ولی در قوم برگزیده این کار ممنوع بوده (لاو ۱۹: ۳۱، ۲۰: ۲۷ و ۲۷: ۲۰؛ تث ۱۸: ۱۱) و شائول آن را نیز ممنوع کرد (۱- سمو ۲۸: ۹). چرا ممنوع بوده؟ آیا می دانیم وقتی که مردگان را می طلبیم

می دانیم چه کسی جواب می دهد؟ آیا خدا توسط یکتا پسر خویش تمام چیزهایی را که جهت نجات ما لازم بود بر ما مکشوف نکرد که به دنبال چیزهای دیگر برویم؟ این رفتار شائول پادشاه او را به چه احساساتی می رساند (۱- سمو ۲۸:۲۰، ۳۱:۴)؟

پادشاه

۱-۶۶: چرا داود، مرگ دشمنش شائول را ماتم می گیرد؟ چرا قبلاً نخواست او را بکشد (۱- سمو ۲۴، ۲۶؛ ۲- سمو ۱:۱۴)؟

حبرون

۱-۶۷: چرا شهر حبرون برای قوم برگزیده این قدر اهمیت دارد؟ (بید ۱۳:۱۸، ۲۳:۱۷-۲۰، ۲۷:۳۵)؟

پادشاه

۲-۶۷: چرا می بایست داود به عنوان پادشاه مسح شود (۲- سمو ۲:۴، ۳:۵ ر.ک تث ۱۷:۱۵)؟

توضیحات و یادآوری: به احتمال زیاد قبایل شمال سرزمین موعود، تجربیات خروج را نداشتند و با قبایل جنوبی توسط ایمان آوردن به یهوه (متن ۵۴) اتحاد پیدا می کنند و هر دوازده قبایل در شهر شکیم که ما بین قبایل شمالی (اسرائیل) و قبایل جنوبی (یهودا) واقع شده بود با هم عهد می بندند. باید یادآوری کرد که در برکات یعقوب قبیله یهودا (جنوبی) اهمیت خاصی داشته (متن ۲۴). ارتباط مابین قبایل شمال و جنوب موقتی خواهد بود (متن ۸۰ و ۸۶) و به تفرقه و گاهی اوقات به جنگ متقابل تا فتح کردن و از میان رفتن پایتخت شمالی شهر سامری می انجامد (متن ۱۲۹ و ۱۳۰). بنابراین چگونه اتحاد کلیسا پایه گذاری شد (مت ۲۳:۳۷؛ یو ۱۰:۱۴-۱۶، ۱۱:۵۲، ۱۷:۱۹-۲۳؛ افس ۲:۱۴-۱۶، ۴:۳-۵؛ کول ۳:۱۱-۱۵؛ روم ۱۲:۴-۵؛ ۱- قرن ۱:۱۰، ۱۲:۱۱)؟
 فرق مابین اتحاد و گسستگی میان قوم عهد قدیم و قوم عهد جدید که توسط عیسی برپا گردیده است چیست؟

فروتنی

۱-۶۸: ۲- سمو ۶:۱۴-۲۰، ۱۶:۲۳؛ داود پادشاهی بزرگ و فروتن بود (۱- سمو ۱۶:۱۱-۱۳؛ ۲- سمو ۵:۱۶-۱۳، ۱۹:۱۶-۲۴) ولی فروتنی او با فروتنی مسیح چه فرقی دارد (۱- پاد ۸:۱-۳۸، ۹؛ ۲- سمو ۲۲؛ ر.ک اش ۱۱:۶۲؛ زک ۹:۹؛ مت ۵:۲۱-۹)؟

صندوقچه عهد

۱-۶۹: صندوقچه عهد، نشانگر حضور خدا در اورشلیم بود (لو ۱: ۸-۱۱، ۲: ۴۹) چه شد که عیسی از اورشلیم اخراج گردید (مت ۲۷: ۳۳-۳۴؛ عبر ۱۳: ۱۲)؟ این واقعه برای ما در این دنیا چه نتیجه ای دارد (مکا ۱: ۲۱-۲۲)؟

کهان

۱-۷۰: متون ارجاع شده در تفسیر متن را مطالعه کنید، این متون چه ارتباطی با اصطلاح (قوم کاهنان) در خروج ۱۹: ۶ دارد؟ امروز این اصطلاح چه معنایی دارد (۱- پطرس ۲: ۵ و ۹؛ مکا ۱: ۶، ۵: ۱۰، ۲۰: ۶)؟

مسیح

۱-۷۱: عیسی، پسر داود نامیده می شد (مت ۱: ۱، ۹: ۲۷، ۱۵: ۲۲، ۲۰: ۳۰-۳۱، ۲۱: ۹...) چرا هرگاه رسولان او را به عنوان مسیح خداوند معرفی می کنند عیسی آن را مکرراً رد می کند (مت ۱۶: ۲۰)؟

مسیح پادشاه

۲-۷۱: چه موقع عیسی به عنوان مسیح، پادشاه ازلی بر کرسی خواهد نشست (یوحنا ۱۲: ۳۲، ۲۲، ۱۸: ۳۷، ۱۹: ۱۳-۱۸؛ اع ۱: ۶-۹؛ عبر ۱: ۵-۱۴، ۲: ۹؛ مکا ۱: ۵-۶، ۳: ۱۵، ۱۷: ۱۴، ۱۹: ۱۶)؟

بخشش

۱-۷۲: آیا می توانیم مزمور ۵۱ را به عنوان طلب بخشش داود بخوانیم؟ چرا تنها قربانی واقعی، قلب شکسته بدون هیچ ادعا و تکبر است؟ و چرا این نوع قربانی به معنی قربانی در معبد پذیرفته خواهد شد (مز ۵۱: ۱۸-۱۹)؟

تن گیری

۲-۷۲: چه شد که پسر خدا وقتی تن گرفت انسان هایی را انتخاب می کند که این قدر هم بی گناه نبودند (مت ۱: ۶)؟ در شجره نامه عیسی نام گناهکاران را بنویسید، کدام یک از آنها بی گناه بود؟

۱-۷۳: در تفسیر متن یک سؤال مطرح شده به آن جواب دهید.

پادشاه

۷۴-۱: با سلطنت داود پادشاهی در اسرائیل موروثی می شود و ناتان نبی وعده خداوند درباره این موضوع را به داود یادآوری می کند. چرا در این موقعیت دخالت یک نبی مهم بود؟

صهیون

۷۴-۲: چرا سرچشمه صهیون برای شهر اورشلیم این قدر مهم بود (۲- سمو ۵: ۶-۹؛ اش ۷: ۳، ۲۲: ۱۰-۱۱)؟ آیا در انجیل یوحنا (۷: ۳۷-۳۸) در زمان عید خیمه ها اشاره ای به این چشمه شده است؟

بت

۷۵-۱: علاوه بر مزمور ۱۳۲ به مزمور ۸۹ و ۱۱۰ رجوع کنید: چرا در تاریخچه قوم برگزیده گناه بت پرستی وعده خدا را به زیر سؤال برده و باعث تبعید قوم خواهد شد (مز ۸۹: ۳۹-۵۲؛ ۲- سمو ۷: ۱۴-۱۶؛ ۲- پاد ۲۴: ۱۵-۱۷، ۲۷: ۲۵، ۷-۳۰)؟ آیا موضوع بت پرستی در عهد جدید مطرح شده است (مت ۲۲: ۴۴؛ اع ۲: ۳۴-۳۵؛ عبر ۱: ۱۳، ۱۰: ۱۲؛ ۱- پطر ۳: ۲۲)؟

قلب

۷۶-۱: طبق ۱- پاد ۳: ۹ (پس به بنده خود دل فهیم عطا فرما ... تا در میان نیک و بد تمیز کنم) باید ما بین نیکی و بدی تشخیص داد نه اینکه تصمیم گرفت. این متن با پید ۳: ۵ چه تفاوتی دارد؟ این حکمت سلیمان را چگونه می توان درک کرد (تث ۴: ۱، ۵: ۱، ۶: ۱-۴، ۷: ۹؛ امث ۲: ۶-۹ و متن ۴۰۲ کتاب)؟

معبد

۷۷-۱: معبد اورشلیم معماری بسیار زیبایی داشت که معنایی عمیق دارد (۱- پاد ۷: ۱۰-۱۱؛ تث ۴: ۷؛ یو ۲: ۱۶) اما کدام نکات مبهم و خطرناک داشته است (۲- سمو ۷: ۶-۷؛ ۱- پاد ۹: ۱-۹؛ ار ۷: ۱-۱۵، ۲۶: ۴-۶؛ اش ۶۶: ۱؛ حزق ۱۱: ۲۳؛ مت ۲: ۳۸؛ یو ۴: ۲۰-۲۴؛ مکا ۲۱: ۲۲)؟

۷۸-۱: این متن را با متن شماره ۳۳ مقایسه کرده نکات مشابه را بنویسید همان گونه که در تفسیر نوشته شده.

ازدواج

۱-۷۹: در ارتباط با ازدواج با غیراسرائیلی‌ها چگونه قوم برگزیده کوشش کردند با اجرای قوانین، خطر آن را محدود سازند (خروج ۳۴:۱۵-۱۶؛ عز ۹-۱۰؛ بنسی ۴۷:۱۸-۲۲)؟ پولس این مسئله را چگونه در نظر گرفت (۱-قرن ۷:۱۲-۱۶)؟ امروز راهنمایی‌های کلیسا در این باره چیست؟

تکبر

۱-۸۶: تکبر و قدرت نمایی پادشاه که سموئیل نبی آن را از قبل اعلام کرده بود (متن ۶۲) چگونه باعث تفرقه در قوم برگزیده هم از دیدگاه سیاسی (۱-پاد ۱۲:۲۰-۲۴) و هم از لحاظ دینی (۱-پاد ۱۲:۲۶-۳۳) شده است؟ رفتار عیسی چگونه بود (یو ۱:۱۰-۱۸، ۱۳:۱-۲۰)؟ در این مورد تجربه شاگردانش چه بود (مت ۱۸:۱-۵، ۲۰:۲۰-۲۷)؟

پیامبر

۱-۸۷: از زمان موسی تا یحیی پیامبران در خدمت چه کسی عمل می‌کردند (۱-سمو ۱:۳-۵؛ ۱-پاد ۱۱:۲۵-۳۹، ۱۴:۱-۱۸)؟ دو مرد خدایی (۱-پاد ۱۳:۱-۳۲)، شمععیای نبی (۱-پاد ۱۲:۲۱-۲۴، ۱۴:۲۵-۲۸)، عزریای نبی (۲-توا ۱۵:۱-۷)، حنانی نبی (۲-توا ۷-۱۰)، بیهو (۱-پاد ۱۶:۱-۷ و ۳، ۱۶:۱۲؛ ۲-توا ۱۹:۲، ۲۰:۳۴)، میکای نبی (نه آن نبی نویسنده در قرن هفتم) (۱-پاد ۲۲:۵-۲۸)، دو نبی گمنام در زمان پادشاه آخاب (۱-پاد ۲۰:۱۳-۱۵، ۲۰:۳۵ و ۲۸ و ۲۲-۴۳)، یحزئیل (۲-توا ۲۰:۱۴-۱۷)، و العازر (۲-توا ۳۷:۲۰) در خدمت چه کسی عمل می‌کنند؟

آیا این دوازده نبی در طول ۷۵ سال به مأموریت سموئیل ادامه دادند؟

گناه

۱-۸۸: این گناه آخاب که از سال (۸۷۴ تا ۸۳۳) پادشاه اسرائیل بود (۱-پاد ۱۶:۳۰-۳۳، ۲۱:۱-۲۹) چرا عمیق‌تر از گناهان پادشاهان پیشین اسرائیل: یربعام (۱-پاد ۱۲:۲۸-۳۸)، ناداب (۱-پاد ۱۵:۲۵)، بعشا (۱-پاد ۱۵:۳۴)، زمری (۱-پاد ۱۶:۱۲-۱۳)، عمری (۱-پاد ۱۶:۲۵-۲۶) بوده است؟ این نوع گناه آخاب به صورت بندگردان از زمان پادشاهی آخاب تا فتح شهر سامری در سال ۷۲۱ تکرار شده است (۱-پاد ۲۱:۲۱، ۲۲:۵۳؛ ۲-پاد ۳:۳-۲، ۹:۹، ۱۰:۲۸-۳۱، ۱۳:۲-۶...؛ ۲-پاد ۱۷:۵-۱۲)؟

منا

۱-۸۹: ۱-پاد ۱۷:۲-۶: در تجربیات قبلی قوم برگزیده کدام اتفاق ما را وادار می‌کند که آن را به غذایی که جهت لباس توسط کلاغ آورده می‌شد مرتبط سازیم؟ لباس

در آن زمان از نظر جغرافیایی در کجا زندگی می کرد و بعد به کدام کشور رفت؟ آیا برای یک نبی قوم خدا این مسافرت تعجب آور نیست؟ چه ارتباطی با مسافرت های عیسی بیرون از سرزمین موعود دارد؟

رستاخیز

۸۹-۲: ۱- پاد ۱۷: ۱۷-۲۴: چرا این معجزه استثنایی بود و به کدام معجزات عیسی می توان ارتباط داد؟

جدا کردن

۹۰-۱: الیاس، پیامبران بت پرستان را از ایمان داران قوم برگزیده جدا می کند، چرا این کلمه جدا کردن ما را وادار می کند که به داوری خدا فکر کنیم (مت ۱۳: ۴۹، ۲۵: ۳۱-۳۲؛ لو ۱۲: ۵۱-۵۳؛ یو ۷: ۴۳، ۹: ۱۶، ۱۰: ۱۹؛ ۱- قرن ۱۱: ۱۹؛ پید ۱: ۴-۱۸؛ مز ۱۳۶: ۱۳؛ یوشع ۴: ۷)؟

برکت

۹۰-۲: چرا در زمان الیاس قحط سالی شده بود؟ و چرا بعد از این داوری دوباره باران می آید؟

۹۱-۱: متونی که در تفسیر متن ارائه شده است را با دقت مطالعه کنید.

امید

۹۱-۲: در زندگی عیسی آیا موقعیتی هم چون خستگی کامل الیاس پیش آمد؟

مأموریت

۹۱-۳: «به همان راه برگشت» این جمله چرا با موسی ارتباط دارد (خروج ۲: ۱۵؛ ۳: ۱۰-۱۱)؟ چگونه مأموریتی که خدا به الیاس داد به انجام خواهد رسید؟ حزائیل: (۲- پاد ۷: ۸-۱۵)، بیهو (۲- پاد ۹: ۱-۳)، اشعیا (۱- پاد ۱۹: ۱۹-۲۹)؟ چرا الیاس دو مأموریت اولیه را انجام نداد؟ چرا این دو مأموریت نسبت به مأموریت های انبیای پیشین کاملاً جدید بودند (ر.ک متن ۸۸ و سؤال مربوطه)؟ چه ارتباطی دارد با مأموریتی که عیسی به رسولانش واگذار کرد (مت ۱۹: ۲۸-۲۰؛ یو ۲۰: ۲۱-۲۱؛ اع ۸: ۱)؟

پیامبر

۹۲-۱: چگونه این متن می تواند ما را وادار کند که به دیگر پیامبران نیز فکر کنیم

ناتان نبی: ۲- سمو ۱۲: ۱-۱۵؛ عا ۳: ۹-۱۲؛ اش ۳: ۱۶-۲۴، ۳۲: ۹-۱۴؛ لو ۳: ۷-۱۴؛ یح ۲: ۱-۶، ۴: ۵ و ۶-۱۳)؟

۱-۹۳: متونی که در تفسیر ارائه شده را مطالعه کنید.

شبان

۲-۹۳: ۱- پاد ۲۲: ۱۷: «تمام اسرائیل را مثل گله ای که شبان ندارد بر کوه ها پراکنده دیدم» چگونه عیسی قوم خود را اینگونه دید (مر ۶: ۳۴) و چگونه چنین اوضاعی سبب گردید که عیسی درباره مرگ و رستاخیزش صحبت کند (مر ۱۴: ۲۷؛ یو ۱۰: ۱۶ و ۱۱)؟

مأموریت

۱-۹۴: جهت متون ارائه شده در تفسیر، لو ۹: ۵۷-۶۲ را اضافه کنید و به سؤال مطرح شده جواب دهید. منتقل ساختن مأموریت الیاس چه ارتباطی به الیشع دارد (۲- پاد ۹: ۲؛ یو ۲۰: ۲۱-۲۲؛ مت ۲۸: ۱۸-۲۰)؟

صعود

۱-۹۵: چگونه ربوده شدن و رفتار الیشع سرود مسیح و رفتار رسولان را آماده می سازد (اع ۱: ۶-۱۱)؟

یحیی

۲-۹۵: آن الیاسی که می بایست برگردد کیست (بنسی ۴۸: ۱-۱۱؛ مت ۱۷: ۱-۱۳؛ ۱۱: ۷-۱۴؛ مر ۹: ۲-۱۳؛ یو ۱: ۲۱)؟ و رفتار مسیح چه شباهتی به رفتار الیاس دارد (لو ۷: ۱۱-۱۷؛ مت ۱۶: ۱۴ و غیره)؟

تجلی

۳-۹۵: با در نظر گرفتن تمام مأموریت الیاس، چرا او بود که با موسی بر کوه تجلی ظاهر شد (ر.ک متن ۸۷ سؤال اول)؟

تعمید

۱-۹۶: پدران کلیسا در شفا یافتن نعمان، فرمانده ارتش پادشاهی دمشق که مکرراً با اسرائیل در جنگ بود، اشاره ای به تعمید ما دیده اند چرا؟ مگر ما جذامی بودیم؟ مگر ما قبلاً با قوم خدا دشمنی داشتیم؟ نعمان در کدام رودخانه تطهیر شده؟ آیا با تعمید عیسی ارتباط دارد؟

بت

۹۶-۲: چرا نعمان بعد از ایمان آوردن به یهوه خواست کمی از خاک سرزمین مقدس را به دمشق ببرد (۲- پاد ۵: ۱۷)؟ آیا ما می توانیم در معبد غیرمسیحیان با مسیح دعا کنیم (یو ۴: ۴-۲۱)؟

امت ها

۹۷-۱: علاوه بر این متن، ۲- پاد ۸: ۷-۱۲ را بخوانید. مأموریتی که خدا به الیاس واگذار کرده بود (۱- پاد ۱۹: ۱۵) این گونه در قلمرو بت پرستان به انجام رسید و این اولین بار است که پیامبری از بنی اسرائیل بیرون از سرزمین موعود این گونه دخالت می کند. آیامأموریت الیاس، که در زمان تبعید، خدا امت های بت پرست را به سوی قوم برگزیده فرستاده تا آنها را از بت پرستی تطهیر کنند، بدین سان افتتاح شده است (اش ۵: ۲۶-۳۰؛ ار ۵: ۱-۱۹، ۸: ۲۵-۱۳)؟ آیا عیسی به قوم برگزیده اتفاقات مشابه را از پیش اعلام کرده بود (مت ۱: ۲۴-۱۵ و ۲: ۲۵، ۲۷: ۵۱-۵۴)؟

لعنت

۹۸-۱: عاموس نبی در چه زمانی و در کجا زندگی می کرد؟ به چه کسی بدبختی و لعنت را اعلام می کرد (ر. ک حزق ۳۴: ۱-۱۰)؟ عیسی در چه موقعیتی چنین بدبختی را اعلام کرده و به چه کسانی؟

باقیمانده

۹۹-۱: عاموسی نبی برای بار اول آشکارا برای موضوع «باقی مانده با وفا» صحبت می کند (ر. ک متن ۶۳ سؤال سوم)، باقی مانده ای که در تجربیات تبعید نجات خواهد یافت (عا ۳: ۱۲، ۸: ۹-۱۰؛ اش ۴: ۳، ۶: ۱۳ و غیره؛ میک ۴: ۷؛ حزق ۶: ۷-۸). آن ریشه که جهت اسرائیل نوین رشد خواهد کرد کیست (اش ۱۱: ۱، ۱۰؛ روم ۹-۱۱)؟

روز خداوند

۱۰۰-۱: عاموس ۸: ۹، ر. ک به متن ۱۰۱: کدام روز در اینجا مطرح است؟ طبق انجیل در چه موقعی این اتفاق به وقوع خواهد پیوست؟

پیامبر

۱۰۰-۲: عاموس ۸: ۱۱: چون کلام خدا پذیرفته نمی شود خدا در سایه خواهد ماند: دیگر پیامبری نیست (مز ۷۴: ۹). در چه موقعیتی عیسی به بی ایمانان قوم خویش چنین اوضاع مشابه را اعلام کرده است (مت ۲۳: ۳۹)؟

روز خداوند

۱-۱۰۱: روز یهوه (صف ۱:۱۵؛ حزق ۲۲:۲۴؛ مر ۲۱:۲۲) قبل از ایام تبعید چگونه توصیف شده است (عا ۲:۱۶؛ اش ۲:۶-۲۱؛ ار ۳۰:۵-۷)؟ و در ایام تبعید چگونه همان ایام توصیف شده است (اش ۱۱:۱۱، ۲۶:۳۰ و غیره)؟ و بعد از تبعید چه معنی پیدا می‌کند (ملا ۳:۱۹-۲۳؛ ایوب ۲۱:۳۰؛ اش ۲۶:۲۰-۲۱، ۳۳:۱۰-۱۶)؟ علائم اعلام کننده این روز یهوه چیست (اش ۲:۱۰؛ ار ۴:۲۳؛ حزق ۷:۳۲-۸)؟ در چه موقعیتی عیسی چنین روزی را همراه با علائم مشابه اعلام کرده است (مت ۲۴:۲۹، ۴۵:۲۷، ۵۱-۵۲، ر. ک ۱- قرن ۸:۱؛ مکا ۶:۱۲-۱۴)؟

پیامبر

۱-۱۰۲: عا ۲:۳: دخالت یهوه در میان انسان‌ها آیا برای برکت دادن است یا تنبیه کردن (عا ۲:۱۲)؟ بنی اسرائیل به انبیا فرمان دادند «دیگر نبوت نکنید» چرا اغلب انبیا به خاموشی وارد می‌شدند (عا ۷:۱۲-۱۳؛ اش ۳۰:۱۰؛ ار ۱۱:۲۱؛ ۱-پاد ۲۲:۸ و ۲۷، ر. ک متن شماره ۱۰۰)؟ آیا در زمان عیسی چنین عکس‌العملی وجود داشته (لو ۳:۱۹-۲۰؛ مت ۵:۱۱-۱۲، ۱۰:۱۷-۲۵، ۲۳:۲۹-۳۵)؟ و امروز نیز چگونه می‌باشد (مت ۲۳:۳۴، ۱۰:۲۱-۲۳؛ مکا ۱۶:۶، ۱۸:۲۴)؟

لعنت

۱-۱۰۳: قحط سالی، خشکی، طاعون، جنگ: آیا عیسی چنین تهدیدی را اعلام نمود؟ بر ضد چه کسی (مت ۲۰:۱۱-۲۴؛ مکا ۷:۱۱)؟

غربال

۱-۱۰۴: بذر غربال شده: در کدام متن عهد جدید چنین مثلی آورده شده؟ درباره چه اتفاقی (مت ۳:۱۲؛ مکا ۱۴:۱۵-۱۶، ۱۸:۹-۱۰)؟

عبادت

۱-۱۰۵: پیامبران اغلب برضد عبادت بیرونی که آیین‌هایش باعث فراموش کردن عدالت و محبت به هم‌نوعان می‌باشد عکس‌العمل نشان داده‌اند (اش ۱۰:۱-۱۶، ۲۹:۱۳-۱۴، ۵۸:۱-۸؛ ار ۶:۲۰ و غیره). آیا در عهد جدید انتقادی مشابه را می‌یابیم (مت ۲۱:۲۳، ۲۳:۹؛ یو ۴:۲۱-۲۴؛ عبر ۱۰:۱-۱۰؛ مکا ۲۱:۲۷)؟

مبارزه

۱-۱۰۶: همان‌طور که در تفسیر گفته شده است اختلاف مابین عیسی و کاهنان

بزرگ را مطالعه نمایید، دلایل این اختلافات چه بود (یو:۵-۱۷-۴۷ و ۳۶؛ ۸:۳۱-۴۷، ۹:۳۹-۴۱، ۱۰:۳۱-۳۹، ۱۱:۴۶-۵۰؛ ر.ک اع ۴:۱۹-۲۰)؟

۱-۱۰۷: هوشع نبی مأموریتش را در چه زمان و در کجا انجام داد (هو:۱)؟

تاک و شبان

۱-۱۰۹: در کدام متون از عهد جدید اشاره به تاک (متن ۶۱ سؤال ۱) و شبان شده است (اش ۳۴)؟

بت

۱-۱۱۰: اگر بی وفایی به عهد ازدواج نمونه‌ای از بت پرستی است، چرا بی وفایی قوم نسبت به عهد یهوه روسپیگری و زنا نامیده می‌شود (اش ۵۷:۳؛ ار ۳:۸-۹، ۷:۵، ۲۳:۱۰؛ حزق ۲۳:۳۷؛ مت ۱۶:۴؛ مکا ۱۷:۱-۷)؟ با این دیدگاه و تعمق، رفتار عیسی نسبت به زنان گناهکار چه معنایی دارد (یو ۴:۱-۲۰، ۸:۳-۴؛ لو ۷:۳۷-۵۰)؟

ازدواج

۱-۱۱۱: اگر ازدواج مسیحی نمودار عهد خداوند با قوم (افس ۵:۲۱-۳۲) می‌باشد بنابراین آیا طلاق هم مابین عیسی و ما گناهکاران (یو ۳:۲۹؛ مکا ۲۱:۹-۱۱) و هم ما بین زوج مسیحی امکان پذیر است؟ هم چنین در این متن آیا غیر از بخشش و از نو شروع کردن راه حلی وجود دارد؟

۱-۱۱۲: در تفسیر متن ارجاعات و سؤال‌ها را مطالعه نموده و به سؤال‌ها جواب دهید و هم چنین هوشع ۲:۱۱ و مت ۲:۱۵ را به این متون اضافه کنید.

اعتراف

۱-۱۱۳: متن عا ۲:۶، در ارتباط با ۱-قرن ۴:۱۵ و لو ۷:۲۴ چه معنایی می‌یابد؟ آیا در زندگی کلیسا اعتراف به گناهان (عا ۶:۱-۳) بدون کوشش جهت دگرگونی زندگی (عا ۶:۴-۶) معنی دارد؟

آتش

۱-۱۱۴: آتش: چرا اشعیا مثل قبل با آب پاک نشده است (اع ۸:۲۱، ۷، ۱۹:۱۲-۱۳، ۲۲:۳۱-۲۳؛ ۲-پاد ۵:۸-۱۴؛ مت ۲:۱۵؛ یو ۶:۲)؟ استفاده و معنای آتش در زندگی معمولی چیست؟ آتش در کتاب مقدس:

† نشان‌گر حضور خدا مخصوصاً در رعد و برق: (پید ۱۷:۱۵؛ خروج ۲:۳، ۱۸:۱۹، ۳۸:۴۰؛ حزق ۱:۴؛ مز ۱۸:۸-۱۵، ۷:۲۹، ۹۷:۳-۴؛ دان ۹:۷-۱۰؛ مکا ۴:۵).

† نور می‌دهد: (خروج ۲۷:۲۰-۲۱؛ اعد ۲:۸؛ سمو ۲۲:۲۹؛ زک ۴:۲؛ ار ۲۹:۲۳).

† محافظت و رهبری می‌کند: (خروج ۱۳:۲۱-۲۲، ۲۴:۱۴؛ تث ۱:۳۳).

† گرم می‌کند و هم چون محبت می‌سوزاند: (غزل ۶:۲؛ تث ۲۴:۴، ۹:۵، ۲۱:۳۲؛ ار ۹:۲۰؛ دان ۳:۲۳-۳۴؛ لو ۱۲:۴۹؛ اع ۲:۱۰-۱۰؛ عبر ۱۲:۲۹).

† یادآوری از اتفاقات گذشته: (۲- سمو ۷:۱۴، ۱۷:۲۱؛ ۱- پاد ۱۱:۳۵، ۴:۱۵؛ ۲- پاد ۸:۱۹).

† پاک می‌کند: (اعد ۳۱:۲۱-۲۳؛ اش ۶:۶-۷، ۲۵:۱، ۴۸:۱۰؛ ار ۲۹:۶؛ ملا ۳:۳؛ مز ۲۶:۲؛ ۱۷:۳؛ ۶۶:۱۰؛ زک ۱۳:۹؛ مت ۳:۱۱؛ ۱- پتر ۱:۷؛ مکا ۳:۱۸).

† تقدیمی را تقدیس می‌کند و به سوی آسمان بالا می‌برد: (اعد ۱۶:۴۶؛ داور ۲۱:۶؛ ۱- پاد ۱۸:۳۸؛ ۲- پاد ۱۱:۲؛ لاو ۱۱:۳؛ ۱۲-۳؛ ۱۷-۹؛ لاو ۲:۱۵-۱۵).

† می‌سوزاند و از میان می‌برد: (یوشع ۷:۱۵؛ ۲- پاد ۱۰:۱-۱۴؛ تث ۳:۵؛ ۱۸:۸-۹، ۴۱:۲۵، ۲۵:۵، ۳:۹؛ اش ۱۷:۱۰، ۱۴:۴۷، ۲۴:۶۶؛ ار ۴:۴؛ ایوب ۱۵:۳۴؛ ۳۱-۹؛ ۱۲:۶؛ ۱۱:۶؛ مت ۳:۱۰-۱۲؛ مکا ۲۰:۱۴ و ۱۰، ۸:۲۱).

محکوم کردن دیگران

۱-۱۱۵: چرا نباید نه دیگران و نه خود را داوری کرد (مت ۲۵:۳۱-۳۲؛ ۱- قرن ۴:۴-۵؛ یع ۴:۱۱-۱۲؛ روم ۲:۱؛ مکا ۲:۲۳؛ مز ۷:۸).

روز خداوند

۲-۱۱۵: «آن روز» (ر.ک سؤال ۱-۱۰۱)، در عهد جدید آیا آن روز فقط روز یهوه می‌باشد (اش ۱۳:۱-۶؛ حزق ۳۰:۲-۳؛ مت ۲۹:۲۴-۳۱؛ لو ۱۷:۲۴؛ ۱- قرن ۸:۱؛ فیل ۱:۱۰، ۶)؟ آیا طبق عهد جدید آن روز فقط روز آخر می‌باشد (یو ۵:۲۴-۲۵؛ ۱۲:۳۱؛ ۱۴:۲۰، ۳-۲۳؛ مت ۲۸:۲۰)؟ برای مسیحیان چه معنای نوین دارد (۱- تس ۴:۵؛ اع ۷:۲۰؛ ۱- قرن ۱۶:۲؛ مکا ۱:۱۰، ر.ک متن ۱۰۱ سؤال اول).

ثروت

۱-۱۱۶: طبق اش ۸:۵ ثروتمندانی که ثروت بر ثروت می افزایند ظاهراً محکوم شده اند حتی اگر رفتارشان در ظاهر بی عدالتی نباشد. چرا؟ آیا در اینجا حق مالکیت محکوم شده است؟ اولین مالکین زمین چه کسانی بودند (مز ۲۴:۱، ۸۹:۱۱-۱۲، ۳:۲۵)؟ در ارتباط با زندگی، قوم برگزیده عشایر بودند و بعد در کنعان سکنا گرفتند. این دگرگونی چه خطراتی داشت (۱- پاد ۲۱:۳-۱۹؛ میکا ۲:۲؛ ایوب ۲۴:۲-۱۲)؟ لوقا بر اهمیت فقر تأکید می کند آیا با این گفتار مالکیت و ثروتمند شدن را زیر سؤال می برد (لوقا ۱:۵۳، ۶:۲۴، ۸:۱۴، ۱۲:۱۳-۲۱، ۱۶:۹-۱۹ و ۱۳:۳۱-۳۱؛ ۱۸:۲۵؛ اع ۸:۲۰؛ ر. ک ۱- تیمو ۹:۶-۱۰؛ یح ۴:۱۳-۵:۶؛ ۱- یو ۲:۱۵)؟

ریاکاری

۱-۱۱۷: عهد جدید ریاکاری را چگونه معرفی می کند (مت ۶:۵ و ۱۶، ۷:۵ و ۳۶، ۷:۱۵، ۲۴:۵۱؛ لوقا ۶:۴۲، ۲۰:۲۰؛ غلا ۲:۱۳؛ روم ۹:۱۲؛ ۱- پطرس ۱:۲۲)؟

معبد اورشلیم

۱-۱۱۸: در این متن آیا موضوع سخنی بر ضد معبد اورشلیم در زمان آینده بوده (ار ۲۶)، که در خطر محکوم شدن بود و یا بهانه ای جهت محکومیت (مت ۲۶:۶۱)؟

بی عدالتی

۲-۱۱۸: چرا بی عدالتی بر ضد انسان با عبادت خدا تضاد دارد (پید ۱:۲۷؛ مت ۹:۱۳، ۱۲:۷، ۲۵:۴۱-۴۵؛ یو ۱۱:۴۵-۵۴)؟

تاک

۱-۱۱۹: درباره تاک رجوع کنید به متن ۶۱ سؤال اول، در کدام یک از مثال ها، عیسی درباره تاک که خواه میوه دهد خواه میوه ندهد سخن گفته.

† در انجیل چه کسی سرکه را خورد؟

† در برابر تمام شراب، عیسی چه عکس العملی نشان داد؟ عیسی درباره شراب نوحه چه گفت؟ و در عهد جدید معنای مست شدن چیست؟

اعتماد

۱-۱۲۰: در رابطه با اعتماد رجوع کنید به ۱۰۹ سؤال اول. در اینجا پادشاهی یهودا بود که رفتار پادشاهان اسرائیل را پیروی نمود، این رفتار چگونه بود (۱- پاد ۱۲:۲۶-

۳۳، ۱۵:۲۶ و ۳۰ و ۳۴، ۱۶:۷ و ۱۹ و ۲۵-۳۲، ۱۹:۲۶، ۲۲:۵۳، ۲- پساد ۳:۳، ۱۰:۲۸-۳۱، ۱۳:۴ و ۱۱ و ۱۴:۲۴، ۱۵:۹، ۱۸:۲۴ و ۲۶، ۲۳:۱۵، ۱۷:۲۱)؟ این رفتار پادشاهان بر قلمرو اسرائیل در سال ۷۲۱ قبل از میلاد چه حادث کرد (۲- پاد ۱۷:۵-۲۳)؟

ترس

۱-۱۲۱: «ساکنان اورشلیم، از پیش روی لشکریان کشور آرام ترسیدند» (ر. ک مت ۱۲۰: اش ۲:۷-۴). اشعیا برای آرام نمودن این ترس، ایمان را توصیه می کند (اش ۷:۹) چون خدا این قوم را برگزیده و تنها او می تواند آن را نجات دهد (تث ۷:۶). این اعتماد کامل، نجات را تضمین می کند (۱۶:۲۸) و هر نوع کمک خواستن از انسان ها و بت ها را محکوم می نماید (اش ۳۰:۱۵؛ ار ۱۷:۵؛ مز ۵۲:۷). طبق انجیل در چه مواقعی رسولان در ترس فرو رفتند و عیسی در جواب ایشان چه گفت؟

عزرا

۲-۱۲۱: «اینک من و فرزندانم که خداوند به من داده است...» (اش ۸:۱۸). نامه به عبرانیان چگونه این نامه را به مسیح نسبت می دهد؟ درباره کدام فرزندان مسیح صحبت می شود؟ چگونه ما نیز در نیایش طبق این متن رفتار می کنیم؟

عمانوئیل

۱-۱۲۲: معنای کلمه عمانوئیل چیست (اش ۸:۱۰، ۵۰:۱ ر. ک متن ۱۸ سؤال اول)؟ این پسر که اشعیا تولدش را اعلام می کند چه کسی است، در زمان اشعیا و هم چنین در عهد جدید (مت ۱:۲۳)؟

زن

۲-۱۲۲: (اش ۷:۱۴) به احتمال قوی این زن، زن پادشاه بوده زیرا نبوت اشعیا به خاندان داود خطاب شده زمانی که سلسله پادشاهی در خطر افتاده بود با علم به این که مسیح موعود می بایست از آن تولد یابد (۲- سمو ۷:۱۱-۱۶). در اشعیا متن عبری «ALMAH» به معنی دختر جوان که اغلب دوشیزه بود (پید ۲۴:۴۳؛ خروج ۲:۸؛ مز ۶۸:۲۶؛ غزل ۱:۳، ۶:۸) یا زن جوانی که تازه ازدواج کرده، مثل این متن و امثال سلیمان ۱۹:۳۰، اما ترجمه یونانی هفتادتنان دو قرن قبل از عیسی آن را دوشیزه ترجمه می کند و نشان می دهد که چگونه قبل از عیسی، یهودیان در سنت خودشان تولد مسیح موعود را از باکره منتظر بودند. چگونه عهد جدید از این موضوع استفاده می کند (مت ۱:۲۳) و به دنبال آن قرآن این موضوع را تأکید می نماید.

آب و جیحون

۱-۱۲۳: «آب‌های سیلوحا که با آرامش به حرکت در می‌آمدند» در اینجا به تنها سرچشمه اورشلیم به نام چشمه جیحون اشاره شده است که به ساکنان پایتخت آب می‌داد، بنابراین نشانه‌ای از برکت خداست و در زمان تسخیر شهر حمایت آن را نشان می‌دهد. برعکس آب‌های فراوان رودخانه فرات نمودار خطر مرگ است که از حمله ارتش آشور می‌آمد (متن ۳۰ سؤال سوم و متن ۳۳ سؤال سوم، متن ۴۵ سؤال دوم و متن ۷۴ سؤال دوم). البته این سرچشمه بیرون از حصار اورشلیم واقع شده است (۱-۳۳:۱-۳۴) بنابراین از کیاس پادشاه، یک کانال زیرزمینی و نیز در داخل حصار شهر یک حوض به نام سیلوحا احداث نموده (اش ۱۱:۲۲). «حزقی‌ا شهر خود را استحکام بخشید و آب به میان آن آورد، با آهن صخره‌ها را شکافت و آب انبارهایی بنا نمود» (بنسی ۱۷:۴۸) این کانال به جای کانال قدیمی که در دامنه شرقی تپه صهیون وجود داشته آب‌ها را به حوضی دیگر پایین‌تر از حوض سیلوحا منتقل می‌ساخت (۲-۱۷:۱۸؛ اش ۳:۷، ۹:۲۲، ۲:۳۶). چگونه حزقیال (باب ۴۷) که در رؤیا اورشلیم نوین را بعد از تبعید می‌بیند چشمه‌ای نوین را نبوت می‌کند، که آب مقدس و تطهیرکننده و حیات بخش به تمام کشور خواهد داد؟ آیا عیسی طبق انجیل یوحنا به این سرچشمه نوین اشاره کرده است؟ چگونه انجیل یوحنا وجود حوض سیلوحا را در ارتباط با منور شدن انسان یادآوری می‌کند؟ و بنابراین بالاخره در ارتباط با تعمید ما؟

دختر صهیون

۱-۱۲۵: اش ۷:۱ صهیون به مانند تپه‌ای است در وسط شهر اورشلیم و در بالای آن معبد اورشلیم بنا گردیده. «دختر صهیون» نمودار شهر اورشلیم (اش ۱۰:۳۲؛ ۱۶:۱ و غیره) و یا نمودار ساکنان آن است (اش ۳۷:۲۲؛ صف ۳:۱۴؛ مراثی ۴:۲۲). هم چنین اصطلاحاتی هم چون دختر بابل (اش ۱:۴۷) یا دختر کلدانیان (اش ۵:۴۷) نمودار ملت اشاره شده می‌باشد. چون با ملت‌های بیگانه و بت پرست عهد بست، قوم برگزیده، یهوه را انکار نمود و زنا کرد (متن ۱۱۰ سؤال اول)، اما این دختر صهیون توسط تجربه تبعید پاک گردید و پایتخت و مادر در همه امت‌ها نامیده خواهد شد. همه همسایگان قوم برگزیده دعوت شدند تا خدای حقیقی را بشناسند و ایمان داران را به اورشلیم بیاورند (مز ۸۷؛ اش ۱:۲-۵ و باب ۶۲ کتاب برگ‌های زرین)، چگونه این مأموریت مادرانه دختر صهیون که عروس پاک شده و بارور خداوند است نشانگر راز و مأموریت کلیسا خواهد بود (یو ۳:۳-۲۹؛ افس ۵:۲۵-۲۸)؟

روز خداوند

۱-۱۲۶: در خط بالاتر این متن اشاره شده که این نبوت به چه کسی داده شده: «در زمان پیشین زمین زبولون و زمین نفتالی را ذلیل ساخت، اما در زمان آخر آن را به راه دریا به آن طرف اردن در جلیل محترم خواهد گردانید». این ناحیه در شمال استان جلیل قرار دارد که توسط فتوحات تغلت فلاسر پادشاه آشور (۷۲۷-۷۴۵ قبل از میلاد) تحقیر گردیده بود و جمعیت آن در سال ۷۳۲ به تبعید برده شده (۲- پاد ۱۵: ۲۹). این متن، روز بیهوه را مژده می دهد (ر. ک سؤال ۱-۱۰۱ و ۱-۱۱۵)، که در آن تبعید شدگان آزاد خواهند شد و آمدن پادشاه صلح طلب را که همان عمانوئیل خواهد بود (اش ۷: ۱۴) اعلام می کند. چگونه انجیل به تحقق رسیدن این نبوت را اعلام می نماید (مت ۴: ۱۳-۱۶؛ یو ۸: ۱۲؛ ر. ک اش ۹: ۱؛ لو ۱: ۳۱-۳۲، ۱۴: ۲؛ ر. ک اش ۹: ۶)؟

کننده و جوانه

۱-۱۲۷: یسی چه کسی بود؟ وعده ای که این متن اعلام می کند چه ارتباطی با ۲- سمو ۱۱: ۷-۱۲ دارد؟ در اینجا اشعیا درباره پادشاهی پسر داود صحبت می کند، ولی صحبت از شاخه های این درخت و ریشه هایش نمی شود و هم چنین در اش ۵۳: ۲ «ریشه ای در زمین خشک» و باز ۶: ۱۳ «کننده ای از درخت» آیا این اصطلاحات تحقیرآمیز با فتوحات سناخریب پادشاه آشور در سال ۷۰۱ قبل از میلاد ارتباط دارد، زمانی که چهل و شش شهر و حومه آن به ممالک نزدیک ملحق گردید؟ پس چگونه از این کننده، جوانه ای از ریشه هایش بیرون می آید (اش ۴: ۲، ۳۷: ۳۱)، البته در ارتباط با باقیمانده کوچک قوم (اش ۳۷: ۳۲؛ ر. ک ۱: ۲۷، ۴: ۲-۳، ۶: ۱۳، ۱۱: ۱۱ و ۱۶، ۲۸: ۵؛ ر. ک سؤال ۱: ۵۸ و ۳-۶۳ و ۹۹-۱)؟ چگونه این امید را در ارتباط با کلیسای کوچک و ضعیف ما می توان در نظر گرفت (داور ۷: ۲-۸؛ مکا ۲: ۸-۱۱، ۳: ۷-۱۳)؟

صلح و مار

۲-۱۲۷: صلح و آرامش (ر. ک متن ۹ سؤال ۲ و متن ۵۶ سؤال ۱) جهانی توصیف شده، بنابراین به صورتی عجیب حتی با مار (اش ۱۱: ۸): چگونه متون در ارتباط با خلقت این حیوان را معرفی کرده است؟ (پید ۱: ۲۶ و ۳۰، ۲: ۱۹). این انتهای دشمنی اصیل ما بین انسان و مار (پید ۳: ۱۵) امید حکیمان (ایوب ۵: ۲۲-۲۳) و هم چنین انتظار پیامبران را (هو ۲: ۲۰؛ حزق ۳۴: ۲۲ و ۲۸؛ لاو ۲۶: ۶؛ اش ۳۵: ۹) تقویت می کند. اما در عهد جدید، درباره صلح با این مار چه گفته شده (مت ۷: ۱۰، ۲۳: ۳۳؛ مر ۱۶: ۱۸؛ اع ۲۸: ۳؛ لو ۱۰: ۱۹؛ ۲- قرن ۱۱: ۳؛ مکا ۱۲: ۱-۱۲)؟

داود نوین

۱-۱۲۸: عادت داریم مسیح را به عنوان پسر داود ببینیم (۲- سمو ۷: ۸-۱۱؛ مت ۱: ۲۰، ۲۳: ۱۲، ۲۲: ۱۵، ۲۰: ۲۰، ۳۰: ۲۱، ۹: ۹). آیا در این متون می توانیم در عیسی رستاخیز شده آن داود نوین را ببینیم (مت ۲۲: ۴۲-۴۵) که از خود داود بالاتر است (اع ۲: ۲۵-۳۵، ۱۲: ۳۲-۳۷؛ مکا ۲۲: ۱۶)؟

عزرا

۲-۱۲۸: «اینک باکره حامله شده پسری خواهد زائید» (ر. ک اش ۷: ۱۴، ۱۰: ۵۴، ۶۶: ۷-۹) این نبوت ما را وادار می سازد که بر مریم عذرا مادر آن عمانوئیل تعمق کنیم، آیا غیر از او کسی دیگر را می توان در نظر گرفت (مکا ۱۲؛ غلا ۴: ۱۹؛ اش ۶۶: ۷-۸)؟ این تولد چگونه انجام می شود (یع ۱: ۱۸؛ یو ۳: ۳-۸)؟ در ارتباط با این تولد نوین یکی از اسامی حوض تعمید را یادآوری کنید.

سامریان

۱- ۱۳۰: ۲- پاد ۱۷: ۲۴-۳۴، در اینجا مبدأ قوم سامریان و اختلاط این جماعت با ایمان داران به یهوه و بنا بر این ادیان بت پرستان، مطرح می باشد. عهد جدید چگونه به این حالت اشاره می کند (لو ۹: ۵۲-۵۳، ۱۰: ۳۳-۳۷؛ یو ۴: ۹، ۸: ۴۸)؟ چگونه طبق عهد جدید، شهادت کلیسا در این ناحیه، شروع مأموریتش را در میان امت ها می بیند (یو ۳۵۴-۴۲؛ اع ۱: ۸، ۸: ۸ و ۴-۸ و ۱۴-۱۷، ۹: ۳۱)؟ البته قبل از تأسیس کلیسا در شهر انطاکیه (اع ۱: ۸، ۱۱: ۲۰).

گردن محکم

۲- ۱۳۰: گردن خود را سخت گردانیدند، این اصطلاح چه معنایی دارد (۲- پاد ۱۷: ۱۴؛ ۲- توا ۳۰: ۸، ۱۳: ۳۶؛ تث ۱۰: ۱۶؛ ار ۷: ۲۶، ۱۷: ۲۳؛ مز ۷۵: ۶؛ اع ۷: ۵۱)؟

قربانی

۱- ۱۳۱: «صهیون را به خون و اورشلیم را به ظلم بنا می نمایید» (میک ۳: ۱۰) در این متن آیا موضوع بی عدالتی های آشکار است (ار ۲۲: ۱۳-۱۵؛ حب ۲: ۱۲؛ مز ۷: ۲۶، ۸: ۲۶)، یا «قربانی های پی ریزی یا پایه» بر طبق آداب و رسوم بت پرستان فرزند خود را قربانی می کردند تا به شهر و زندگی استحکام منتقل سازند (یوشع ۶: ۲۶؛ ۱- پاد ۱۶: ۳۴) یا آنها را در آتش می انداختند به افتخار بت مولک در وادی بنی هنونم در نزد دیوار و برج و باروی اورشلیم (۲- پاد ۱۶: ۳، ۲۱: ۶، ۲۳: ۱۰؛ اش ۳۰: ۳۳؛ ار ۷: ۳۱، ۱۹: ۵-۶؛ ۳۲: ۳۵؛ حزق

۱۶:۲۱)، و آیا این رسم طبق آیین کنعانیان بود که در شریعت موسی قدغن شده بود (ر.ک لاو ۱۸:۲۱، ۲۰:۲-۵؛ تث ۱۲:۳۱، ۱۸:۱۰)؟

تهدید

۲-۱۳۱: عیسی چنین تهدیدی را بر ضد چه کسی بیان نمود؟ به چه دلایلی؟

معبد

۱-۱۳۲: «بیرون از معبد آنچه ناپاک است ببندازید» (۲-توا ۲۹:۵؛ ر.ک ۲۹:۱۶-۱۹، ۳۰:۱۴). آیا این تطهیر معبد جهت برپا کردن عید پسخای استثنایی و پرشکوه (۲-توا ۳۰:۲۱ و ۲۳) همراه با تمام قوم، حتی باقی مانده از قبایل شمال بود (۲-توا ۳۰:۶-۹)؟ در چه مواردی عیسی چنین عملی انجام داده است، و برای کدام عید گذر جهت همه امت‌ها (مر ۱۱:۱۷؛ اش ۵۶:۷؛ یو ۲:۲۱، ۱۰:۲۰-۳۲)؟

جهانی

۱-۱۳۳: در این متن، جنبه جهانی نجات نکته خاص اشعیای نبی می باشد (اش ۱۹:۱۶-۲۵)، مخصوصاً در قسمت دوم کتابش به نام «تسلی» (اش ۴۲:۱-۶، ۴۵:۱۴-۲۰، ۱۶:۲۵، ۴۹:۶، ۵۵:۳-۵؛ باب ۶۰ ر.ک مز ۸۷ و کتاب یونس نبی). چگونه متی که خود یهودی بود و برای یهودیان می نوشت از ابتدا تا انتهای انجیلش همین نقطه نظر را تأکید می کند، با علم به این که در زمان کلیسای اولیه و نفوذ مسیحیان یهودی تبار، این دیدگاه اهمیت خاصی داشت (اع ۱۱:۱-۱۸، ۱۵:۱-۳۵)؟

صخره

۱-۱۳۴: ما بین مصر و آشور یعنی دو کشور مقتدر، کشور کوچک اسرائیل کوشش می کند که باقی بماند و می خواهد، با مصر بر ضد آشور (اش ۳۰:۱-۷) و سپس با آشور بر ضد مصر (۲-توا ۳۵:۲۰-۲۴) عهد ببندد، اما ازابه‌ها و سواران مصر شکست خواهند خورد هم چنان که قبلاً توسط یهوه شکست خوردند (اش ۳۱:۳؛ خروج ۱۵:۴). چرا قوم برگزیده بر آن صخره که خدا در صهیون نهاد تکیه نمی کند (اش ۲۹:۱۵-۱۶؛ مز ۱۸:۳۲، ۴۲:۱۰، ۲۷:۸۹، ۱۱:۲۲-۲۴؛ ر.ک مت ۲۱:۴۲؛ ۱-پطر ۲:۴-۸)؟

۲-۱۳۴: این عدم ایمان و بازی‌های سیاسی تا کجا خواهد رسید (یو ۱۱:۴۷-۵۰،

۱۹:۱۵)؟

اورشلیم

۱-۱۳۵: آیا سنگرهای ساخته شده در اطراف اورشلیم باعث شد که در زمان ازکیاس این شهر نجات یابد؟ آیا همان شهر زمان عیسی نجات خواهد یافت؟ چرا (لو ۱۹:۴۱-۴۴)؟

تکبر

۱-۱۳۶: یهوه، غرور پادشاه آشور را با دخالت قحطی سرنگون کرد، که به احتمال قوی طبق اسناد مصری طاعون بود، در چه مواقعی حضرت مریم خدایی را که زورمندان را از تخت‌هایشان سرنگون کرده و فروتنان را سرافراز می‌کند می‌سراید؟

۱-۱۳۷: به دو سؤال که در تفسیر متن مطرح شده کتباً جواب دهید.

قربانی

۱-۱۳۸: «تُوقَّت»: اش ۳۰:۳۳، اسم کوره آتش بود، در وادی ابن حنوم نزد دیوار جنوبی اورشلیم واقع شده که در آنجا اطفال خود را جهت بت‌مُلک قربانی می‌کردند (لاو ۱۸:۲۱؛ ۲-پاد ۲۳:۱۰؛ ار ۷:۳۱، ۱۹:۱۳ و ۶:۱۳). در عهد جدید، این دره حنوم، جهنم نامیده می‌شود (مت ۵:۲۲؛ مکا ۱۴:۱۰)، در انجیل این کلمه چه معنایی دارد (مت ۵:۲۹-۳۰، ۱۰:۲۸، ۹:۱۸، ۲۳:۱۵ و ۳۳)؟ البته نمادهای مختلف دیگری را نشانگر همان حالت در عهد جدید می‌خوانیم قبلاً تاریکی‌ها و محل گریه، فشار دندان و غیره، اما این نمودارها چه معنایی دارد (مت ۷:۲۳، ۴۱:۲۵)؟

جادوگری

۱-۱۳۹: به سؤال‌هایی که در آنها تفسیر سؤال ۱۴۱ وجود دارد جواب دهید (همان متون دو) جادوگری: بعضی‌ها کوشش می‌کردند رازهایی که از انسان پنهان است مثل عقوبت مردگان یا آینده زندگی را کشف کنند. آیا امروز نیز چنین رفتاری را می‌بینیم، در جمعیت ما و یا حتی در میان مسیحیان؟ چگونه این رفتار بر ضد اعتماد به پدر آسمانی می‌باشد؟

معبد

۱-۱۴۲: رجوع کنید به متن ۷۷ سؤال اول، در زمان عیسی آیا اهمیت یکتا معبد، و بنابراین زیارت به اورشلیم، باز محفوظ بوده؟ آیا در انجیل متونی درباره این مسئله داریم؟

اتحاد

۲-۱۴۲: وحدت ایمان در عهد جدید به صورتی روشن اعلام شده است (افس ۴:۵-۶) و بنابراین وحدت قربانگاه‌ها (۱- قرن ۱۰:۴؛ مکا ۲۱:۲۲). چه شد که در همه جا ساختمان کلیسایی بنا شده و تعداد قربانگاه‌ها زیاد شدند (مت ۲۸:۲۰؛ یو ۱۴:۱۸-۱۹، ۲۳:۴)؟

۱-۱۴۳: متن ۴ و ۸ و سؤال ۱ و ۳ را دوباره بازخوانی کرده و به سؤالی که در تفسیر متن موجود است جواب دهید.

پیامبر

۱-۱۴۴: پیامبران دروغگو؟ بعضی‌ها پیامی را اعلام می‌کنند که گویا از طرف خدا به ایشان داده شده: چگونه کوشش می‌کنیم موضوع را تشخیص دهیم؟ و چگونه حرف مسیح درباره تشخیص دادن را باید استفاده نمود (مت ۷:۱۵-۲۰؛ ر. ک ۲- پط ۲:۱-۳؛ غلا ۱:۶-۸)؟

شنیدن و یکتا پرستی

۱-۱۴۸: «شمع اسرائیل»: چگونه عیسی این متن بسیار مهم را یادآوری و تأکید می‌کند (مر ۱۲:۲۸-۳۴)؟ چگونه خودش این فرمان را در زندگی برپا کرده است (مت ۴:۸-۱۱؛ لو ۲۲:۴۲، ۲۴:۴۶)؟ چگونه این متن ما را وادار می‌کند به یکتا پرستی، نه تنها اعلام شده در آموزه بلکه برپا شده در زندگی و اظهار شده در قلب ما، تعمق کنیم (مز ۲۷:۸، ۸۶:۱۱)؟

۱-۱۴۹: ابتدا تمام متونی را که در توضیحات به آن ارجاع شده مطالعه کنید.

محبت خدا

۲-۱۴۹: رجوع کنید متن اول سؤال دوم: چگونه خدا ما را آزادانه و به خاطر محبتش انتخاب کرد بدون این که هیچ شایستگی داشته باشیم (یو ۱۵:۱۶؛ ۱- یو ۴:۱۰ و ۱۹:۱-۱). قرن ۱:۲۶، ۲۰)؟ چگونه این انتخاب خدا همراه با مسئولیت در زندگی ما جریان دارد (مت ۲۵:۱۴-۳۰)؟

قلب

۱-۱۵۰: «کلام در قلب توست» آیا برای کتاب مقدس قلب جایگاه احساسات و هیجان ماست؟ قلب انسان چیست:

برای خدا: (حزق ۲۶:۳۶؛ ار ۷:۲۴؛ عبر ۸:۱۰؛ مت ۱۳:۱۹؛ اع ۱۵:۸؛ روم ۸:۲۷؛
۱- قرن ۵:۴)؟

برای عیسی: (یو ۷:۳۸، ۱۹:۳۴-۳۸؛ افس ۳:۱۷؛ ۲- قرن ۴-۶)؟

برای روح القدس: (روم ۵:۵؛ ۲- قرن ۱:۲۲؛ افس ۳:۱۷؛ غلا ۴:۶)؟

برای حضرت مریم: (لو ۲:۵۱ و ۱۹، ۳۵:۲؛ یو ۱۹:۲۵-۲۷)؟

برای ایمان داران: (مت ۵:۸، ۶:۲۱، ۲۲:۳۷؛ لو ۱۷:۲۱ تفسیر پدران کلیسا، یوحنا
دالیاتا: «ملکوت خدا در میان شماست» (یو ۱۴:۲۷، ۱؛ اع ۱۶:۱۴؛ لو ۲۴:۳۳؛ روم
۸:۹). طبق تفسیر پدران کلیسا قلب شما معبد روح القدس است (۱۰:۵-۱۰:۱۰؛ ۱- قرن
۳:۱۶؛ افس ۱:۱۸؛ عبر ۱۰:۲۲؛ ۱- یو ۳:۱۹-۲۰؛ ۲- پتر ۱:۲۳)؟

برای گناهکاران: (حزق ۲۸:۲؛ یول ۲:۱۳؛ ار ۴:۴؛ لو ۲۱:۳۴؛ یو ۱۳:۲؛ یع ۴:۸؛
مز ۸۶:۱۱)؟

برای کلیسا: (حزق ۱۱:۱۹؛ اع ۱:۱۴، ۲:۴۶؛ روم ۱۵:۶)؟

حکمت

۱-۱۵۱: (ر.ک به حکمت سلیمان متن هفتاد و شش سؤال اول) طبق کتاب مقدس
حاکم شخصی است با تعلیمات بالا، هوشیار و با احتیاط که زندگی خود را با موفقیت
اداره می کند (امث ۸:۱۹-۲۱، ۱۴:۶؛ مت ۷:۲۴، ۱۰:۱۶، ۲۴:۴۵، ۲۵:۲-۹).
سرچشمه این حکمت کجاست (امث ۹:۱۰؛ اش ۱۱:۲؛ لو ۱۵:۲۱؛ اع ۳:۱۱)؟
این حکمت در عهد قدیم به عنوان شخص معرفی شده است (امث ۸:۲۲-۳۱؛ لو
۱۱:۴۹)، «او در واقع تصعیدی از اقتدار خداست، برخاستن بخاری ناب از شکوه باری
تعالی؛ و همچنین هیچ ناپاکی در آن وارد نمی شود. زیرا او انعکاسی از نور جاودانی،
آینه ای صاف از عمل خدا و صورتی از نیکویی وی است» (حک ۷:۲۵-۲۶). چگونه
این متون به عیسی ارتباط دارند (مت ۱۲:۴۲، ۱۹:۱۱)؟

حکمت

۲-۱۵۱: عیسی، آیا معلمی بود که به اشخاص باهوش حکمت انسانی را می آموخت
(مت ۱۱:۲۵-۳۰؛ یو ۶:۳۵؛ ر.ک امث ۹:۵)؟ حکمت مسیح چه نوع حکمتی بود و به
کدام اشخاص آن را تعلیم داد (۱- قرن ۱:۱۷-۳۰، ۳:۱۹-۲۰، ۲:۶-۱۶، ۸:۱۲؛ کول
۳:۲، ۵:۴)؟

سرزمین موعود و ملکوت

۱-۱۵۲: سرزمین موعود با پادشاهی خدا: مابین این دو چه ارتباط و چه فرقی وجود دارد (مت ۱۰:۶، ۴:۵؛ ۲- پطرس ۳:۱۳؛ مکا ۲۱:۱؛ عبر ۳:۷، ۴-۱۱؛ مر ۱۳:۵-۲۴ و ۳۲)؟

۱-۱۵۳: با دقت تمام متونی را که در تفسیر ارائه شده مطالعه کنید.

مسکینان

۱-۱۵۴: مسکینان کشور: ر.ک شماره ۲۸۰ و ۲۸۳، در این گروه مخصوص نتیجه تبعید دشوار خواهد بود، و این برکت وعده داده شد حتی قبل از اتفاق تبعید.

در عهد جدید به دنبال متونی بروید که نشان می دهند چگونه خود عیسی در زندگی خود طبق این برکت با فقرا زندگی کرد. هم چنین در عهد جدید، چگونه عیسی فقیران را برکت داده و چگونه ما را به فقر دعوت می کند؟

خادم یهوه

۱-۱۵۵: اول به سؤالاتی که در تفسیر اول متن داده شده جواب دهید، و به همین سؤال نیز جواب دهید، بعد از مقایسه مابین دعوت و زندگی ارمیا و زندگی خادم خدا (ر.ک اش ۱-۴۲:۷-متن ۲۲۵).

بت

۱-۱۵۶: ارتداد یعنی بت پرستی، در ارمیا این کلمات زیاد تکرار شده: (۸:۱۹، ۱۰:۱۳ و ۸ و ۱۵، ۱۴:۲۲، ۱۶:۱۹، ۱۸:۵۱) و همیشه با بت ها ارتباط دارد متون: ۱-۱، ۴۱-۱، ۵۷-۱، ۷۵-۱۱۰، ارتداد انسان را به سوی ناامیدی سوق می دهد (جا ۱:۲، ۸:۱۲) چگونه خلقت به همین کلمه ارتداد، مطیع شده است ولی اکنون در راه آزاد شدن همراه ایمان داران می باشد (روم ۸:۱۸-۲۵)؟

شبان

۲-۱۵۶: ارمیا، با شدت از مسئولان قوم که او را به سوی نابودی سوق می دهند انتقاد می کند (ار ۲:۸، ۲۳:۱-۶، ۳۳:۱۰). آیا ارمیا خود را در میان قوم مسئول می داند؟ چگونه انتقاد ما با انتقاد پیامبران مشابهت دارند (حزق ۳۴)؟ چگونه این انتقاد را به عنوان دارای مسئولیت های نسبی در کلیسا بیان می کنیم، با این که هدف ما جدا شدن از این کلیسا می باشد (لو ۱۱:۱۸؛ مت ۲۳:۲۵-۲۹)؟

پسر خدا

۱-۱۵۷: «من چگونه تو را در میان پسران قرار دهم» (ار ۱۹:۳)، پسر خدا چه کسی می باشد؟
 فرشتگان درباره خدا (تث ۳۲:۸؛ مز ۸۹:۷؛ ایوب ۱:۱۶)؛
 قوم برگزیده که از زمان خروج پسر خوانده شده است (خروج ۴:۲۲؛ هو ۱۱:۱؛ ار ۳۱:۹ و ۲۰)؛
 هم چنین همه اعضای این قوم (تث ۱۴:۱-۲؛ اش ۶۳:۸ و ۱۶)؛
 پادشاه آن قوم (۲- سمو ۷:۱۴؛ مز ۸۹:۲۷-۲۸)؛
 مسیح موعود که خصلتاً پادشاه است (مز ۲:۷؛ اش ۷:۱۴، ۹:۱)؛
 در زمان عیسی افکار یهودیان درباره پسر خواندگی (روم ۹:۴ و ۲۵ و ۲۶:۲-۳ قرن ۱۸:۶).

پسران خدا که حق دارند صاحب ارث می شوند (تث ۴:۲۱، ۹:۱۲؛ اش ۵۸:۱۴)؛
 پسران که حق دارند میراث مسیحیان را به دست می آورند (روم ۸:۱۵؛ غلا ۳:۲۶؛ افس ۱:۵؛ عبر ۱۲:۵-۸؛ مکا ۲۱:۷)؛
 پسران توسط روح القدس (غلا ۴:۵-۷؛ ۱- یو ۳:۱-۲)؛
 عیسی که خود ذاتاً پسر خداست که تن گرفت و رستخیز کرده (اع ۱۳:۳۳، ۸:۳۷، ۹:۲۰؛ لو ۱:۳۵؛ مر ۱:۱۱، ۹:۷؛ مت ۱۶:۱۶ و ۱۷؛ لو ۲۲:۷۰؛ روم ۱:۴؛ غلا ۲:۲۰؛ عبر ۱:۵ و ۲ و ۵ و ۱۰ و غیره؛ یو ۵:۱۹-۲۷، ۱۷:۱، ۱۸:۱-۱۰؛ ۱- یو ۴:۹-۱۴، ۵:۱۱-۱۲، ۳:۲۵، ۵:۵ و ۱۰ و غیره).

همدردی

۱-۱۵۹: ارمیا از دردهای کشور خود دوری نمی کند، بلکه هم دردی می کند (ار ۴:۱۹-۲۱)؛ آیا عیسی همان رفتار را داشت (لو ۱۹:۴۱-۴۴، ۱۳:۳۴)؟

روز خداوند و نور

۲-۱۵۹: «روز خدا» رجوع کنید متن ۱۰۱ سؤال یک و متن ۱۲۶ سؤال یک، خدا نور را آفرید (پید ۱:۳-۱۸) و خود خدا نور است (مز ۴:۶، ۱۰:۳۶؛ ۱- یو ۱:۵-۷؛ مکا ۲۲:۵)، چه شد که ارمیا درباره این تاریکی مطلق صحبت می کند (ار ۲۳، ۲۸:۴) و هم چنین درباره زمین «تهی و ویران» (ر.ک ار ۲۳:۴؛ ر.ک پید ۱:۲)؟ توسط چه کسی خلقت خدا می تواند زیر و رو شود؟ چه روزی این نبوت ارمیا به تحقق خواهد رسید (مت ۲۷:۴۵)؟

ظلمت

۳-۱۵۹: معنای تاریکی و ظلمت در عهد قدیم چیست (عا ۵:۱۸؛ مز ۲۳:۴، ۷:۸۸؛ ایوب ۱۰:۲۱، ۱۷:۱۳؛ اش ۹:۱)؟ و در عهد جدید نیز (مت ۶:۲۳؛ لو ۲۲:۵۳؛ اع ۱۸:۲۶؛ افس ۱۲:۶؛ مت ۴:۱۶؛ روم ۱:۲۱؛ یو ۱۳:۳۰، ۵:۱، ۱۹:۳، ۱۲:۸؛ ۱- یو ۵:۱-۶؛ ۲- یو ۹ و غیره)؟

دگرگونی

۱-۱۶۰: چگونه رحمت خدا و دعوت او به اعتراف گناهان و دگرگونی قلب (ر.ک مت ۱۵۰ سؤال اول) ما را وادار می کند که درباره همین موضوع در انجیل و در کدام متن لوقا تعمق کنیم؟

بازگشت به سوی خدا

۲-۱۶۰: «برگشتن به سوی خدا»
 ۱- چه کسی باید برگردد (ار ۳:۶-۱۵، ۱۵:۱۹-۲۱، ۲۳:۲۱-۲۳، ۲۵:۴-۵، ۳۵:۱۵؛ اع ۱۵:۲۶-۲۰)؟
 ۲- آیا انسان می تواند به سوی خدا بازگشت نماید (ار ۳:۱، ۲۴:۶-۷، ۳۰:۱-۱۰، ۳۱:۱۶-۱۷؛ مرا ۵:۲۱؛ لو ۱۷:۱۵-۳۲، ۳۲:۲۲-۳۱)؟
 ۳- چگونه می توان بازگشت نمود (ار ۳:۴-۲۱، ۳۶:۱-۳، ۴۲:۷-۱۷، ۱۴:۱۷، ۵۰:۴-۷؛ مت ۲۶:۵-۷؛ روم ۶:۱۲-۱۴؛ یو ۲۱:۱۵-۱۹)؟

صحرا

۱-۱۶۱: صحرا، آیا هم چون این متن، صحرا محل نامزدی می باشد، یا معنای دیگری دارد؟ کدام معنا (لاو ۱۶:۸-۲۰ و ۲۲؛ اش ۱۳:۲۰-۲۲، ۳۴:۱۳-۱۵؛ ار ۴:۱۱ و ۲۶، ۱۷:۶، ۲۲:۶، ۲۳:۱۰ و غیره)؟ چرا این معنا را نیز دارا می باشد؟ چگونه عهد جدید درباره صحرا صحبت می کند (لو ۱:۸۰، ۳:۲-۴، ۴:۴۲، ۵:۱۶، ۸:۲۹؛ اع ۱۳:۱۸؛ عبر ۱۱:۳۸؛ مکا ۱۲:۶، ۱۷:۳)؟

مهربانی

۱-۱۶۲: احشا در ترجم (رحمن و رحیم)، کلمه احشا به زبان عبری (راحامیم) که معنای اول آن رحم مادر می باشد و احساسات تکان دهنده ای که مادر نسبت به فرزندانش حس می کند یعنی یک احساس بسیار عمیق که تمام وجود را به حرکت در می آورد و

نمی توان آن را کنترل کرد (پید ۱:۴۳، ۳۰:۱-۱ پاد ۳:۲۶؛ لو ۱:۴۱ و ۴۴).
 در انجیل متی آیا ابتدا زنان هستند که این رحم پرترحم را دارند (مت ۹:۳۶،
 ۱۵:۳۲، ۲۰:۳۴)؟ چه کسانی دیگر غیر از زنان (مر ۹:۲۲؛ لو ۱۰:۳۳، ۱۵:۲۰؛ ۲-
 قرن ۱:۳؛ افس ۴:۳۲؛ فیل ۱:۸؛ ۱- یو ۳:۱۷)؟
 آیا در عهد قدیم چنین ترحمی ابتدا متعلق به مادر می باشد (خروج ۳۴:۶؛ تث ۴:۳۱؛ یول
 ۲:۱۳؛ اش ۳۰:۱۸، ۳۳:۲؛ میک ۷:۱۹؛ ار ۱۶:۵، ۳۰:۱۷-۱۸، ۴۲:۱۱-۱۲؛ حزق
 ۳۹:۲۵؛ زک ۷:۹؛ مز ۴۰:۱۳، ۳۱:۷، ۶۹:۱۶، ۷۹:۸، ۱۱۶:۵، ۱۱۹:۷۷ و ۱۵۶)؟
 در نتیجه آیا خدا فقط پدر می باشد (مز ۲۵:۶، ۱۱۶:۵؛ اش ۶۶:۱۳، ۴۹:۱۵؛ لو
 ۱۳:۳۴)؟
 و جفا بر ضد عادلان و پیامبران را خواهد دید (مت ۲۳:۳۵-۳۶)؟

راحیل

۲-۱۶۲: راحیل گریبان در رامه:

راحیل زن چه کسی بود (پید ۲۹:۱۸ و ۲۸)؟ راحیل مادر چه کسی بود (پید
 ۳۵:۲۴)؟ قبایلی که می توانند خود را پسران راحیل بنامند کدام می باشند (پید
 ۳۵:۲۴، ۴۸:۵۱)؟ که در شمال قلمرو یهودیه و در اورشلیم مستقر شده از یهودا مجزا
 گردیده (متن ۸۶) و بالاخره شهر سامره را به عنوان پایتخت انتخاب می کنند که پادشاه
 بابل در سال ۷۲۱ آن را فتح کرده از میان می برد و ساکنان آن را به تبعید می برد (مت
 ۱۳۰). به همین دلیل است که راحیل برای آنان می گیرد.
 شهر رامه در ۹ کیلومتری شمال اورشلیم و نزدیک شهر افراته واقع شده بود (پید
 ۳۵:۱۹) در قلمرو بنیامین (یوشع ۱۸:۲۵) در شهر رامه، راحیل به خاک سپرده شد (۱-
 سمو ۱۰:۲). علاوه بر این، ساکنان اورشلیم قبل از این که به تبعید برده شوند در شهر
 رامه جمع شدند (ار ۱:۴۰).

در نتیجه: از نظر ارمیا آیا رحمت خدا علاوه بر اورشلیم و قبیله یهودا در جنوب، تمام
 سرزمین موعود و حتی قبایل جدا شده را در بر می گیرد؟
 اما بیت لحم طایفه ای که افراته نامیده می شده را در برداشته و به همین اسم نامیده شده بود
 (میک ۵:۲) «بیت لحم- افراته». روایاتی وجود داشته که مقبره راحیل در همان جا قرار داشته
 (پید ۳۵:۱۹)، بنا بر این چگونه می توان توضیح داد که در مت ۲:۱۷-۱۸، گریه راحیل و این
 متون ارمیا را به کودکانی که هیرودیس کشت ارتباط می دهد؟ چرا و چگونه متی می توانست به
 کمال رسیدن اعمال تبعید و حشتناک و تمام کشت و کشتار دنیا را در نبوت ارمیا ببیند، در این
 آخرین بی عدالتی یعنی کشتن اطفال توسط هیرودیس، همان طور که در قتل عیسی؟

نینوا

۳-۱۶۲: آیا کشتار اطفال در ارتباط با راحیل و تبعید قوم برگزیده با فرار عیسی به مصر می‌تواند به کشتار و بی‌عدالتی‌های امروز در سطح دنیا ارتباط داشته باشد؟

به عیسی ارتباط داده شده (مت ۲: ۱۳-۲۲، ۲۶: ۳۹-۴۲؛ یو ۱۸: ۱۱؛ مکا ۱۴: ۱۰، ۱: ۱۶)؟

نینوا

۱۶۳-۱۶۴: نینوا، پایتخت آشور که تمدن قدیم و از چندین قرن قبل، دشمن قوم برگزیده بود و اسرائیل را همراه پایتخت (سامره) از میان برد و سپس اورشلیم را محاصره کرده ولی نتوانست آن را فتح کند. می‌توان درک نمود که در مثل یونس چرا این پیامبر نمی‌خواست به آنجا رفته و آشوری‌ها را به توبه و بازگشت دعوت کند چون با شناختن رحمت خدا، اگر این‌ها توبه کنند حتماً بخشوده خواهند شد به جای این که خدا آنها را سخت تنبیه کند، همان‌طور که همه یهودیان انتظار آن را می‌کشیدند (ر.ک متن ۲۴۵). بنابراین چگونه این مثل یونس را باید یکی از متون بسیار نزدیک به انجیل دانست؟ در چه موقعیتی عیسی به این مثل و بخشش خدا به نینوا اشاره می‌کند؟

۱-۱۶۵: همه متونی را که در تفسیر متن اشاره شده مطالعه کنید.

تجرد

۱-۱۶۶: تجرد و بی‌فرزندی در این متن با تسخیر و از بین رفتن اورشلیم ارتباط دارد، در عهد جدید آیا این موضوع با این متن ارمیا ارتباط دارد (مت ۱۹: ۱۰، ۲۲: ۳۰، ۲۴: ۳۸-۳۹؛ ۱-قرن ۷: ۷-۳۱، ۴: ۱۵؛ غلا ۴: ۱۹)؟

غیر از باروری طبیعی انسان آیا مسیح خود باروری دیگری داشته، و آیا این قدرت را نیز به ما داد؟

لعنت

۱-۱۶۷: این لعنت چگونه مطلقاً توسط عیسای مسیح برداشته شده است (عبر ۲: ۱۳؛ ۵: ۷-۱۰، ۷: ۲۵؛ ۱-یو ۲: ۱؛ لو ۲۳: ۳۴)؟

جام غضب

۱-۱۶۹: «کاسه خشم»، این اصطلاح در متون پیامبران مکرراً به آن اشاره گردیده (اش ۵۱: ۱۷-۲۲؛ ار ۲۵: ۱۵؛ حزق ۲۳: ۳۳). چگونه عهد جدید به این موضوع اشاره می‌کند؟

پنهان شدن

۱-۱۷۰: «یهوه این‌ها را مخفی نمود»، طبق انجیل در چه موقعیت عیسی خود را از دشمنانش پنهان نمود؟ از دیدگاه انسانی آیا این رفتار عیسی نشانه ترسو بودن او بود؟ آیا عیسی، از ما رفتار قدرت‌نمایی می‌خواهد (مت ۱۰: ۲۸-۳۱؛ یو ۱۵: ۲۶-۲۷)؟ اما روزی عیسی خود را تسلیم نمود (یو ۱۸: ۴-۸). چرا (یو ۱۳: ۱)؟ عیسی از ما می‌خواهد در چه موقعیتی چنین رفتاری داشته باشیم (مت ۱۰: ۱۶-۲۳؛ ر.ک اع ۴: ۱۷-۲۰ و ۲۳-۳۰، ۳۰: ۹-۲۳ و ۲۵-۳۰، ۳۰: ۱۹-۳۰، ۱۹: ۶-۷ و ۱۲-۱۷)؟

جفا بر ضد ارمیا

۱-۱۷۱: ارمیا در طول یک روز در «کنده» بسته شده و این تنها موردی نیست که جفا دیده و حتی به مرگ محکوم شده، وی در آخرین لحظه نجات یافت (۱۱: ۲۶، ۳۹: ۲ و ۱۱-۴۰، ۴۰: ۱-۶). باب ۲۶ ارمیا را با انجیل متی باب‌های ۲۴-۲۶: ۵۶-۶۶؛ لوقا ۱۹: ۴۱-۴۱ و هم‌چنین ارمیا ۱۵: ۲۶ با متی ۲۷: ۳۴-۳۵ مقایسه کنید. در نتیجه چگونه زندگی و رنج‌های ارمیا نشانگر رنج‌های آن خادم خدا (اش ۵۳) که عیسی مسیح خواهد بود، می‌باشد؟ چگونه جفا بر ضد ارمیا با جفا بر ضد هر پیامبری ارتباط دارد (مت ۲۳: ۳۳-۳۶؛ ۲- تیمو ۳: ۱۲؛ مت ۱۰: ۱۷-۳۷؛ یو ۱۲: ۲۳-۲۶، ۱۵: ۱۸-۲۷، ۱۷: ۱۴-۱۶؛ ۱- پط ۲: ۲۱-۲۵، ۳: ۱۳-۱۷، ۴: ۱۲-۱۹؛ مکا ۶: ۹-۱۱)؟

مثلی در عمل

۲-۱۷۱: ارمیا کوزه را می‌شکند، در تفسیر این متن به مت ۲۱: ۱۹-۲۰، اشاره شده ولی چگونه این دو متن با یکدیگر ارتباط دارند؟ چگونه این لعنت به درخت انجیر را می‌توان توضیح داد؟ با در نظر گرفتن مرقس ۱۱: ۱۳، عیسی نمی‌توانست امیدوار باشد که انجیر رسیده را در زمان عید بزرگ پیدا کند با علم به این که این میوه در فصل تابستان می‌رسد؟ در واقع معنی این عمل چیست (۱- سمو ۱۵: ۲۷-۲۸؛ ار ۱۱: ۱-۱۴، ۱۳: ۱-۱۱، ۱۶: ۸-۱۸؛ ۱۲: ۱-۱۲؛ باب‌های ۱۹، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۲ و غیره؛ حزق ۴: ۱-۳ و ۹-۱۷، ۱۲: ۱-۲۰، ۲۴: ۳-۱۴، ۳۷: ۱۵-۲۸؛ ر.ک اع ۲۱: ۱۰-۱۴؛ ر.ک سؤال ۱-۶۱)؟

افسردگی: تجربه سخت ارمیا

۵-۱۷۲: این تجربه سخت، نشانگر ضعف انسانی ارمیاست (ر.ک مت ۱۵۵ و خروج ۳: ۱۱، ۴: ۱-۱۳؛ داو ۶: ۱۳-۱۵؛ ۱- سمو ۱۶: ۱۱، ۱۷: ۴۲-۴۴...) آیا خود عیسی چنین تجربه‌ای را آزموده (مت ۲۶: ۳۶-۳۹، ۲۷: ۴۶)؟ آیا رسولان نیز چنین

تجربه ای داشته اند؟ چگونه این ضعف انسانی در زمان تجربه می تواند برای بعضی برادران دیگر سرچشمه کمک بزرگی باشد (عبر ۲: ۱۷-۱۸، ۱۲: ۱-۴)؟

تبعید

۱-۱۷۶: چگونه عیسی تجربه تبعید را بر عهده گرفت (یو ۱۹: ۱۷-۲۰: مت ۲۱: ۳۹؛ عبر ۱۳: ۱۲)؟ در ارتباط با وسوسه هایی که در مقابل قرار گرفتن در برابر شرایط و اوضاع سخت می توان در نظر گرفت (عبر ۱۳: ۱۳-۱۶، ۱۱: ۲۴-۲۶: ۱- پط ۱: ۱۵-۱۷)؟

باقیمانده کوچک و وفادار

۱-۱۷۷: ر. ک به سؤالات ۵۸-۱، ۶۳-۳، ۹۹-۱ و از خود سؤال کنیم که آیا امروز برای ما مسیحیان بسیار مهم است که در کشوری که در آن تولد یافته ایم و مسیح ما را فرستاده وفادار در فقر و ناتوانی بمانیم (مت ۵: ۳؛ لو ۱۲: ۳۲؛ مکا ۷: ۳-۱۳)؟

هاویه

۱-۱۷۸: فرو رفتن ارمیا در چاهی عمیق چه ارتباطی با عیسی دارد (ار ۳۸: ۶؛ ۱- پط ۳: ۱۸-۲۲)؟

امنیت و بت پرستی

۱-۱۷۹: علی رغم وعده های خداوند درباره باقیمانده کوچک قوم برگزیده، بعضی از یهودیان خواستند به مصر فرار نموده بلکه در آنجا امنیت بیابند با علم به این که در آن وقت دیگر در یهودیت تهدیدی وجود نداشته است (ار ۴۲ و ۴۳). این ها در مصر وسوسه های بت پرستی را می یابند و ارمیا به ایشان نبوت می کند که چون به کلام خدا ایمان نیاوردند بدبختی خواهند کشید، وقتی ما نیز مستقیماً در خطر از دست دادن جان نیستیم آیا این وسوسه فرار دور از دعوت خدا و خدمت به دیگران، امروز با ما ارتباط دارد؟ آیا برای برادران ما در ایران این وسوسه چه نتیجه ای می تواند داشته باشد؟ (اع ۲۷: ۳۰-۳۷)؟

جوانه یا شاخه

۱-۱۸۰: در آینده این کلمه اسم خاص کدام شخص خواهد بود (زک ۳: ۸، ۶: ۱۲؛ ر. ک ۳۳: ۱۵-۱۶؛ اش ۱۱: ۱، ۴: ۲، ۵۳: ۲)؟

۱-۱۸۱: متونی را که در تفسیر متن داده شده مطالعه کنید.

قدوسیت خدا

۱-۱۸۲: همه متون ارجاع داده شده در تفسیر را مطالعه کنید و در ارتباط با قدوسیت خدا به عنوان نمونه ای برای ایمان داران بخوانید (لاو ۱۱:۴۵، ۲:۱۹، ۲۰:۲۶ و ۷:۲۶، ۸:۲۱، ۲۲:۳۲-۳۳). آیا در عهد جدید این توقع غیرممکن که اجرای آن خارج از قدرت انسان است یادآوری شده است (مت ۵:۴۸؛ ۱- پطرس ۱:۱۶؛ ۱- یوحنا ۳:۳)؟ آیا یک انسان می تواند کاملاً قدوس شود (لو ۱:۳۵، ۴۹؛ مر ۱:۲۴؛ یوحنا ۶:۶۹؛ اع ۲:۲۷، ۳:۱۴، ۴:۲۷ و ۳۰؛ عبر ۷:۲۶؛ ۱- پطرس ۱:۱۵؛ ۱- یوحنا ۲:۲۰؛ مکا ۳:۷)؟

ولی مسیحیان اولیه طبق عهد جدید چگونه نامیده می شدند (اع ۹:۱۳ و ۳۲ و ۴:۲۶، ۱۰:۱۳، ۱۲:۱۳، ۱۵:۲۵-۲۶، ۱۶:۲-۱۵؛ ۱- قرن ۱۴:۳۳... مکا ۵:۸)؟ ما بین خدای قدوس و مسیحیان قدیس چه فرقی وجود دارد؟

قدوسیت خدا

۲-۱۸۲: برای ما آیا امروز این دعوت به تقدس امکان پذیر می باشد (یوحنا ۱۷:۱۷-۱۹؛ ۱- قرن ۱:۲، ۶:۱۱؛ ۱- تسالونیکی ۵:۲۳؛ روم ۷:۱؛ ۱۶:۱۵؛ کول ۳:۱۲؛ عبر ۱۰:۱۰؛ ۱۲:۱۳؛ ۱- پطرس ۱:۲۲)؟

قدوسیت خدا

۱-۱۸۳: در دعای شخصی و در نیایش کلیسا با چه نشانه دیدنی می توانیم به خدای قدوس احترام واقعی را ابراز داریم؟ در نیایش کلیسا با چه نشانه هایی جدا شدن قدوسیت خدا از زندگی معمولی ما نشان داده می شود؟ در چه موقعی عیسی امروز ما بین زندگی معمولی و تقدس و ما بین طهارت و نجاست عبور می کند؟

سخن پر اقتدار خدا

۱-۱۸۴: این متن در چه زمانی نوشته شده است؟ سؤال خوانندگان؟ چه بوده است؟ چگونه نویسنده در جواب اقتدار سخن خدا را یادآوری می کند (پید ۱:۳ و ۶ و ۹ و ۱۱ و ۱۴ و ۲۰ و ۲۴ و ۲۶) بدین ترتیب در اسطوره بابلی ها، آفرینش نتیجه جنگ خدایان بوده زیرا برابر جنگ بین خدای بزرگ به اسم مردوک با خدای خطرناک به اسم تیامات توصیف شده و در نتیجه پیروزی مردوک، تیامات یا رهب که در آنها زندگی می کرد از هم دیگر دو پاره شده که قسمتی از آن به بالای آسمان رفته و قسمتی دیگر دریا را تشکیل داده در زمان تبعید از این اسطوره، جهت بیان کردن قدرت مطلق خدا (مز ۸۹:۱۰-۱۱) و پیروزی مطلق یهوه بر هر قدرت بدی (اش ۵۱:۹-۱۰) استفاده شده است. نویسنده این کتاب در زمان تبعید چرا نشان می دهد که در آفرینش هیچ گونه مبارزه ای وجود

نداشته؟ چگونه بر پا کردن شنبه به عنوان روز خداوند، دوری از هر گونه فعالیت جهت تعمق و نیایش که در هر کجا که باشد می توان آن را حفظ نمود برای نویسنده این قدر اهمیت دارد؟

اقتدار سخن خدا

۱۸۴-۲: اقتدار سخن خدا در عهد جدید چگونه بیان شده است (یو ۱:۳؛ کول ۱:۱۵-۱۷؛ عبر ۱:۱-۳، ۴:۱۲، ۳:۱۱)؟

جدا کردن

۱۸۴-۳: در این متن به این عمل پنج بار اشاره شده (پید ۱ و ۴-۷ و ۹) که مختص عمل آفرینش بوده است، در عهد جدید این فعل را کجا می توان یافت با در نظر گرفتن این متن آفرینش چگونه می توانیم متونی از انجیل متی را بهتر درک نماییم (مت ۱۳:۲۹-۳۰، ۴۹، ۳۲:۲۵)؟

نور

۱۸۴-۴: نور (ر.ک تاریکی ها شماره های ۱۵۲ و ۱۵۳) «خدا نور است» (۱- یو ۵:۱؛ دان ۲:۲۲؛ یح ۱:۱۷؛ ۱- پطر ۲:۹؛ ۱- تیمو ۶:۱۶؛ یو ۸:۱۲) بنابراین در ارتباط با این موضوع راز تعمید چه معنایی دارد (یو ۸:۱۲، ۱۲:۳۵-۳۶؛ مت ۵:۱۴؛ لو ۸:۱۶؛ یو ۹:۱-۴۱؛ روم ۱۳:۱۲؛ افس ۵:۸-۱۴؛ عبر ۶:۴)؟

خلقت و صورت خدا

۱۸۴-۵: «آدم را به صورت و موافق شبیه ما بسازیم» (پید ۱:۲۶-۲۷)، این جمله چه تأثیری باید بر رفتار انسان ها نسبت به یکدیگر داشته باشد (پید ۹:۶؛ خروج ۲۰:۴؛ ۲- قرن ۳:۱۸)؟ انسانی که کاملاً به صورت خداست کیست؟ (کول ۱:۱۵؛ ۲- قرن ۴:۴؛ عبر ۱:۳)؟

خلقت و صورت خدا

۱۸۴-۶: «آدم را ... شبیه ما بسازیم» (پید ۱:۲۶-۲۷) آیا این شباهت انسان با خدا عطیه مجانی است؟ آیا از زمان آفرینش آدم کاملاً و مطلقاً تکامل یافته؟ مز ۱۷:۱۵؛ روم ۸:۲۹؛ ۱- قرن ۱۵:۴۷-۴۹؛ ۲- قرن ۳:۱۸؛ کول ۳:۴، ۹-۱۰؛ افس ۲:۱۵؛ فیل ۳:۲۰-۲۱؛ ۱- یو ۳:۲)؟

روزه

۱-۱۸۵: بعد از افزون شدن گناه که به طوفان نوح منجر شد، خدا به انسان اجازه می دهد که گوشت بخورد (پید ۹:۱-۴) که قبل از گناه اجازه انجام آن را نداده بود (پید ۱:۲۹-۳۰). پس عادت مسیحیان که در ایام روزه گوشت نمی خورند چه معنایی دارد؟ و چگونه این رفتار انتظار و اعلام گر رفتار نوین می باشد؟ (ر. ک جنگ و صلح، ر. ک اش ۴:۲، ۴:۹، ۶:۱۱-۷؛ هو ۲:۲۰؛ میکا ۴:۳؛ زک ۹:۱۰؛ یهودیت ۷:۹ خداوندا تودر؛ لو ۲:۱۴؛ یو ۲۰:۲۶؛ کول ۱:۲۰).

جلال عیسی

۲-۱۸۵: در بعضی از شمایل ها عیسی را در جلال می بینیم که بر قوس و قزح نشسته این موضوع چه معنی دارد؟ در زمان نوح خدا با چه کسی عهد بسته است؟ در زمان موسی چگونه؟ و در زمان عیسی چگونه؟

ختنه

۱-۱۸۶: این آیین برای هر ذکور یونانی اجباری می بود چگونه توسط پیامبران به انتقاد گرفته می شود (تث ۱۰:۱۶، ۳۰:۶؛ ار ۴:۴، ۹:۲۴)؟ آیا مسیحیان مختون هستند (فیل ۳:۲-۳، ۵؛ ۱-قرن ۷:۱۹؛ غلا ۵:۶؛ روم ۲:۲۸-۲۹؛ کول ۲:۱۱-۱۲)؟

دریا

۱-۱۸۷: با در نظر گرفتن آفرینش ۱:۱۹ (ر. ک سؤال ۱-۱۸۴ و ۲-۱۸۴) متون خروج ۱۵:۶؛ ۲۱:۱۴؛ ۲۲، ۲۹ چه معنایی دارد؟ ما بین خروج ۱۴:۲۱ الف و ۱۴:۲۱ ب، ۲۲ چه تفاوتی وجود دارد و کدام منطقی تر به نظر می آید؟

عبور از دریا

۲-۱۸۷: در مقایسه با پیدایش ۹:۱ (ر. ک سؤال ۱-۱۸۴، ۲-۱۸۴) معنای خروج در ۱۵:۶ و ۱۴:۲۱-۲۲ چیست؟ خروج ۱۴:۲۲ با ۱۴:۲۱ چه تفاوتی دارد؟ چرا؟ این موضوع در زمان بازگشت قوم از تبعید (اش ۹:۵۱) چه معنایی می یابد؟

۳-۱۸۷: متن خروج ۱۴:۲۱-۲۲ به احتمال قوی در زمان تبعید به بابل نوشته شده است. بنابراین برای اشعیا ۹:۵۱ این موضوع چه معنایی می یابد؟

مملکت کهنه

۱-۱۸۸: ر. ک اش ۶:۶۱، در عهد قدیم اولین مأموریت کاهن یهود چه بود (تث ۳۳:۱۰)؛

هو ۴:۶؛ میکا ۲:۷؛ ار ۲:۹)؟ کاهن به عنوان خادم قربانگاه در آیین مذهبی چه مأموریتی داشت (تث ۳۳:۱۰؛ لاو ۱۱:۱۷؛ عبر ۵:۱۱، ۸:۳)؟

مملکت کهنه

۲-۱۸۸: در عهد جدید پطرس رسول به مأموریت اصلی هر شخص مسیحی که با راز تعمید و تثبیت روح القدس تکامل یافته اشاره می کند «تا فضایل او را که شما را از ظلمت به نور عجیب خود خوانده است اعلام نمایید» (۱-پطرس ۲:۹؛ روم ۱:۹، ۱۵:۱۶؛ اش ۴۳:۲۱). این است اولین هدف انتخاب خدا و دعوت او از مسیحیان. اما آیا در عهد جدید موضوع قربانی وجود ندارد؟ آیا موضوع ریختن خون امروز نیز برقرار می باشد (روم ۱:۱۲؛ فیل ۲:۱۷، ۳:۳؛ ۱۸:۴؛ عبر ۱۳:۱۵-۱۶)؟ چگونه این نوع قربانی با انتقادهای پیامبران برضد بعضی از قربانیها در عهد عتیق مطابقت دارد (عا ۵:۲۱-۲۵؛ اش ۱-۱۱:۱۳؛ مز ۴۰:۷، ۵۰:۸-۱۴، ۵۱:۱۸-۱۹)؟

مملکت

۳-۱۸۸: چگونه این اصطلاح را در ارتباط با عیسی می توان درک نمود (عبر ۲:۷-۹؛ یو ۱۸:۳۷؛ مکا ۱:۵)؟ شخص تعمید یافته آن را چگونه درک می کند (روم ۵:۱۷، ۲۱، ۶:۱۲؛ ۲-تیمو ۲:۱۱-۱۲؛ مکا ۲-۱۰، ۳:۱۱؛ پید ۱:۲۸)؟ در آیین راز ازدواج چرا بر سر زوجه تاج گذاشته می شود، با علم به این که در کلیسای اولیه این نشانه به شهیدان داده می شود؟

چهره نورانی موسی

۴-۱۸۸: ر.ک خروج ۳۴:۲۸-۳۵؛ چرا پولس رسول این متن را به مسیح ارتباط می دهد (۲-قرن ۳:۴-۱۸)؟ و برای ما مسیحیان چطور؟

۱-۱۸۹: به سوالاتی که در تفسیر متن مطرح شده جواب دهید.

مأموریت و دعوت

۲-۱۸۹: این متن را با دعوت خدا از اشعیا و ارمیا مقایسه کنید. سپس این سه دعوت را با دعوتی که عیسی از رسولان نمود مقایسه کنید. با خواندن این متن چگونه می توان پی برد که عیسی نیز به همین گونه از شاگردانش دعوت نمود؟

در متن حزقیال «تورا نزد بنی اسرائیل می فرستم...» (ر.ک مت ۱۰:۵؛ یو ۲۰-۲۱)

«از ایشان مترس» (ر.ک مت ۱۳:۱۸-۳۳، ۲۶:۳۰-۳۵)

«این طومار را بخور» (ر.ک یو ۱۴:۲۳، ۱۵:۷)

«نزد خاندان اسراییل یرو» (ر.ک مت ۱۰:۶؛ اع ۱۳:۵)
 «صورت خود را محکم می سازند» (ر.ک مر ۱۶:۷-۸)
 «اینها خاندان فتنه انگیز می باشند...» (ر.ک مت ۱۰:۱۶، ۳۴-۳۶؛ مت ۲۳:۳۴-۳۷؛
 یو ۱۶:۲-۴)

پیامبر

۱-۱۹۰: «تورا به دیده بانی تعیین نموده ام.» این دعوت پیامبر ر.ک حزق ۳۳:۱-۹، آیا با
 یکی از عطایای روح القدس در کلیسا ارتباط دارد (مکا ۱:۳ و باب ۲ و ۳، ۲۷:۷، ۱۰:۱-۱-
 قرن ۱۴:۳؛ ۲- تیمو ۴:۱-۵)؟ همچنین آیا این دعوت با دعوت کلیسا در خدمت این دنیا ارتباط
 دارد (مکا ۱۰:۸-۱۱؛ مت ۱۰:۴۰-۴۱، ۲۳:۲۴؛ روم ۱:۵)؟

گناه

۱-۱۹۱: گناهان قوم خدا: متونی که در تفسیرش اشاره شده را مطالعه کنید و سپس آن را با
 عند جدید مقایسه نمایید (اع ۲:۴؛ مت ۱۱:۱۶، ۱۲:۳۹-۴۵، ۲۳:۱-۳۸؛ روم ۱:۱۷-
 ۳:۲۰).

تاریخ

۱-۱۹۲: تاریخ اسراییل به صورت نمودار: ابتدا متونی که در تفسیرش ارائه شده را مطالعه
 نمایید سپس آنان را با عهد جدید مقایسه کنید (مت ۱:۲۵-۱۳؛ مکا ۱۷).

تنبيه

۱-۱۹۳: تنبيه اورشليم: این متن را با متون عهد جدید مقایسه کنید (مکا ۷:۲-۳، ۹:۴،
 ۸:۳؛ مت ۲۱:۱۳، ۲۳:۳۸، ۲۴:۱-۲؛ لو ۲۴:۵۰-۵۱؛ اع ۱:۱۱).

مسئولیت

۱-۱۹۴: ابتدا به سؤالاتی که در تفسیرش مطرح شده است جواب دهید سپس این متن را با
 متون عهد جدید مقایسه کنید (روم ۲:۶-۱۰؛ اع ۱۰:۳۴؛ یو ۱:۳-۳؛ مت ۲۵:۳۱-۴۶).

شمشیر

۱-۱۹۵: مفهوم شمشیر در عهد جدید را با عهد قدیم مقایسه کنید (عبر ۴:۱۳؛ مکا ۱:۱۶).

باقیمانده

۱-۱۹۶: باقیمانده کوچک: یونس در زمان خود در طول مأموریتش این باقیمانده کوچک را

چگونه می بیند (روم ۱:۱۱-۶)؟ ارتباط مابین این باقیمینده کوچک در چه چیز می باشد (روم ۱:۱۱-۲۴)؟

تبعید

۱-۱۹۷: چگونه عیسی تجربه ای مشابه در تبعید، را بیرون از شهر اورشلیم گذرانند؟ در چه شرایط و موقعیتی؟

تبعید

۲-۱۹۷: آیا مسیحیان تجربه ای شبیه به تبعید دارند (ی، ۲۰:۱۹؛ مت ۲۱:۳۹؛ عبر ۱۱:۹-۱۶، ۱۲:۱-۴، ۱۱:۱-۱۴؛ اع ۵۸:۷؛ ۱-بطر ۱:۱۷، ۱۱:۲؛ یول ۳:۱-۴)؟

غرق شدن

۱-۱۹۸: «غرق شدن در دریا» مقایسه کنید با مکاشفه ۱:۱۸-۳، ۹-۲۴/

تکبر

۱-۱۹۹: متونی که در تفسیرش ارائه شده را با دقت مطالعه کنید و بگویید در رابطه با برج بابل با متن ۵ سؤال ۲ چه تفاوتی دارد؟

حضور خدا

۱-۲۰۰: حزقیال زمانی که این رؤیا را دید در کجا زندگی می کرد؟ قبل از تبعید محل خاص حضور خدا کجا بود (اش ۶:۱-۵)؟ نمودار این حضور خدا به سوی کدام جهت حرکت می کند؟ چه ارتباطی با عهد جدید دارد (مت ۲۸:۲۰)؟

چهار حیوان

۲-۲۰۰: این چهار حیوان قبلاً خادمین بت‌های بابل بوده و مجسمه آنها از قصرهای این شهرها محافظت می کردند اما در این متن در خدمت چه کسی عمل می کنند (ر.ک خر، ج ۲۵:۱۸؛ مکا ۷:۴-۸)؟

باد

۱-۲۰۱: «باد»: در عهد جدید چه کسی درباره باد و روح موعظه می کند در تجربه زندگی معمولی ما به چه دلیل باد می تواند نشانه روح القدس باشد؟

شبان

۱-۲۰۲: «شبان»: مسیح چگونه این موضوع شبان را به خود مرتبط می سازد (ی، ۱۰:۱-۳۰؛ عبر ۱۳:۲۰؛ ۱-بطر ۲:۲۵، ۴:۵؛ مکا ۷:۱۷)؟ اما در کلیسا این مثل بیشتر به چه کسی اطلاق می شود (افس ۴:۱۱؛ مت ۱۸:۱۲-۱۴؛ اع ۲۰:۲۸-۳۱؛ یو ۲۱:۱۷)؟

پاک شدن

۱-۲۰۳: «پاک شدن» ابتدا متون و سؤالاتی را که در تفسیرش داده شده مطالعه کنید، چگونه قول خداوند به حزقیال با رازهای کلیسا که به ما داده خواهد شد ارتباط دارد؟

عهد

۱-۲۰۴: عهد جدید: در کدام کشور ایمانداران با آرامش و در خوشبختی زندگی خواهند کرد (حزق ۳۷:۲۵)؟ آن معبد جدید کجا خواهد بود؟ آیا این عهد جدید افتتاح شده؟ در چه زمانی؟

آب

۱-۲۰۵: «آب زنده و زندگی بخش»، آبی که از معبد نوین سرچشمه گرفته تا کجا می رود؟ نتیجه این آبیاری چیست؟ این آب نشانگر چه چیزی است؟ در چه زمانی از معبد نوین این آب فوران کرد؟

مبارزه

۱-۲۰۶: ر بر متونی که در تفسیرش ارائه شده تعمق کنید، آیا این مبارزه امروز ادامه دارد؟ در چه موقع به اتمام خواهد رسید؟ چرا قوم خدا از این مبارزه پیروز بیرون خواهد آمد؟

نتیجه

امیدواریم که بعد از این همه سؤالات دانشجویان به ارتباط مابین عهد قدیم و عهد جدید کاملاً پی برده و چگونگی ارتباط مابین این دو عهد را که هر دو عهد متمرکز بر عیسی مسیح هستند درک کرده باشند. همچنین ارتباط با کلیسا و ایمانداران امروز را دریابند.

نمایه سوالات

- | | |
|--------------------------------|------------------------------|
| باد ۱۱۰ | آب ۷۱، ۱۱۱ |
| بازگشت به سوی خدا ۱۰۰ | آب سرچشمه زندگی ۵۶ |
| باقیمانده ۷۵، ۸۵، ۱۰۹ | آب و جیحون ۹۱ |
| باقیمانده کوچک و وفادار ۱۰۴ | آب و دریا ۶۴ |
| بت ۷۰، ۷۴، ۷۵، ۸۱، ۸۵، ۸۷، ۸۹ | آتش ۸۷ |
| بخشش ۸۰ | آتش، ستون ابر ۶۳ |
| برکت ۸۳ | آدم کش ۵۸ |
| بره ۶۲ | آزادی ۶۵ |
| بی‌عدالتی ۸۹ | آسمان ۶۱ |
| بیگانگان ۷۳ | افسردگی: تجربه سخت ارمیا ۱۰۳ |
| پادشاه ۷۸، ۷۹، ۸۱ | امنیت و بت پرستی ۱۰۴ |
| پاک شدن ۱۱۱ | اتحاد ۷۳، ۹۶ |
| پسر خدا ۹۹ | اردن ۷۳ |
| پنطیکاست ۵۸ | اریحا ۷۳ |
| پیروزی ۷۲، ۷۸ | ازدواج ۸۲، ۸۷ |
| پیروزی بر شیطان ۵۷ | ازدواج و تجرد ۵۷ |
| پنهان شدن ۱۰۳ | استغاثه ۶۰، ۷۰ |
| پیامبر ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۸۶، ۸۹، ۱۰۹ | اسحاق ۶۰ |
| تاریخ ۱۰۹ | سطوره ۵۹ |
| تاریخ گذر ۷۰ | اسلحه ۵۸ |
| تاک و شبان ۸۷ | اعتراف ۸۷ |
| تبعید ۱۰۴، ۱۱۰ | اعتماد ۸۹ |
| تجرد ۱۰۲ | اقتدار سخن خدا ۱۰۶ |
| تجلی ۸۴ | ایمان ۵۶، ۵۹، ۷۷ |
| ترس ۹۰ | امتها ۸۵ |
| تعمید ۵۸، ۶۵، ۷۲، ۸۴ | امید ۸۳ |
| تکبر ۵۷، ۸۲، ۹۵، ۱۱۰ | انجیر، تاک و شراب ۷۶ |
| تنبیه ۱۰۹ | انگشت خدا ۶۷ |
| تنفس نشانه‌ای از حیات ۵۷ | اورشليم ۹۵ |

- تن‌گیری ۸۰
 تهدید ۹۴
 تهذیب ۷۴
 ثروت ۸۹
 جادوگری ۷۸، ۹۵
 جام غضب ۱۰۲
 جداکردن ۸۳، ۱۰۶
 جفا بر ضد ارمیا ۱۰۳
 جلال عیسی ۱۰۷
 جنگ ۷۴
 جوانه یا شاخه ۱۰۴
 جهانی ۹۴
 چاه ۶۰
 چهار حیوان ۱۱۰
 چهره نورانی عیسی ۱۰۸
 چهل، عدد ۶۶
 حبرون ۷۹
 حضور خدا ۱۱۰
 حکمت ۹۷
 خادم یهوه ۹۸
 خادمین ۶۶
 ختنه ۱۰۷
 خشونت ۶۵
 خلقت و صورت خدا ۱۰۶
 خون ۶۳
 خون و ازدواج ۶۸
 خون و عهد ۶۸
 داود نوین ۹۳
 دختر صهیون ۹۱
 دریا ۱۰۷
 در جستجوی انسان ۵۷
 دگرگونی ۱۰۰
 دوازده ۶۱
 دوری از خدا و تقرب به خدا ۶۶
 دیدن از پشت ۶۷
 دیدن خدا ۶۷
 راحیل ۱۰۱
 رستاخیز ۸۳
 روح خاموش شده ۷۵
 روز خداوند و نور ۹۹
 روزه ۱۰۷
 روز خداوند ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۹۲
 روغن ۶۱
 ریاکاری ۸۹
 زن ۹۰
 زائیدن ۷۵
 زیتون، انجیر، تاک، شبان ۷۶
 سامریان ۹۳
 سخن پراقتدار خدا ۱۰۵
 سرزمین موعود و ملکوت ۹۸
 سرود مریم ۷۶
 سه‌گانه اقدس ۶۰
 شبان ۸۴، ۹۸، ۱۱۰
 شراب ۷۶، ۷۷
 شمشیر ۱۰۹
 شنیدن و یکتاپرستی ۹۶

قوم برگزیده ۶۲	شیطان ۵۷
کاروان ۷۱	صحرا ۱۰۰
کاهن بزرگ ۵۹	صخره ۹۴
کلیسا ۵۸	صعود ۸۴
کنده و جوانه ۹۲	صلح و مار ۹۲
کوه ۶۶	صلیب درخت زندگی ۵۸
کهان‌ت ۸۰	سندوقچه عهد ۸۰
کینه ۵۸، ۶۸	سهیون ۸۱
گستگی و دودستگی ۵۸	طلاق ۵۷
گناه ۸۲، ۱۰۹	ظلمت ۱۰۰
لعنت ۸۵، ۸۶، ۱۰۲	عبادت ۸۶
مأموریت ۶۲، ۶۳، ۸۳، ۸۴	عبور از دریا ۱۰۷
مأموریت و دعوت ۱۰۸	عدالت ۶۸
مبارزه ۶۳، ۸۶، ۱۱۱	عزرا ۹۰، ۹۳
مثلی در عمل ۱۰۳	عمانوئیل ۷۲، ۷۵، ۹۰
محبت خدا ۹۶	عمود و تعمیر ۶۴
محکوم کردن دیگران ۸۸	عهد ۱۱۱
مریم باکره ۶۲	عید گذر ۶۹
ماده ۷۵	غریبال ۸۶
مسکینان ۹۸	غرق شدن ۱۱۰
مسیح ۸۰	فرمان ۶۸
مسیح پادشاه ۸۰	فروتنی ۵۶، ۷۸، ۷۹
مسئولیت ۱۰۹	فصح ۶۹
معبد ۸۱، ۹۴، ۹۵	فقر ۵۹
معبد اورشلیم ۸۹	قدوسیت خدا ۱۰۵
ملکیصدق ۵۹	قربانی ۶۰، ۶۳، ۶۹، ۹۵
مملکت ۱۰۸	قلب ۸۱، ۹۶
مملکت کهنه ۱۰۷، ۱۰۸	

منا ۷۱، ۸۲

موسای نوین ۷۱

موسی ۶۲، ۷۱، ۷۲

موسی و یترون ۶۶

مهربانی ۱۰۰

نجات دهنده ۷۸

نور ۱۰۶

نیایش ۶۱

نینوا ۱۰۲

وسوسه ها ۷۱

هاویه ۱۰۴

همدردی ۹۹

یحیی ۸۴

یعقوب ۶۱

یوسف ۶۲

یهودا ۷۲

یهوه ۶۲، ۶۳